

اقتصاد

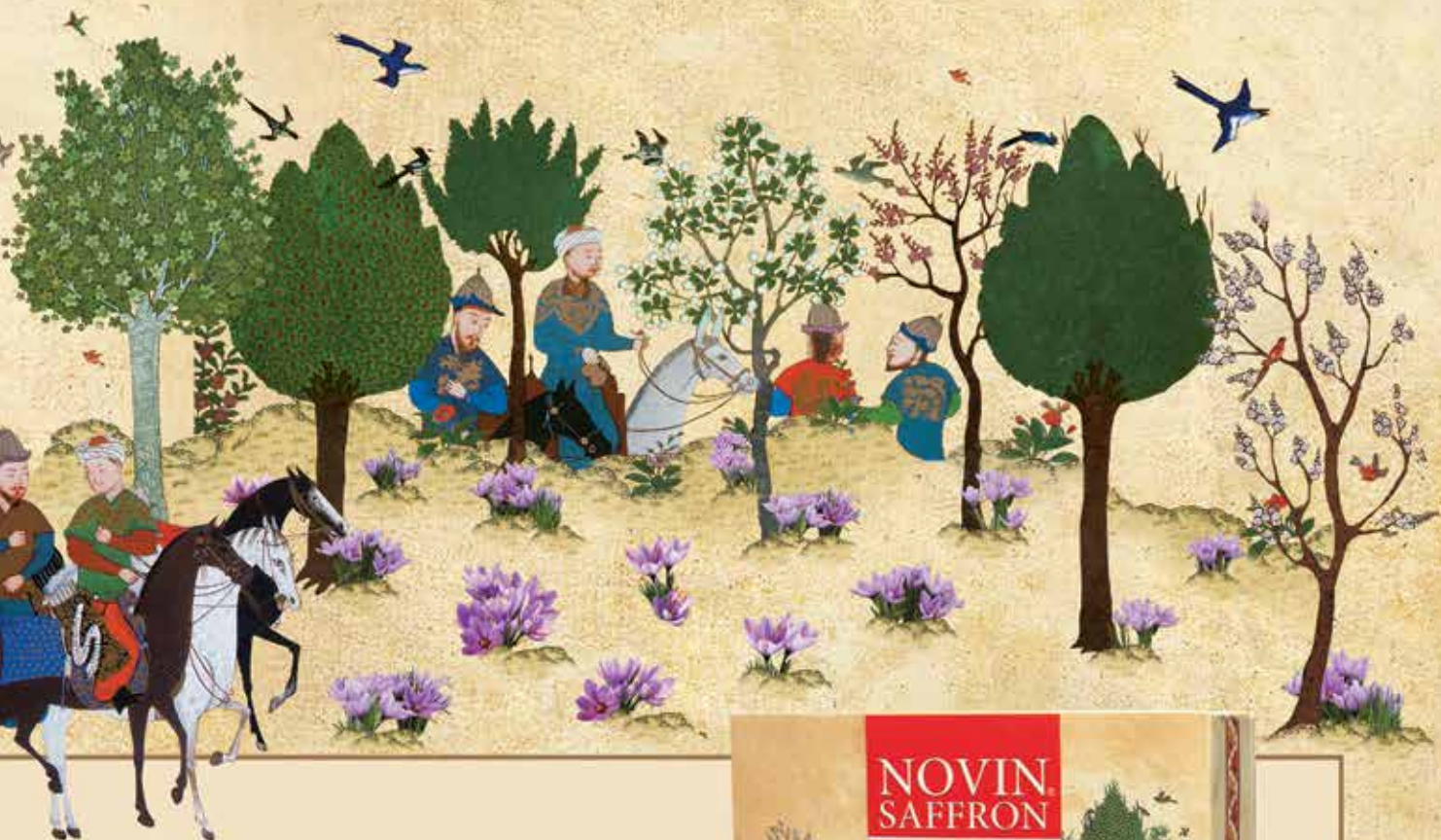
اقتصادی، تحلیلی

سال سی و یکم - مهر ۱۴۰۲ قیمت: ۳۰۰۰ تومان

صادرکنندگان بزرگ جهان
در ۲۰۲۲

- ◀ نگاهی به وضعیت سرمایه گذاری در ایران
- ◀ تحولات بریکس و پیامدهای عضویت ایران
- ◀ زنجیره های ارزش منطقه ای و توسعه تجارت
- ◀ روند خیزش اقتصادی کره جنوبی
- ◀ فرصت های آینده خاورمیانه

NOVIN SAFFRON



saffron@novinsaffron.com
[novinsaffron](https://www.instagram.com/novinsaffron)
[09123317980](https://www.facebook.com/novinsaffron)
[novinsaffron](https://www.linkedin.com/company/novinsaffron)

کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۳۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب پلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰



- ۲ یادداشت / پیش بینی ناپذیری اقتصاد ایران
- ۳ نگاهی به وضعیت سرمایه گذاری در ایران
- ۸ صادر کنندگان بزرگ جهان در ۲۰۲۲
- ۱۰ رشد اقتصادی جهان در سال آینده کندتر خواهد بود
- ۱۲ تحولات بریکس و پیامدهای عضویت ایران
- ۱۷ فرصت های آینده خاورمیانه
- ۲۰ پیش بینی خوش بینانه بانک جهانی از آمار تورم ایران در ۲۰۲۴
- ۲۲ پادزهر رکود مسکن
- ۲۶ برگشت، شامخ در غیاب بهبود صادرات و فروش
- ۳۰ روند خیزش اقتصادی کره جنوبی
- ۳۵ توسعه انرژی تجدید پذیر در برنامه هفتم توسعه
- ۴۱ جایگاه ایران در تولید فولاد جهانی
- ۴۲ زنجیره های ارزش منطقه ای و توسعه تجارت
- ۴۷ سازمان آینده

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سر دبیر:

مهندس حسین کوه زاد

خبرنگار:

جلیل فروتن

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی: هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

نشانی:

نشانی: مشهد - خیابان فلسطین

فلسطین ۱ - ساختمان سروش

طبقه تحتانی

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

تهران - شریعتی - خیابان دستگردی

پلاک ۷۴

طبقه دوم - واحد ۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

پیش‌بینی ناپذیری اقتصاد ایران

مهندس حسین کوه‌زاد

اخیرا بانک جهانی در جدیدترین گزارش خود از وضعیت اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۳ به بررسی شاخص‌های مهم اقتصادی ایران نیز پرداخت. بانک جهانی در گزارش خود، رشد اقتصادی ایران در پایان سال ۲۰۲۳ را ۴٫۱ درصد و ۳٫۵ درصد در سال ۲۰۲۴ پیش‌بینی کرده و این در حالیست که نرخ این شاخص در سال میلادی گذشته معادل ۳٫۸ درصد بود.

این نهاد بین‌المللی همچنین پیش‌بینی کرده که ایران تا پایان سال ۲۰۲۳ بتواند با جهش ۰٫۴ واحد درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲، سرانه رشد اقتصادی خود را به ۳٫۴ درصد برساند اما در سال ۲۰۲۴، این شاخص نیز نسبت به سال قبل از خود ۰٫۷ واحد درصد افت کرده و به ۲٫۷ درصد خواهد رسید.

بر اساس جدیدترین برآوردهای گزارش چشم‌انداز اقتصادی بانک جهانی، نرخ تورم در اقتصاد کشور در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۲٫۶ درصد برآورد شده و پیش‌بینی می‌شود این نرخ با ۶٫۸ واحد درصد کاهش در سال ۲۰۲۴ به ۳۵٫۸ درصد برسد. هرچند هدف‌گذاری بانک مرکزی تا پایان سال جاری رسیدن تورم به ۳۰ درصد است که آن را محقق‌شدنی می‌داند.

بر اساس این گزارش همچنین تراز حساب جاری اقتصاد ایران که در سال ۲۰۲۲ معادل ۳٫۵ درصد GDP بود در سال ۲۰۲۳ به ۴٫۸ درصد GDP افزایش می‌یابد اما در سال آینده مجدداً به ۳٫۵ درصد کاهش خواهد یافت.

با این همه اما باید توجه داشت که طی سال‌های اخیر واقعیت اقتصادی کشور از پیش‌بینی‌ها بدتر بوده است. آنچه که اقتصاد ایران علاوه بر مشکلات ساختاری از آن رنج می‌برد، نبود ثبات و البته لرزان بودن پایه‌های آن است. طی ماه‌های گذشته آرامش در بازارها حکمفرما بود اما شروع نبرد نظامی در سرزمین‌های اشغالی باز هم میل به رشد قیمت را در بازارهای ارز و طلا و خودرو بیشتر شد. این یعنی اقتصاد ایران میل به تورم را در خود به عنوان یک ویژگی پذیرفته است. عواملی که عدم قطعیت را افزایش می‌دهند پیش‌بینی تغییرات اقتصادی را مشکل‌تر می‌کنند. زیرا مخاطرات فعالیت اقتصادی را افزایش و رفتار عوامل اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسئله سبب می‌شود تا اقتصاد دچار بیماری بیش‌بینی ناپذیری شود که بی‌ثباتی در وضعیت اقتصادی و بیش‌بینی ناپذیری موجب نگرانی و عدم تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران می‌شود.

همانطور که بارها گفته شده اقتصاد ایران نیازمند افراد متخصص برای ارائه برنامه بر اساس تجربه سایر کشورها در مهار تورم سرکش است. تا زمانی که ذی‌نفعان تورم همچنان بخواهند کمبودهای خود را با تورم جبران کنند تغییری در وضعیت پیش نخواهد آمد.

نگاهی به وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران



رشد و شکوفایی اقتصاد هر کشور به سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب بستگی دارد. هدایت جریانات پولی و وجوه سرگردان به سمت کارهای تولیدی باعث رشد اقتصادی، افزایش تولید ناخالص ملی، ایجاد اشتغال، افزایش درآمدها و در نهایت رفاه عمومی را به دنبال خواهد داشت. اهمیت سرمایه‌گذاری برای رشد و توسعه اقتصادی به اندازه‌ای است که آن را به یکی از اهرم‌های قوی برای رسیدن به توسعه تبدیل کرده است. رشد اقتصادی و افزایش رفاه عمومی در بلندمدت، بدون توجه به سرمایه‌گذاری و عوامل موثر بر رشد آن امکان‌پذیر نیست.

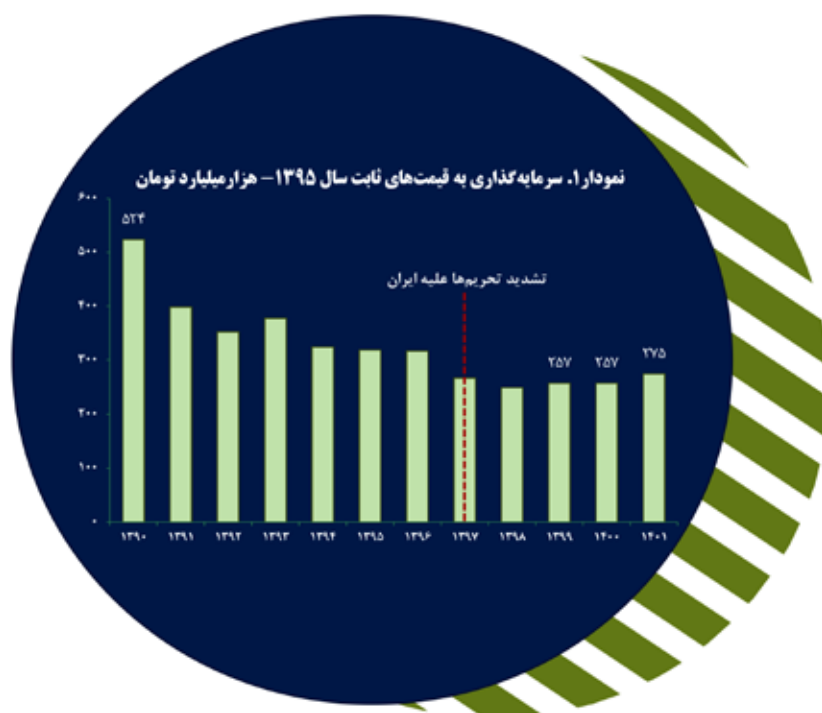
سرمایه‌گذاری فرآیندی استراتژیک و بلندمدت است که در آن تخصیص منابع کلان و قابل توجه مدنظر بوده و از ویژگی‌های مهم آن بالا بودن ریسک و به تبع آن انتظار کسب بازده بالا است. سرمایه‌گذاری، انکارناپذیرترین مولفه و عامل برنامه‌ریزی برای دستیابی به اهداف توسعه است. تفکر استراتژیک در تدوین برنامه‌های راهبردی، کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در محیط چالشی امروز، ضرورت و اهمیت سرمایه‌گذاری را قطعی کرده است. با توجه به اهمیت موضوع گزارش حاضر به بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران پرداخته و بامدنظر قرار دادن هدف، ضمن اشاره به موانع و مشکلات در باب سرمایه‌گذاری، به صورت خلاصه به پیشینه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران اشاره می‌کند.

سرمایه‌گذاری واقعی

طی بازه زمانی منتهی به سال ۱۴۰۱ روند عمومی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۵ نزولی بوده و میانگین نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری طی این بازه زمانی، منفی ۵/۷ درصد است. کمترین رقم سرمایه‌گذاری واقعی کشور به قیمت‌های ثابت، مربوط به سال ۱۳۹۸ و برابر با ۲۴۹ هزار میلیارد تومان است که کمتر از نصف رقم سال ۱۳۹۰ است. در سال ۱۴۰۱ سرمایه‌گذاری واقعی کشور ۱۸ هزار میلیارد تومان افزایش یافت که نسبت به سال ۱۴۰۰ رشدی معادل ۶۷ درصد را تجربه کرده است.

سرمایه‌گذاری استهلاک

برای سومین سال متوالی و براساس



منبع: بانک مرکزی

داده‌های به قیمت ثابت ۱۳۹۵ بانک مرکزی، در سال ۱۴۰۰ تقریباً استهلاك سرمایه با رقم سرمایه‌گذاری جدید در این سال برابر شده است. این اتفاق بدین معنی است که کاسته شدن سرعت رشد سرمایه‌گذاری، موجب شده تا استهلاك سرمایه‌گذاری قبلی با سرمایه‌گذاری جدید برابری کند و شکاف بین این دو رقم به حداقل برسد. استمرار عدم رشد یا افت سرمایه‌گذاری، می‌تواند نگرانی بیشتری گرفتن استهلاك از سرمایه‌گذاری جدید را تشدید کند.

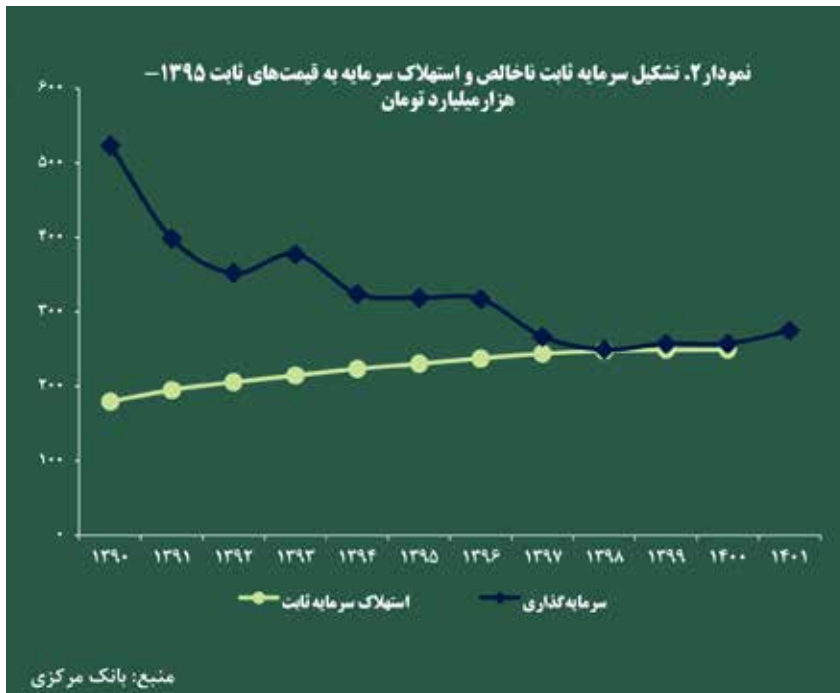
تحلیل تحولات مصرف سرمایه (استهلاك)

نسبت استهلاك به موجودی سرمایه در نمودار ۳ نشان داده شده است. طی ۱۰ سال اخیر به طور میانگین رقمی حدود ۴/۵ درصد از ارزش موجودی سرمایه ثابت در اقتصاد ایران مستهلك می‌شود، بنابراین لازم است هر سال به میزانی تشکیل سرمایه جدید انجام شود تا نه تنها استهلاك دارایی‌های موجود جبران شود، بلکه ظرفیت جدیدی برای افزایش تولید ناخالص داخلی نیز ایجاد شود. روند عمومی سرمایه‌گذاری واقعی در حوزه ماشین‌آلات و ساختمان طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ کاهشی بوده به نحوی که سرمایه‌گذاری در ساختمان از حدود ۲۵۶ هزار میلیارد تومان به قیمت ثابت ۱۳۹۵ در سال ۱۳۹۰ به ۱۵۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ و سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات نیز از حدود ۲۶۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۰ به ۱۱۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است.

شدت تضعیف سرمایه‌گذاری در حوزه ماشین‌آلات طی بازه زمانی مورد بررسی بیش از تضعیف سرمایه‌گذاری در حوزه ساختمان است. کمترین میزان سرمایه‌گذاری واقعی در حوزه ماشین‌آلات و ساختمان مربوط به سال ۱۳۹۸ است که با وجود افزایش ارقام مزبور در سال ۱۳۹۹ همچنان فاصله قابل توجهی بین این ارقام با سطوح سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۹۰ وجود دارد.

رشد سرمایه‌گذاری

طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۱ فقط



در چهار سال ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ رشد کل سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، مثبت و به ترتیب برابر با ۷/۱ درصد، ۳/۲ درصد، ۰/۱ درصد و ۶۷ درصد بوده است. در همین بازه زمانی، طی نیمی از دوره رشد سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات، مثبت و فقط طی سه سال رشد سرمایه‌گذاری در ساختمان، مثبت است. میانگین نرخ رشد سالانه سرمایه‌گذاری در حوزه ماشین‌آلات طی این بازه زمانی، منفی ۷/۱ درصد و در حوزه ساختمان نیز منفی ۴/۶ درصد است.

طی سال ۱۴۰۱ رشد سرمایه‌گذاری در حوزه ماشین‌آلات به دلیل افزایش تولید کالاهای سرمایه‌ای در این حوزه و همچنین افزایش واردات این گروه کالایی، رشد مثبت و بالای ۱۵/۴ درصدی داشت. رشد سرمایه‌گذاری ساختمان در سال مزبور نیز ۱/۲ درصد بود. نکته قابل توجه در روند رشد سرمایه‌گذاری ایران این است که طی دهه ۸۰ میانگین رشد سرمایه‌گذاری مثبت بوده، اما در دهه ۹۰ به میزان قابل توجهی کاهش و روند منفی به خود گرفته است. یکی از عمده‌ترین دلایل عدم رشد اقتصادی در دهه ۹۰ کاهش رشد در سرمایه‌گذاری بوده

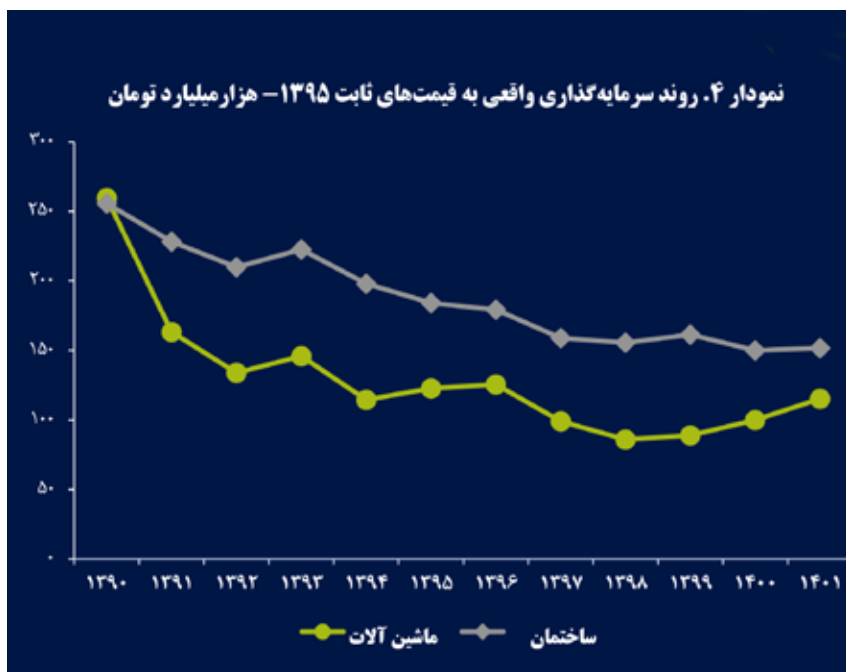


**میانگین نرخ رشد سالانه
سرمایه گذاری واقعی بخش خصوصی
طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ منفی ۵/۳
درصد است**

است. در واقع به طور کلی پایین بودن سطح سرمایه گذاری در بیشتر کشورهای در حال توسعه مهم ترین دلیل اقتصادی پایین بودن رشد اقتصادی به حساب می آید و گرفتار شدن در تله فقر نیز رخ می دهد. در متون اقتصادی تله فقر زمانی ایجاد می شود که کاهش سرمایه، رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهد و یک نظام اقتصادی برای رهایی از فقر به سرمایه قابل توجهی نیاز داشته باشد.

سرمایه گذاری بخش خصوصی

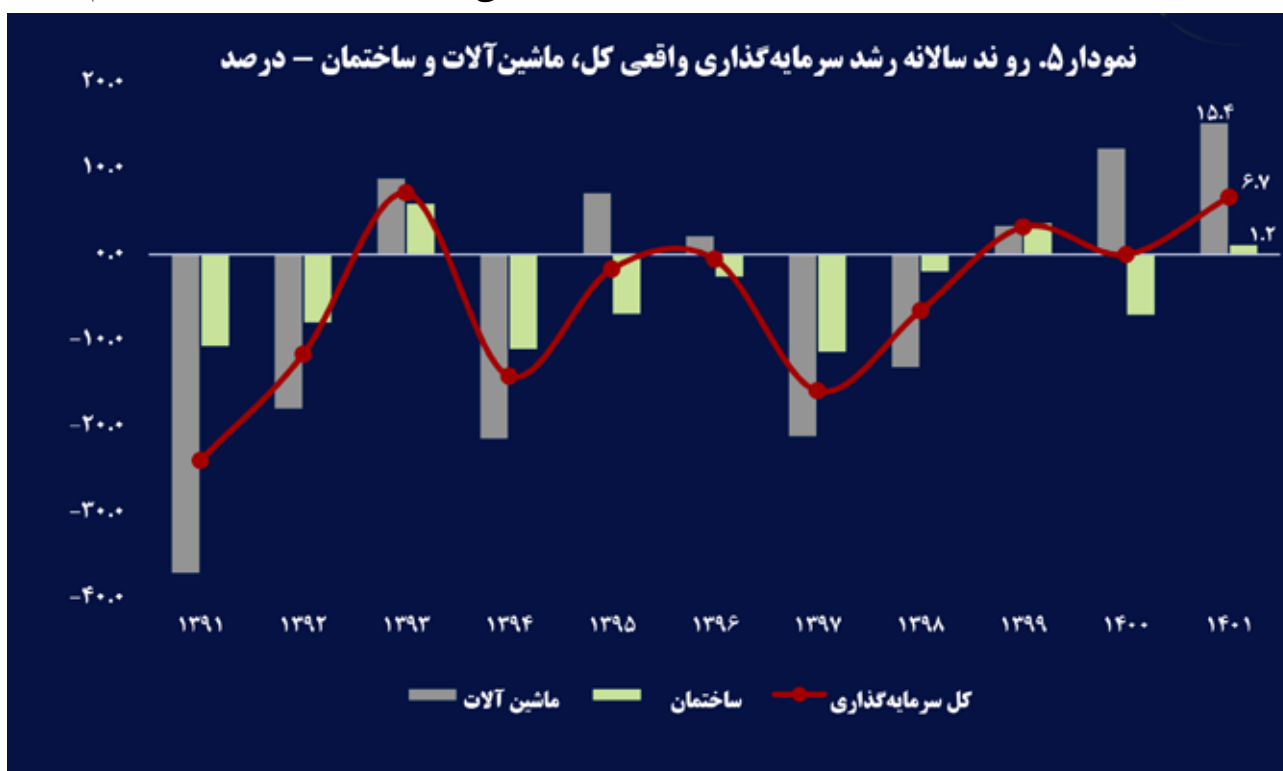
سرمایه گذاری صورت گرفته توسط بخش خصوصی در اقتصاد کشور طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ با ۴۰۵/۲ نوسانات و روند عمومی کاهشی همراه بوده است. میانگین نرخ رشد سالانه سرمایه گذاری واقعی بخش خصوصی طی بازه زمانی مذکور منفی ۵/۳ درصد است. کمترین رقم سرمایه گذاری بخش خصوصی در ساختمان مربوط به سال ۱۳۹۷ و حدود



۱۰۹/۲ هزار میلیارد تومان بوده که اگر چه طی سه سال اخیر (۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱) این رقم بهبود یافته، اما همچنان کمتر از رقم ۱۶۷/۵ هزار میلیارد تومان سال ۱۳۹۰ است. کمترین رقم سرمایه گذاری ماشین آلات توسط بخش خصوصی در سال ۱۳۹۸ و حدود ۸۱ هزار میلیارد تومان بوده است. آمار گویای تضعیف به مراتب شدیدتر سرمایه گذاری مولد بخش خصوصی در حوزه ماشین آلات است.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی

بر اساس آمار آنکتاب و طبق نمودار شماره ۷، جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران طی ۱۰ سال اخیر روندی با شیب ملایم را طی کرده و در سال ۲۰۲۲ رقم آن به ۱/۵ میلیارد دلار رسیده است. ایران در سال ۲۰۲۱ بالغ بر ۱/۴ میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی





جذب کرده بود که بدین ترتیب میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال قبل از آن حدود ۵/۳ درصد معادل ۷۵ میلیون دلار افزایش داشته است.

ایران در میان کشورهای جهان از حیث میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در رتبه ۷۹ طی سال ۲۰۲۲ قرار داشته است. امارات متحده عربی طی سال‌های اخیر توانسته روند صعودی جذب سرمایه‌گذاری خود را از سال ۲۰۱۹ آغاز کند و تا سال ۲۰۲۲ نیز ادامه دهد.

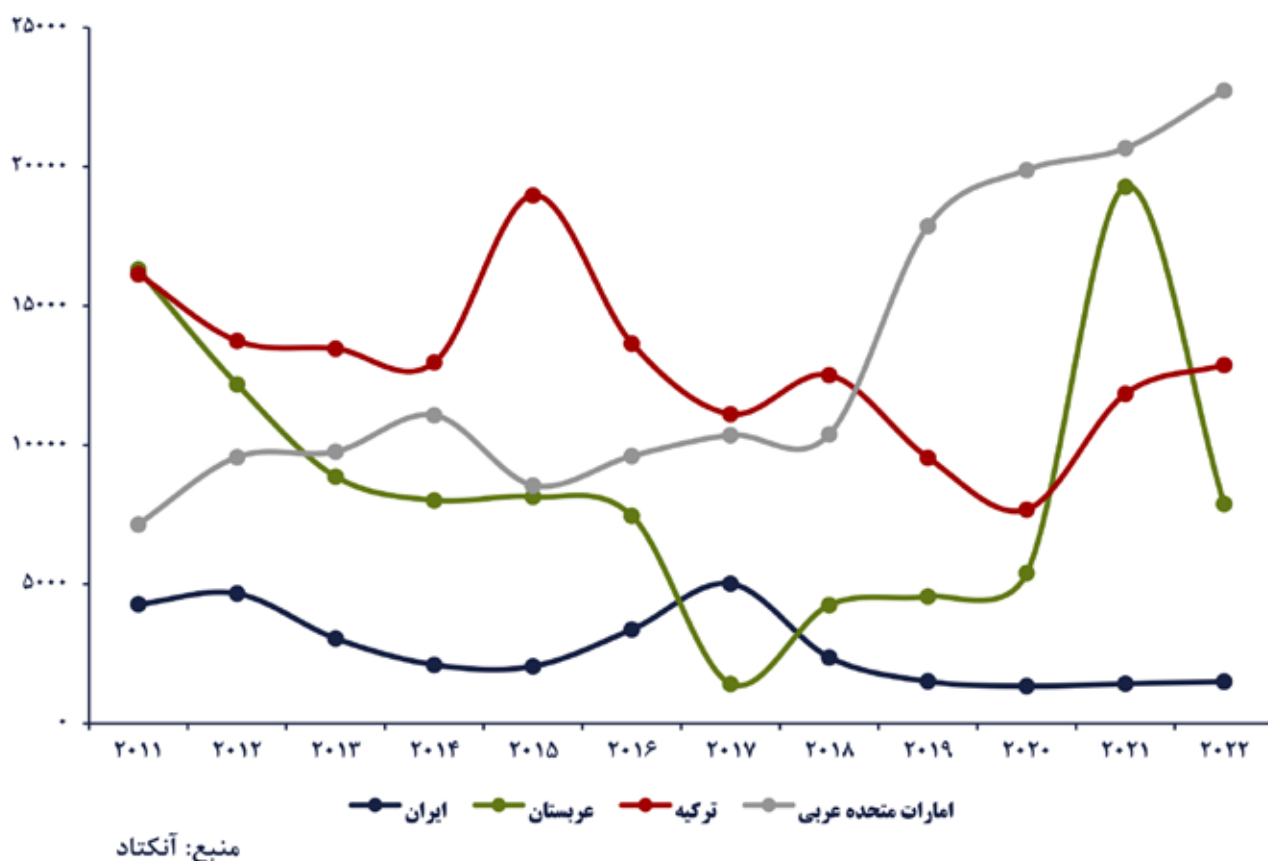
طی سال ۲۰۲۲ این کشور از نظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه خاورمیانه رتبه نخست را کسب کرده است. ایران در سال ۲۰۲۲ حدود ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای دیگر داشته است، این رقم برای سال پیش از آن ۸۲ میلیون دلار اعلام شده بود.

وضعیت همسایگان ایران در جذب

سرمایه‌گذاری خارجی
سرمایه‌گذاری خارجی در چهار کشور همسایه ایران وضعیت متفاوتی دارد. برای مثال امارات متحده عربی موفق شده که از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ در روندی صعودی برای جذب سرمایه‌گذاری قرار بگیرد و در سال ۲۰۲۲ حدود ۲۳ میلیارد دلار سرمایه از دیگر کشورها جذب کند. بدین ترتیب امارات از حیث جذب سرمایه خارجی به عنوان کشور نخست خاورمیانه لقب گرفته است.

از سوی دیگر، با وجود اینکه عربستان در سال گذشته با کاهشی ۵۹ درصدی در میزان

نمودار ۷. روند جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران و کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ (میلیون دلار)



سرمایه گذاری خارجی مواجه شد اما حدود ۸ میلیارد دلار سرمایه از دیگر کشورها جذب کرد. این رقم برای ترکیه نیز به حدود ۱۳ میلیارد دلار رسید.

برخلاف ادعاهای دولت، تحریم‌ها اثر کرده و حالا مدت‌هاست که ایران از مناسبات بین‌المللی کنار گذاشته شده و در طرح‌های رشد و توسعه جهانی و منطقه‌ای نام و نشانی از ایران نیست. نزدیک‌ترین نمونه آن طرح کمربند لاپچین است که آن هم ایران را دور زده و ایران نه در طرح جاده ابریشم نقش دارد و نه در طرح کمربند لاپچین.

جمع‌بندی

مهم‌ترین مشکلات و موانع ساختاری و اجرایی که موجب افزایش ریسک سرمایه گذاری داخلی می‌شود را می‌توان در مولفه‌های زیر خلاصه کرد:

- تعدد بی‌ثباتی و نامتناسب بودن بسیاری از قوانین و مقررات اقتصادی کشور با شرایط جهانی، فقدان استراتژی معین و ستاد تصمیم‌گیری مشخص در عرصه اقتصاد.

- فراهم بودن شرایط خروج سرمایه از کشور.

- افزایش تورم داخلی نسبت به تورم خارجی، رانت‌جویی و عدم وجود شرایط رقابتی در عرصه سرمایه‌گذاری و بی‌ثباتی در شاخص‌های اقتصاد کلان به ویژه تورم و نرخ ارز.

- محدودیت ارتباط با کشورهای دیگر به

منظور ورود دانش فنی و ماشین‌آلات جدید.

- وجود بوروکراسی‌های اداری پیچیده، عدم تعریف و تضمین حقوق مالکیت.

- عدم وجود سازوکار قضایی منسجم در حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی.

در بخش سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه موانع بسیاری وجود دارد. برخی از موانع به شرح زیر است:

- عدم وجود قانون جامع در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی.

- کوچک بودن ابعاد بازار سرمایه و بدهی ایران و عدم تناسب اندازه بازار با تولید ناخالص داخلی کشور.

- عدم وجود زیرساخت‌ها و ابزار مناسب جهت پوشش ریسک نرخ ارز.

- فقدان نظام بانکی با معیارهای بین‌المللی.

- عدم اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و حسابرسی مستقل.

- وضعیت سنتی بورس تهران در بخش ریزساختارها، عدم تنوع ابزارهای معاملاتی، فقدان یا محدودیت زیرساخت‌های الکترونیکی بازار سرمایه و عدم اتصال به بازارهای سرمایه دنیا.

- نبود دستور اقدام منسجم یا برنامه راهبردی بازار سرمایه، نگرانی‌های سیاسی و فرهنگی و عدم تقارن اطلاعاتی.

- عدم توجه مستقیم به سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه در قانون.

- فرآیند طولانی اخذ مجوز و اخذ کد سهامداری به خاطر عدم یکپارچگی میان سازمان‌های ذی‌ربط.

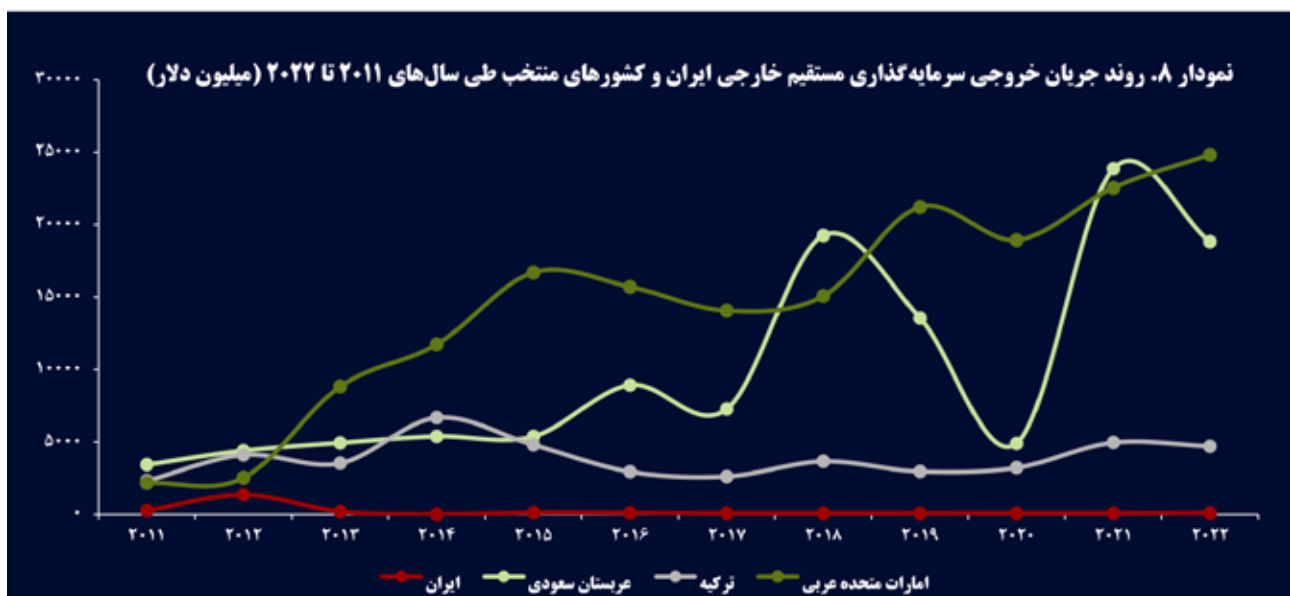
- عدم یکپارچگی و غیرالکترونیک بودن فرآیندها در میان سازمان‌های ذی‌ربط مانند مباحث ثبت افزایش سرمایه، اجرای استانداردهای گزارشگری و....

- تناقض مقررات در خصوص افتتاح حساب ریالی بانکی برای سرمایه‌گذار خارجی.

- رویه سخت احراز هویت سرمایه‌گذاران خارجی مطابق قانون مبارزه با پولشویی.

- محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و انتخاب مدیران.

- محدودیت در خروج سرمایه توسط سرمایه‌گذار خارجی. / اتاق بازرگانی تهران

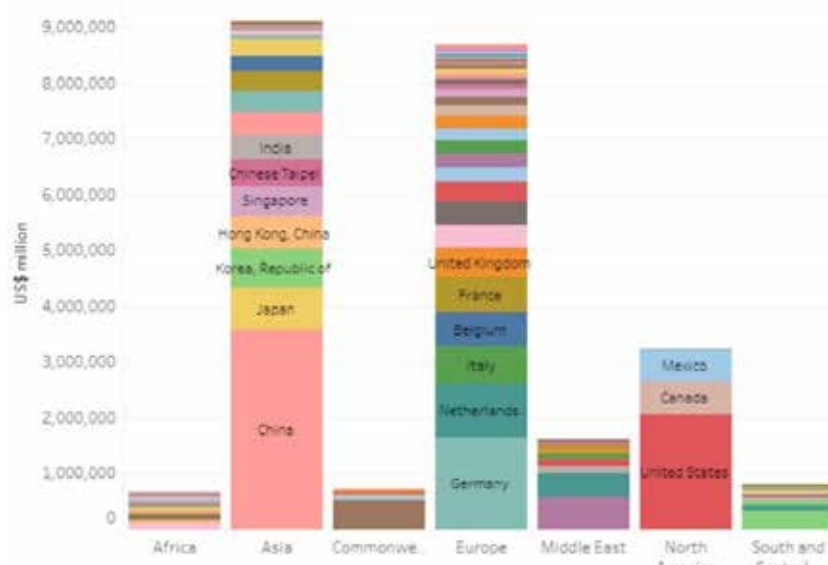




صادرکنندگان بزرگ جهان در ۲۰۲۲

سی‌یامدارهای مجتمع، دیوهای صفحات خورشیدی و نیمه‌رساناها بوده است. دو شریک تجاری اصلی چین، کشورهای همسایه یعنی ژاپن و کره جنوبی هستند.

Top 11	Country	Exports (USD)
1	China	\$3.6T
2	U.S.	\$2.1T
3	Germany	\$1.7T
4	Netherlands	\$965.5B
5	Japan	\$746.9B
6	South Korea	\$683.6B
7	Italy	\$656.9B
8	Belgium	\$632.9B
9	France	\$617.8B
10	Hong Kong	\$609.9B
11	United Arab Emirates	\$598.5B



یازده صادرکننده برتر جهان در سال ۲۰۲۲، کالاهایی به ارزش ۱۲.۸ تریلیون دلار صادر کردند که بیشتر از مجموع صادرات بقیه دنیا (۱۲.۱ تریلیون دلار) است. این فهرست با چین آغاز می‌شود که با ۳.۶ تریلیون دلار یا ۱۴ درصد کل صادرات، بزرگترین صادرکننده کالا از سال ۲۰۰۹ بوده است.

در سال ۲۰۲۲، ارزش کل صادرات کالاهای جهان به تقریباً ۲۵ تریلیون دلار رسید. با تکامل تجارت بین‌المللی، اثرات جهانی‌سازی و پیشرفت تکنولوژی، تجارت جهانی طی ۲۰ سال گذشته حدود ۳۰۰٪ رشد یافته است. اینفوگرافیک زیر با استفاده از داده‌های سازمان تجارت جهانی، بزرگترین صادرکنندگان جهان را به تفکیک کشورها نشان می‌دهد.

چین همچنان کارخانه جهان است

یازده صادرکننده برتر جهان در سال ۲۰۲۲، کالاهایی به ارزش ۱۲.۸ تریلیون دلار صادر کردند که بیشتر از مجموع صادرات بقیه دنیا (۱۲.۱ تریلیون دلار) است. این فهرست با چین آغاز می‌شود که با ۳.۶ تریلیون دلار یا ۱۴٪ کل صادرات، بزرگترین صادرکننده کالا از سال ۲۰۰۹ بوده است. مهمترین محصولات صادراتی چین در سال ۲۰۲۲ شامل تلفن‌ها (از جمله گوشی‌های هوشمند)، کامپیوترها، اپتیکال ریدرها، آی

Global export leaders 2022

Based on total merchandise exported



Top 11 countries export more than the rest of the world combined

Top 11: \$12.8T

Rest of world: \$12.1T

Top 11:



More charts: genuineimpact.substack.com

Source: WTO (data last updated 7.8.23)

بزرگ‌ترین خریدار صادرات آمریکا بود که ۱۷٪ کل صادرات را تشکیل می‌داد. پس از آن مکزیک، چین، ژاپن و بریتانیا قرار دارند.

مهم‌ترین صادرات آمریکا شامل نفت تصفیه شده، گاز، نفت خام، خودرو و آی سی است. از منظر منطقه‌ای، مشخص است آسیا با بیش از ۳۶٪ کل صادرات، بازار تجارت را در اختیار دارد و پس از آن اروپا با ۳۴٪ قرار دارد. در حالی که کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکای شمالی محصولات صنعتی و مرتبط با تکنولوژی را صادر می‌کنند، کشورهای آفریقایی و آمریکای جنوبی عمدتاً کالاهای اولیه مثل نفت، طلا، الماس، کاکائو، چوب و فلزات گران بها صادر می‌کنند.

عصر جدیدی از کاهش وابستگی جهانی؟

تجارت بین‌المللی در ابتدای قرن ۲۱م به شدت رشد کرد و از ۱۵.۶ تریلیون دلار در ۲۰۰۱ به ۴۰.۷ تریلیون دلار در ۲۰۰۸ رسید. از آن زمان، سیاست‌های حمایت‌گرایانه تجاری مانند مالیات بر کالاهای خارجی و سهمیه واردات به میزان ۶۶۳٪ افزایش یافته‌اند. همچنین سهم تجارت جهانی از تولید ناخالص داخلی نیز متوقف شده و از سال ۲۰۰۸ ثابت مانده است. علی‌رغم کاهش وابستگی و یکپارچگی بین کشورهای مختلف در دوران پساکرونا، پیش‌بینی می‌شود صادرات جهانی تا سال ۲۰۳۰، ۷۰٪ رشد کند و به ۲۹.۷ تریلیون دلار برسد.

چین با ۳.۶ تریلیون دلار بزرگ‌ترین صادرکننده کالا از سال ۲۰۰۹ بوده است

روابط تجاری گسترده‌ای با اتحادیه اروپا و ایالات متحده به عنوان دو بازار بزرگ کالا در جهان برقرار کرده بود. اما اخیراً تنش‌های تجاری منجر به از دست رفتن جایگاه چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا در سال ۲۰۲۳ شده است.

مکزیک اکنون از چین پیشی گرفته و بزرگ‌ترین صادرکننده به ایالات متحده است. این تغییر در راستای تلاش گسترده‌تر آمریکا برای واردات کالا از نزدیک‌ترین مناطق و کاهش وابستگی به رقابت ژئوپلیتیکی است.

آمریکا خود دومین صادرکننده بزرگ کالا در جهان است و سالانه بیش از ۲ تریلیون دلار صادر می‌کند. کانادا در سال ۲۰۲۲

رشد اقتصادی جهان در سال آینده کندتر خواهد بود

است. تجارت خدمات با کمک بخش گردشگری که پس از افت شدید در اوایل دوران همه‌گیری کرونا، به شدت بهبود یافته، بهتر عمل کرده است.

کندی فعالیت اقتصادی در نیمه دوم سال

شاخص‌های فعالیت اقتصادی در بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان نشان از آن دارند که شتاب رشد اقتصادی در نیمه دوم سال ۲۰۲۳ کاهش خواهد یافت. هنوز در اکثر اقتصادهای پیشرفته و بزرگ جهان، باوجود پایین بودن تاریخی نرخ‌های بیکاری و بالا بودن نرخ فرصت‌های شغلی، بازارهای کار تحت فشار هستند. بااین حال، تعداد فرصت‌های شغلی به‌طور پیوسته کاهش یافته، رشد مشاغل کند شده و نرخ ترک کار شروع به کاهش کرده است. کاهش نرخ تورم سرفصل به تثبیت یا بهبود درآمد قابل مصرف واقعی خانوارها کمک کرده است، اما کاهش دستمزدهای واقعی در ۲ سال گذشته و دشوارتر شدن شرایط مالی در اکثر اقتصادهای پیشرفته باعث ایجاد محدودیت در مصرف مصرف‌کنندگان شده است، البته به استثنای آمریکا. از سوی دیگر، باوجود نشانه‌هایی از جهش فعالیت در بخش فناوری، تولید صنعتی در بسیاری از اقتصادها به روند رکود خود ادامه داده است.

در سطح جهانی، شاخص‌های PMI (شاخص مدیران خرید) تولید و سفارش‌ها جدید در بخش تولید صنعتی در سطوح رکود یا انقباض هستند. شاخص‌های بخش خدمات قوی‌تر هستند اما اخیراً روندی کاهشی به خود گرفته‌اند. اگرچه در ماه

اقتصاد جهانی در نیمه اول سال ۲۰۲۳ قوی‌تر از حد انتظار بود، اما بر اساس آخرین چشم‌انداز اقتصادی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، چشم‌انداز رشد سال آینده اقتصاد جهان ضعیف و تورم در آن پایدار خواهد بود.

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی در گزارش جدید میان‌دوره‌ای خود با توجه به روند اجرای سیاست پولی در اقتصادهای جهان و بهبود ضعیف‌تر از حد انتظار اقتصاد چین، چشم‌انداز رشد جهانی را در سال جاری ۳ درصد و در سال آینده و ۲۰۲۴ درصد پیش‌بینی کرده است.

بر اساس این گزارش جدید، نرخ تورم سرفصل، تورمی که در آن قیمت مواد غذایی و سوخت در نظر گرفته می‌شود، در جهان رو به کاهش گذاشته است اما نرخ تورم اصلی، تورمی که قیمت غذا و انرژی از آن حذف شده است، پایدار باقی مانده است زیرا بخش خدمات و بازارهای کار تحت فشار نرخ را بالا نگه داشته‌اند. در صورت بروز اختلال بیشتر در بازار مواد غذایی و انرژی، تورم می‌تواند پایدارتر از حد انتظار باقی بماند، در شرایطی که کندی رشد اقتصادی در چین رشد اقتصاد در سرتاسر جهان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. همچنین نرخ بدهی عمومی در بسیاری از کشورهای جهان بالا باقی مانده است.

رشد جهانی ضعیف باقی خواهد ماند

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی انتظار دارد اقتصاد جهانی در سال جاری ۳ درصد رشد کند، اما پس از آن در سال آینده با انقباضی ۰٫۳ درصدی نرخ رشد اقتصاد جهان به ۲۰۲۴ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین انتظار می‌رود با وجود بهبود ضعیف‌تر از حد انتظار اقتصاد چین، سهم نامتناسبی از رشد اقتصاد جهانی در سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۲۴ به آسیا تعلق داشته باشد.

افزایش کوتاه مدت رشد جهانی در نیمه اول سال

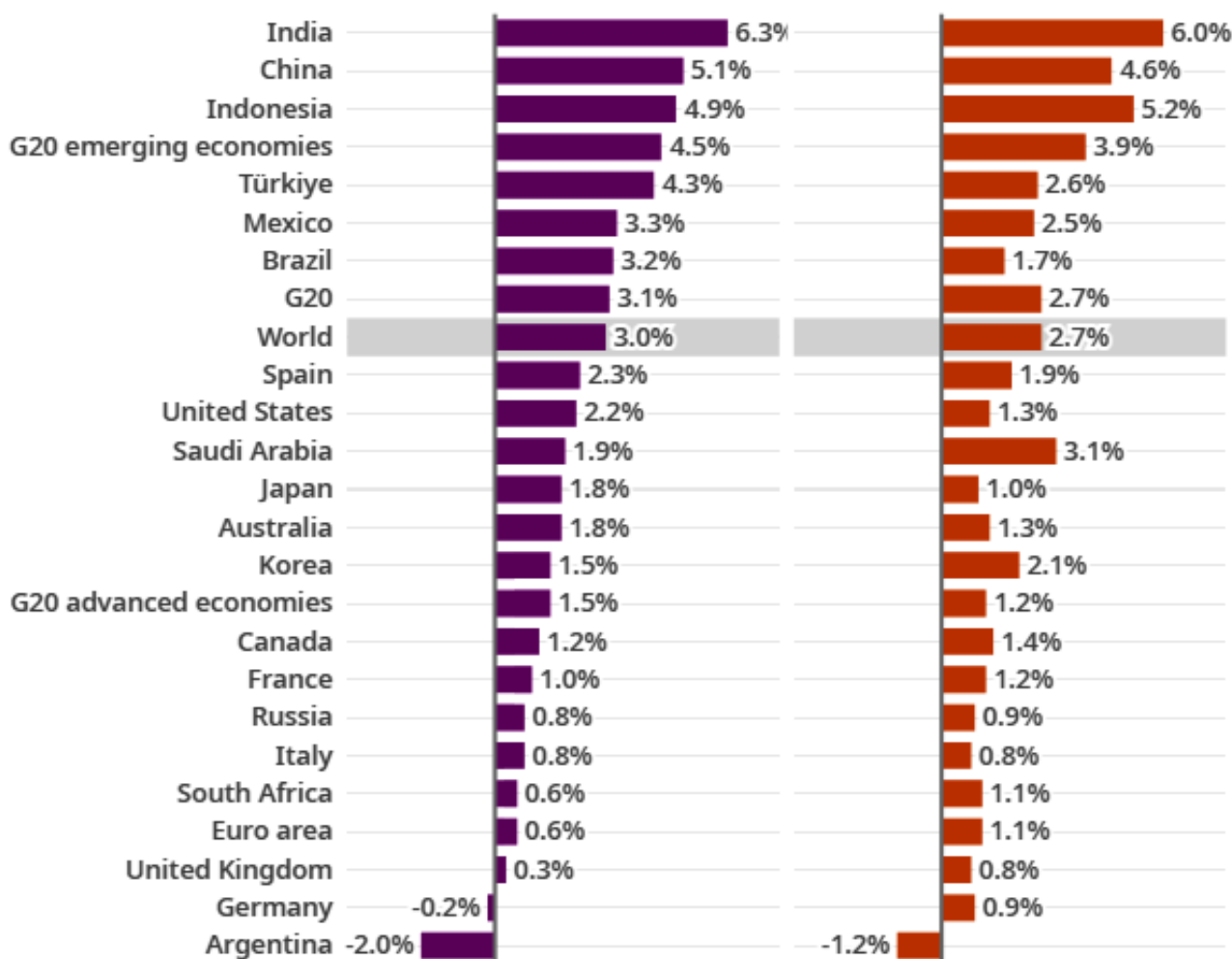
بر اساس گزارش جدید، تولید ناخالص داخلی جهانی در نیمه اول سال جاری با سرعت سالانه ۳٫۲ درصد پیش رفت که در مقایسه با نیمه دوم سال ۲۰۲۲ تا حدودی قوی‌تر از انتظارات بوده است. رشد در آمریکا و ژاپن نسبتاً قوی و در بیشتر اروپا و به‌ویژه در آلمان، ضعیف بوده است. در میان اقتصادهای نوظهور گروه ۲۰، رشد اقتصادی تاکنون عمدتاً مثبت بوده‌اند، به‌ویژه در برزیل، هند و آفریقای جنوبی که رشد خود را می‌یابند. مطلوب کشاورزی مرتبط با آب و هوا بوده‌اند.

بااین حال رشد در چین شتاب خود را از دست داده است، زیرا عزم اولیه‌ای که پس از بازگشایی اقتصادی در چین ایجاد شد، به تدریج محو شده است و علاوه بر این، بحران بخش املاک و بدهی توسعه دهندگان این بخش بر تقاضای داخلی تأثیر گذاشته است.

بر خلاف روند تولید جهانی، حجم تجارت در نیمه اول سال جاری با کاهش شدیدتر از حد انتظار مواجه شده است. حجم تجارت کالا به‌ویژه در اقتصادهای پیشرفته بزرگ ضعیف بوده است، به‌طوری که تجارت جهانی کالا در طول سال منتهی به ژوئن ۲۰۲۵ درصد کاهش یافته

GDP projected growth rates for 2023 and 2024

Year-over-year, %



Source: OECD Economic Outlook, Interim Report September 2023.

رشد آمریکا در مواجهه با یک سری افزایش نرخ بهره، انعطاف پذیرتر از آن چیزی است که اکثر اقتصاددانان انتظار داشتند. با این وجود، احتمالاً رشد اقتصاد این کشور در سال آینده به ۱.۳٪ کاهش خواهد یافت که این نرخ هم نسبت به پیش بینی ۱٪ که ماه ژوئن اعلام کرده بود، بهبود یافته است.

چشم انداز بهبود یافته آمریکا در سال جاری به جبران ضعف چین و منطقه یورو که روند رشد آن تحت الشعاع ضعف رشد آلمان قرار گرفته، کمک کرده است. آلمان تنها اقتصاد بزرگی که انتظار می رود در رکود باقی بماند.

این سازمان پیش بینی می کند که رشد اقتصاد چین از ۵.۱ درصد در سال جاری به ۴.۶ درصد در سال آینده کاهش یابد. در ماه ژوئن، OECD رشد ۵.۴ درصدی را برای سال جاری و ۵.۱ درصدی را برای سال آینده چین پیش بینی کرده بود. گزارش جدید چشم انداز رشد منطقه یورو را در سال جاری از ۰.۹ درصد در ژوئن به ۰.۶ درصد کاهش داد، اما پیش بینی کرد که با بازگشت اقتصاد آلمان به مسیر رشد، این رقم در سال آینده به ۱.۱ درصد خواهد رسید.

اگرچه چشم انداز رشد برای سال آینده عمدتاً ضعیف است، اما سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی اعلام کرد بانک های مرکزی باید نرخ بهره را تا زمانی که نشانه های واضح فشارهای تورمی فروکش کند، بالا نگه دارند.

اوت شاخص PMI در بعضی از اقتصادهای نوظهور، به ویژه هند، بهبود قابل توجهی یافته است، اما این شاخص در آمریکا و چین در حد متعادل باقی مانده و در منطقه یورو و بریتانیا ضعیف تر شده است. روند بهبود تدریجی سال گذشته اعتماد مصرف کننده، در سال جاری در بسیاری از کشورها متوقف شده است و شاخص اعتماد مصرف کننده هنوز پایین تر از نرخ پیش از دوران همه گیری باقی مانده است.

پیش بینی رشد اقتصادی کشورها

این نهاد مستقر در پاریس اعلام کرد که انتظار دارد اقتصاد آمریکا در سال جاری به جای رشد ۱.۶ درصدی که در ژوئن پیش بینی کرده بود، ۲.۲ درصد رشد کند، زیرا



معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران منتشر کرد

تحولات بریکس و پیامدهای عضویت ایران

بریکس، یک نهاد بین‌المللی متشکل از پنج کشور در حال توسعه و نوظهور است که طبق توافقات انجام شده، از ابتدای ژانویه ۲۰۲۴، ۶ کشور دیگر نیز به آن می‌پیوندند. سابقه فعالیت‌های این نهاد به بیش از دو دهه می‌انجامد. برجسته‌ترین فعالیت بریکس، تأسیس نهادهای مالی مانند بانک توسعه جدید بوده است؛ به طوری که بسیاری از کشورها به دلیل بهره‌برداری از منافع مالی این نهادها، درخواست عضویت در بریکس را داده‌اند.

سهم این کشورها از تولید ناخالص داخلی جهان براساس قدرت برابری خرید، در حال حاضر حدود ۳۲ درصد است که با عضویت ۶ کشور دیگر به حدود ۳۶ درصد خواهد رسید و یک بازار مصرف حدود ۳/۶ میلیارد نفری را تشکیل می‌دهد. سوابق فعالیت‌های بریکس، گویای حجم محدود سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورهاست که از سال ۲۰۱۱ تاکنون تغییرات قابل ملاحظه‌ای نداشته است. مبادی سرمایه‌گذاری متنوعی در کشورهای سرمایه‌گذار بریکس مشاهده نمی‌شود. عده‌ای، محدودیت سرمایه‌گذاری و تجارت در این کشورها را عدم وجود موافقتنامه‌های تجارت آزاد دانسته‌اند که مسیر سرمایه‌گذاری، کسب و کار و تجارت را با چالش روبه‌رو کرده است.

پیوستن به هر نهاد بین‌المللی می‌تواند دستاوردهایی را برای کشورهای عضو از حیث دسترسی به منابع مالی تا تقویت قدرت سیاسی آنها در منطقه و جهان به دنبال داشته باشد، اما بهره‌برداری از فرصت‌های موجود برای ایران، مستلزم رفع چالش‌های احتمالی خواهد بود. یکی از مهم‌ترین مزایای بالقوه عضویت در چنین گروهی، تسهیل دسترسی به منابع مالی از طریق بانک توسعه جدید و سایر نهادهای مالی بریکس و امکان ارائه بخشی از منابع مالی به ارزهای کشورهای عضو است. از مزایای دیگر می‌توان به امکان تنوع بخشی در شرکای تجاری و بهره‌برداری از تجارت کشورهای عضو در زمینه فناوری، انرژی و محصولات کشاورزی اشاره کرد. در این گزارش به طور مفصل به موارد دیگری نیز پرداخته شده است. با وجود تمامی موارد فوق، چنانچه تحریم‌های مالی رفع نشود، دسترسی به منابع حاصل از عضویت در این نهاد که می‌تواند یکی از کلیدی‌ترین دستاوردهای ژئواکونومیک برای ایران محسوب شود، دچار مشکل خواهد شد. علاوه بر این، با توجه به عدم همگرایی سیاسی و بعضاً اقتصادی - اجتماعی در کشورهای عضو بریکس، پیش‌بینی می‌شود کشورهای عضو این نهاد در آینده با چالش‌های دیگری نیز روبه‌رو شوند.

شکل‌گیری بریکس

بریکس، یک گروه غیررسمی از کشورها شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است که ابتدا، توسط طرف روسی با هدف همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای عضو تشکیل شد و بعدها، بستری را برای همکاری‌های سیاسی کشورها فراهم کرد.

ایده شکل‌گیری گروه به نام بریک، در سال ۲۰۰۱ توسط موسسه سرمایه‌گذاری «گلدمن ساکس ۲» ارائه شد و بعدها در سال ۲۰۱۱، با پیوستن آفریقای جنوبی، نام این نهاد به «بریکس» تغییر یافت. در سال ۲۰۰۶، نخستین نشست وزیران بریکس به پیشنهاد روسیه در نیویورک برگزار شد و کشورها علاقه خود را نسبت به همکاری‌های چندجانبه ابراز کردند. در سال ۲۰۰۹، بیانیه مشترکی توسط کشورهای عضو «بریک» صادر شد که مبین اهداف بریک برای

همکاری میان کشورها به شیوه‌ای فعال، باز، شفاف و عمل‌گرا بود و درک مشترکی را برای راه‌های مقابله با بحران مالی و اقتصادی جهان ترسیم کرد. از جمله مهم‌ترین اقدامات بریکس می‌توان به تأسیس بانک توسعه جدید در ارتقای ثبات، توسعه اقتصادی و پیشبرد همگرایی اشاره کرد. ایجاد بانک توسعه جدید بستری را برای کشورهای عضو فراهم کرد تا طیفی از پروژه‌های

جدول ۱- سهم بریکس از GDP جهان و جمعیت هر یک از کشورها، ۲۰۲۲

کشورها	سهم تولید ناخالص داخلی بر اساس PPP از کل جهان (درصد)	جمعیت (میلیون نفر)
برزیل	۲.۳	۲۱۴
چین	۱۸.۵	۱۴۱۳
هند	۷.۳	۱۴۲۳
روسیه	۲.۹	۱۴۳
آفریقای جنوبی	۰.۶	۶۱
آرژانتین	۰.۷	۴۶
مصر	۱.۰۲	۱۰۴
اتیوپی	۰.۲	۱۰۴
ایران	۱.۰	۸۶
عربستان سعودی	۱.۳	۳۵
امارات متحده عربی	۰.۵	۱۰
مجموع	۳۶.۴	۳۶۳۹

می‌دهد هم‌ترازی اقتصادی میان کشورهای عضو بریکس وجود ندارد. دامنه تغییرات تولید ناخالص داخلی سرانه این کشورها، مویده این موضوع است. در سال ۲۰۲۲، تفاوت میان بیشترین و کمترین درآمد سرانه در کشورهای بریکس، حدود ۱۳ هزار دلار در سال بوده است. با عضویت سایر کشورها از جمله امارات متحده عربی، این رقم به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت. تفاوت‌های نسبتاً قابل توجه در رشد اقتصادی اعضای بریکس طی سال ۲۰۲۲ نیز نشان می‌دهد عملکرد اقتصادی کشورهای این گروه، از مثبت ۷۸ درصد تا منفی ۲/۱ درصد در نوسان بوده است.

درجه توسعه یافتگی در کشورهای عضو بریکس بسیار پراکنده است. در میان اعضای

زیرساختی و توسعه پایدار در مناطق مربوطه خود را تامین مالی کنند. اگرچه بریکس، یک گروه غیررسمی است، اما به دلیل سطح بالای تعاملات سیاسی و ایجاد نهادهای اقتصادی مانند بانک توسعه جدید و ترتیبات ذخایر مشروط (CRA)، خاصیت نهادی خود را تقویت کرده است.

جایگاه بریکس در اقتصاد جهان

بر اساس گزارش اخیر آنکتاد نیز گفته شده بریکس بیش از یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی جهان و ۴۲ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. بریکس‌ها طی دهه‌های گذشته به‌طور قابل توجهی شاهد افزایش نفوذ اقتصادی خود بوده‌اند که به نوعی محرک رشد جهانی، تجارت و سرمایه‌گذاری شده است.

بر اساس آخرین اطلاعات صندوق بین‌المللی پول، جمعیت کشورهای عضو بریکس، تقریباً ۳/۲ میلیارد نفر است. در سال ۲۰۲۲، سهم تولید ناخالص داخلی بریکس بر اساس قدرت برابری خرید (PPP) از کل جهان، حدود ۳۲ درصد بوده است. آمارهای صندوق بین‌المللی پول نشان

جدول ۲- تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای عضو بریکس، ۲۰۲۲

کشورها	تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار)	رشد اقتصادی (درصد)
برزیل	۸،۹۹۵	۲.۹
چین	۱۲،۸۱۴	۳.۰
هند	۲،۳۷۹	۶.۸
روسیه	۱۵،۴۴۴	-۲.۱
آفریقای جنوبی	۶،۶۹۴	۲.۰
آرژانتین	۱۳،۶۵۵	۵.۲
مصر	۴،۵۶۳	۶.۶
اتیوپی	۱،۱۵۶	۶.۴
ایران	۴،۱۱۰	۲.۵
عربستان سعودی	۳۱،۸۵۰	۸.۷
امارات متحده عربی	۵۱،۳۰۶	۷.۴

منبع: صندوق بین‌المللی پول

نمودار ۱- شاخص توسعه انسانی (رتبه در میان ۱۹۱ کشور) - ۲۰۲۱



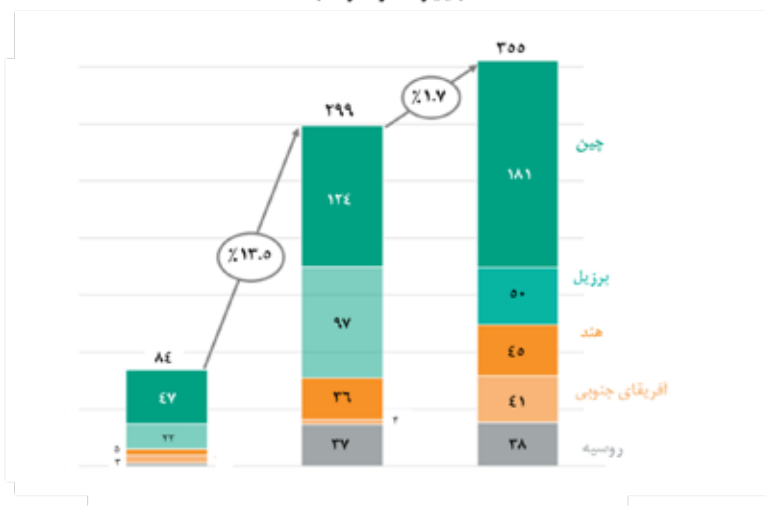
نداشته، بلکه مبادی سرمایه گذاری هم تغییر نکرده است.

سرمایه گذاری بین کشوری در بریکس

طی دهه دوم شکل گیری بریکس، بیشترین انتفاع از تشکیل بریکس به لحاظ جذب سرمایه خارجی مربوط به چین بوده است. این کشور توانسته طی یک دهه، جذب سرمایه خارجی خود را بیش از ۱۰ برابر کند و از ۱۴/۵ میلیارد دلار به ۱۵۱ میلیارد دلار برساند. در حالی که سایر کشورهای عضو، چنین تغییر قابل توجهی را تجربه نکرده اند.

در سال های اخیر چندین پروژه سرمایه گذاری در مقیاس بزرگ در میان بریکس ها وجود داشته است که بخش هایی از منابع طبیعی گرفته تا تولید و خدمات را پوشش می دهد و تا حد زیادی منعکس کننده تفاوت هادر ساختار اقتصادی و منابع میان کشورهاست. مهم تر از همه، صنعت ساخت، سهم بزرگی از سرمایه گذاری درون منطقه ای، به ویژه در صنایع خودرو و الکترونیک را جذب کرده است. این موضوع، نشان دهنده جذابیت فزاینده کشورهای بریکس برای سرمایه گذاران جویای بازار (با هدف قرار دادن بازارهای داخلی و منطقه ای) است. در حال حاضر، سرمایه گذاری درون منطقه ای در بخش زیرساخت از طریق مشارکت بخش خصوصی و عمومی در حال توسعه است.

نمودار ۲- جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به بریکس و متوسط رشد سالانه از سال ۲۰۲۱ - ۲۰۰۱ (میلیارد دلار - درصد)



این گروه، کشورهایی مانند امارات متحده عربی، عربستان، آرژانتین و روسیه از سطح توسعه انسانی بسیار بالایی برخوردار هستند؛ در حالی که کشورهای مثل هند و اتیوپی با سطح توسعه یافتگی به ترتیب متوسط و پایین در میان آنها به چشم می خورند.

سطح توسعه انسانی کشورها، با استفاده از شاخص توسعه انسانی و براساس معیارهایی مانند امید به زندگی، سطح تحصیلات و درآمد سرانه هر ساله توسط برنامه توسعه و پیشرفت سازمان ملل اندازه گیری می شود. در نمودار ۱، آخرین وضعیت کشورهای عضو بریکس و اعضای که در ماه های آینده به این گروه می پیوندند، به لحاظ شاخص توسعه انسانی قابل مشاهده است.

سرمایه گذاری خارجی نقش مهمی را در رشد کشورهای بریکس از سال ۲۰۰۱ ایفا کرده است؛ به گونه ای که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، جریان های ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیش از برابر شده است که بخش عمده آن مربوط به تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است. رشد جریان ورودی FDI بعد، در دهه نخست شکل گیری آن بسیار زیاد بود، اما از سال ۲۰۱۱ به بعد، تقریباً ثابت باقی مانده است.

در سال ۲۰۱۱، حدود ۲۹۹ میلیارد دلار سرمایه خارجی به کشورهای بریکس وارد شده است که حدود ۱۸ درصد از مجموع FDI جهان را در این سال تشکیل می دهد. این مقدار در سال ۲۰۲۱، به حدود ۳۵۵ میلیارد دلار رسیده که تقریباً ۲۲ درصد FDI کل جهان را در بر می گیرد.

کشورهای سرمایه گذار در بریکس

۱۰ سرمایه گذار برتر (به لحاظ انباشت سرمایه گذاری خارجی) در بریکس، طی سال های گذشته نسبتاً ثابت باقی مانده اند. در سال ۲۰۲۰، ایالات متحده آمریکا، بزرگ ترین سرمایه گذار خارجی بریکس (با حدود ۵۱۷ میلیارد دلار سرمایه گذاری) بوده است و بعد از آن، طبق نمودار ۲، به ترتیب کشورهای انگلستان، چین و ژاپن قرار داشته اند. بنابراین، به نظر می رسد طی سال های اخیر نه تنها ارزش FDI ورودی به کشورهای بریکس تغییر قابل توجهی

عضویت ایران در بریکس و پیامدهای ژئواکونومیک

نمودار ۳- ده سرمایه‌گذار برتر بریکس، به لحاظ انباشت سرمایه، ۲۰۲۰



در موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی به دلیل تاثیر قابل توجه ایران بر سیاست و امنیت در غرب آسیا.

- تسهیل دسترسی به منابع مالی از طریق بانک توسعه جدید و سایر نهادهای مالی بریکس و امکان ارائه بخشی از منابع مالی به ارزهای کشورهای عضو.

- حضور مصر در میان کشورهای بریکس به عنوان یک کشور عربی بزرگ و دارای موقعیت‌های راهبردی در مسیرهای حمل و نقل که قدرت و نفوذ بریکس را افزایش خواهد داد.

- تقویت قدرت سیاستی ایران در منطقه و جهان.

- حضور کشور اتیوپی به عنوان منطقه مهم در شرق آفریقا و فرصت توسعه روابط تجاری در این منطقه

- امکان بهره‌مندی از تجارب امارات متحده عربی و همکاری در زمینه فناوری و زیرساخت

- امکان بهره‌برداری از تجارب سایر کشورها مانند مصر و روسیه در زمینه صادرات محصولات کشاورزی و مواد غذایی.

چالش‌ها

رفع تحریم‌های مالی علیه کشور، پیش شرط مهمی برای بهره‌مندی ایران از مزایای ناشی از عضویت در این نهاد است. این موضوع می‌تواند دسترسی به منابع این نهاد را که می‌تواند یکی از کلیدی‌ترین دستاوردهای ژئواکونومیک برای ایران محسوب شود، دچار مشکل سازد. کشورهای عضو بریکس تاکنون رغبتی برای زیر پا گذاشتن آشکار تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده علیه ایران نشان نداده‌اند؛ هر چند که در مواضع سیاسی خود این تحریم‌ها و نقض قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد از سوی ایالات متحده را محکوم کرده‌باشند.

حضور برخی رقبای قدرتمند با تنوع درآمدهای نفتی و پتانسیل مالی و سرمایه‌گذاری مانند عربستان که شریک تجاری اصلی آن چین، هند و امارات است، می‌تواند فرصت توسعه روابط تجاری ایران با برخی کشورهای بریکس را کاهش دهد.

اگرچه بریکس یک نهاد بین‌المللی است که بیش از دو دهه مشغول به فعالیت است، عدم توازن اقتصادی، فاصله جغرافیایی و تفاوت در نگرش‌ها و گرایش‌های ژئوپولیتیک میان آنها وجود دارد که می‌تواند دستیابی به اهداف مشترک آنها را با چالش روبه‌رو کند.

بر اساس توافقات انجام شده، از ابتدای ژانویه ۲۰۲۴، ۶ کشور دیگر شامل ایران، آرژانتین، مصر، اتیوپی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به بریکس خواهند پیوست و چشم‌انداز گسترش این سازمان به کشورهای بیشتر متغی نیست. عضویت ایران در این نهاد در کنار سازمان همکاری شانگهای از منظر سیاسی پیام روشنی برای غرب و امتیاز منحصر به فردی برای ایران است که می‌تواند موضع مذاکره ایران را در آینده تقویت کند. در همین حال و در بازه زمانی میان‌مدت، امکان بهره‌مندی از امتیازهای اقتصادی را نیز می‌تواند در پی داشته باشد. بدون شک، پیوستن به هر نهاد بین‌المللی حامل دستاوردهایی برای کشورهای عضو از حیث دسترسی به منابع مالی تا تقویت قدرت سیاسی آنها در منطقه و جهان است، اما بهره‌برداری از فرصت‌های موجود برای ایران، مستلزم رفع چالش‌های احتمالی خواهد بود که در ادامه به نمونه‌های بارز هر کدام به تفکیک اشاره خواهد شد.

فرصت‌های بالقوه

- امکان تقویت همکاری‌های اقتصادی ایران با کشورهای عضو این گروه به ویژه در زمینه انرژی.

- امکان همکاری‌های تجاری ایران با بریکس؛ با توجه به اینکه ایران محور اصلی ترانزیت کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب است و تجارت اروپا، روسیه، ترکیه، قفقاز و آسیای مرکزی را به بازارهای شرق آفریقا، غرب آسیا و آسیای جنوبی متصل می‌کند.

- تقویت امکان جذب سرمایه‌گذار خارجی از این کشورها به ایران؛ با توجه به سرمایه‌گذاری بین‌کشوری بریکس در سال ۲۰۲۰ به ارزش ۱۶۷ میلیارد دلار.

- حضور کشورهای سرمایه‌گذار قدرتمند در میان کشورهای بریکس مانند عربستان که سابقه سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در سایر کشورها داشته است.

- تقویت همگرایی و هماهنگی سیاسی

فرصت‌های همکاری اقتصادی محدودتر و دستیابی به حداکثر ظرفیت تجاری به مراتب دشوارتر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با آنکه بریکس نخستین گام‌های آهسته و البته بلند خود را به سوی گردهم آوردن قدرت‌های نوظهور و مایل به تاسیس یک نظم بین‌المللی چندجانبه و منصفانه تر برداشته، اما این تصور که این سازمان نوپدید می‌تواند در آینده نزدیک جایگزینی برای هنجارهای جاری و نظم جهانی موجود باشد، شتابزده است. به نظر می‌رسد هدف بنیادین بریکس نه تنها تضعیف رهبری یکجانبه ایالات متحده به ویژه بر مالیه بین‌المللی بلکه باز کردن جای پای بیشتری برای چین و یوآن در مبادلات جهانی است.

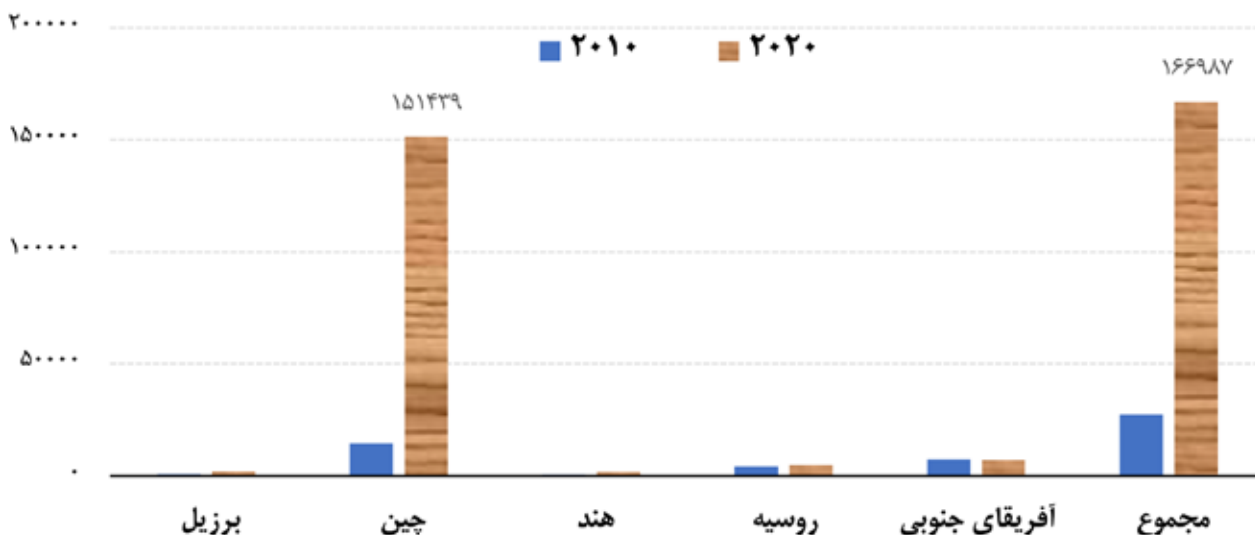
متنوع کردن ارزهای رایج بین‌المللی و سیستم مبادله برای اعضای بریکس که ایالات متحده را یکی از پنج کشور اول هدف تجاری خود پذیرفته‌اند، فی‌نفسه می‌تواند حوزه نفوذ ایالات متحده را تا جایی که مطلوب ایده‌های معطوف به چندجانبه گرایی و شکل دادن به دنیای چندقطبی باشد، محدود کند؛ همچنین گویای این واقعیت است که احتمالاً هیچ کدام از اعضای قدیم و جدید بریکس اشتیاقی برای در پیشی گرفتن خط‌مشی رادیکال و براندازانه نسبت به رژیم‌ها و مقررات تجاری و سیاسی بین‌المللی ندارند. مشارکت ایران در این نهاد، مقدمه‌ای بر فرصت‌های سیاسی و اقتصادی بدیعی است که بهره‌گیری از آنها به اجرای اصلاحات سیاستی توأم با کنترل انتظارات و درک واقع‌بینانه از سرشت و اهداف پایه‌گذاران بریکس وابسته است. بخش خصوصی در کنار و با حمایت دولت می‌تواند پتانسیل‌های اقتصادی این نهاد را شناسایی کرده و شیوه‌های بهره‌جویی از آن را مورد مطالعه و مشورت قرار دهد. دستکم تا زمانی که تحریم‌های یکجانبه، بخش دولتی اقتصاد ایران را تحت فشار بیشتری قرار داده، تجارت و فعالان مجرب اقتصادی در بخش خصوصی اقبال بیشتری برای تعامل موفقیت‌آمیز از جمله درون گروه‌بندی بریکس دارند. پشتیبانی دولت از پیشاهنگی بخش خصوصی در آغاز و گستراندن فرصت‌های تجاری با بریکس، می‌تواند اولین قدم موثر در تحقق اهداف ملی بعد از عضویت رسمی ایران در این نهاد بین‌المللی باشد. / اتاق بازرگانی تهران

تفاوت در سطح توسعه‌یافتگی به لحاظ اجتماعی و اقتصادی میان کشورهای عضو نیز می‌تواند همگرایی این نهاد را تحت تأثیر قرار داده و تعقیب یک دستور کار مشترک را بادشواری مواجه کند.

تفاوت‌های ایدئولوژیکی و نظام‌های سیاسی متفاوت نیز از جمله مواردی است که می‌تواند انسجام بریکس را چالش برانگیز کند. به علاوه، رقابت بالقوه برخی از این قدرت‌ها با یکدیگر از جمله چین و روسیه، برزیل و آرژانتین و ایران و عربستان سعودی، چشم‌انداز مبهمی را پیش روی این سازمان قرار می‌دهد. آمارهای مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نشان می‌دهد سهم FDI در بریکس نسبت به کل جهان محدود است. از طرفی، تنوع در مبادی سرمایه‌گذار در کشورهای عضو این نهاد مشاهده نمی‌شود. رشد سرمایه‌گذاری نیز در این کشورها از سال ۲۰۱۱ به بعد، تغییر چندانی نداشته است. سهم سرمایه‌گذاری درون بریکسی نیز بسیار کم است که یکی از دلایل آن، فقدان توافق‌نامه‌های تجارت آزاد در میان این کشورهاست که تجارت و سرمایه‌گذاری را محدود می‌کند.

بهره‌مندی از مزایای اقتصادی بریکس و البته سازمان همکاری شانگهای مستلزم پذیرش اصلاح سیاست‌های پولی و بانکی و همین‌طور استانداردهایی مانند FATF، شفافیت مالی و درجه‌ای از گشایش اقتصادی است. بدون این تغییرات،

نمودار ۴- انباشت سرمایه ورودی بریکس به تفکیک کشورها، ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰، میلیون دلار



ایران چگونه از «رشد سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه» بهره‌برداری کند؟

فرصت‌های آینده خاورمیانه

دنیای اقتصاد: اقتصاد خاورمیانه در حال پوست انداختن است. در دهه‌های گذشته زمانی که صحبت از کشورهای خاورمیانه به میان می‌آمد، تصویر یک دولت سنتی، وابسته به نفت و مصرف‌گرا در ذهن افراد نقش می‌بست. حالا اما، این کشورها تلاش دارند تا برند خود را تغییر دهند. آمارها نشان می‌دهد که کشورهای منطقه در دستیابی به این هدف موفق بوده‌اند. در حالی که در سال ۲۰۲۲ جهان افت ۱۲ درصدی را در میزان سرمایه‌گذاری خارجی تجربه کرده، میزان جذب سرمایه خارجی در کشورهای حوزه خلیج فارس ۱۰ درصد رشد داشته است. علاوه بر این سرمایه‌های انسانی هم این منطقه را به عنوان مقصد خود انتخاب کرده‌اند. میلیون‌ها بیش از پیش به امارات سفر می‌کنند و عربستان رتبه سوم جذاب‌ترین مقاصد را به خود اختصاص داده است. این تحولات حاوی فرصت‌های طلایی برای اقتصاد ایران است. ایران می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق، میزان تجارت خود را با کشورهای همسایه افزایش دهد، در حوزه خدمات مهندسی نقش پررنگ‌تری داشته باشد و از حضور سرمایه‌گذاران و گردشگران خارجی در منطقه بیشترین بهره را ببرد.

فرصت‌های آینده خاورمیانه

خاورمیانه جدید؛ عبارتی است که در ماه‌های اخیر بارها توسط کارشناسان و مقامات سیاسی تکرار شده است. رشد میزان سرمایه‌گذاری خارجی، کلید خوردن پروژه‌های بزرگ و مهاجرت گسترده نیروی کار متخصص به کشورهای خاورمیانه گواه تغییرات قابل توجه در این منطقه است. به نظر می‌رسد کشورهای حوزه خلیج فارس دیگر تمایل ندارند به عنوان دولت‌های نفتی و مصرف‌گرا شناخته شوند، بنابراین تلاش دارند تا با تغییر برند خود تمرکز را بر توسعه بخش خدمات معطوف کنند. توسعه صنعت گردشگری و جذب نخبگان در حوزه فناوری اطلاعات از جمله محورهایی است که این کشورها قصد دارند با کمک آن، رفاه شهروندان خود را در آینده تضمین کنند. در این بین سوال مهم آن است که این تغییرات چه اثری بر اقتصاد ایران دارد؟ پاسخ

نشانه‌های تغییر بزرگ

قطار توسعه خاورمیانه در حال سرعت گرفتن است. آمارها نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر کشورهای این منطقه تلاش کرده‌اند تا برند جدیدی از کشورشان را معرفی کنند. برگزاری جام جهانی در قطر، ایجاد شهر فناوری در امارات متحده عربی و تلاش عربستان برای جذب ستاره‌های مشهور فوتبال بیانگر آن است که این کشورها دیگر تمایلی ندارند تا به عنوان دولت‌های مصرف‌کننده نفتی شناخته شوند. این تغییرات با پاسخی مثبت از سوی دیگر کشورهای روبه‌رو شده است. بر اساس آخرین آمارها در حالی که در سال ۲۰۲۲ میزان سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در جهان ۱۲ درصد کاهش یافته، امارات متحده عربی موفق به جذب ۲۲/۷۳ میلیارد دلار سرمایه خارجی شده است. همچنین بر اساس محاسبات انجام شده، در این سال کشورهای حوزه خلیج فارس شاهد رشد ۱۰ درصدی در جذب سرمایه خارجی بودند. در سال ۲۰۲۲، ترکیه ۸۸/۱۲ میلیارد

دلار، مصر ۴/۱۱ میلیارد دلار و عربستان سعودی ۷/۸۷ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب کرده‌اند. در این سال دیگر کشورها ۳/۷۲ میلیارد دلار در عمان و ۱/۹۵ میلیارد دلار در بحرین سرمایه‌گذاری کرده‌اند. رقم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران نیز در این سال معادل رقم ۱/۵ میلیارد دلار بوده است. رشد سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه خاورمیانه به‌رغم افت میانگین سرمایه‌گذاری مستقیم در جهان، نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران معتقدند که ریسک‌های بیرونی مانند جنگ در این منطقه کاهش پیدا کرده و عایدی سرمایه در خاورمیانه بیش از دیگر نقاط جهان است.

یک نشانه مثبت در این راستا برای فعالان اقتصادی، میزان سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا و چین، به عنوان بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، در این منطقه است. بر اساس آمارهای نهاد آماری Statista، ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ میلادی تنها ۱۰/۶ میلیارد دلار در منطقه خاورمیانه سرمایه‌گذاری مستقیم کرده بود. در دو دهه بعدی میزان سرمایه‌گذاری آمریکا در این منطقه همواره رشد داشته، به صورتی که این رقم در سال ۲۰۱۹ به رکورد ۸۱/۳۹ میلیارد دلار رسیده است. همچنین آخرین آمارها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۱ میلادی رقم سرمایه‌گذاری آمریکا در خاورمیانه معادل ۸۰/۱۵ میلیارد دلار بوده است. نکته حائز اهمیت آن است که از سال ۲۰۱۷ میلادی رقم سرمایه‌گذاری آمریکا در این منطقه هرگز از ۷۰ میلیارد دلار کمتر نبوده که نشان‌دهنده آن است که آمریکایی‌ها قصد دارند روابط اقتصادی خود را با کشورهای این منطقه توسعه دهند.

وضعیت در مورد چین نیز مشابه است. بر اساس آمارهای Statista، میزان سرمایه‌گذاری چین در منطقه‌ها (خاورمیانه و شمال آفریقا) از ۲۹۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ به ۶/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ میلادی رسیده است. آمارهای سرمایه‌گذاری خارجی تنها نشانه تصویر روشن آینده منطقه خاورمیانه نیست. شاخص دیگری که با توجه به آن می‌توان آینده طلایی خاورمیانه را پیش‌بینی کرد، جذابیت کشورهای حوزه

خلیج فارس برای شهروندان دیگر کشورهاست. بر اساس تخمین‌ها، درحالی که چین و روسیه شاهد مهاجرت میلیون‌ها از این کشورها به دیگر نقاط جهان هستند، امارات در سال ۲۰۲۲ موفق شده ۴۰۰۰ میلیون‌ر خارجی را به کشور خود جذب کند. این رقم در سال ۲۰۲۳ با رشد قابل توجه معادل ۴۵۰۰ نفر تخمین زده شده است. همچنین بر اساس آمارهای Statista، عربستان با جذب بیش از ۱۳/۵ میلیون نفر مهاجر سومین کشور و امارات متحده با جذب ۷/۸ میلیون نفر ششمین مقصد جذاب شهروندان جهان برای مهاجرت محسوب می‌شوند. آمار قابل توجه دیگر در مورد اقتصاد خاورمیانه، ابرپروژه‌هایی است که در این منطقه در مرحله اجرا هستند. در بین ۱۰ ابرپروژه در حال اجرا در جهان ۵ پروژه در منطقه خاورمیانه کلید خورده‌اند. دومین پروژه بزرگ در حال اجرا در جهان، شهر نئوم است که با بودجه ۵۰۰ میلیون دلاری در عربستان در مراحل اولیه قرار دارد. شهر اقتصادی ملک عبدالله دومین پروژه بزرگ عربستان است که برای آن ۱۰۰ میلیون دلار بودجه در نظر گرفته شده است. ساخت شهر ابریشم و دبئی لند به ترتیب با بودجه ۱۳۲ و ۶۴ میلیون دلاری در کشور امارات دیگر طرح‌های بلندپروازانه در حال اجرا هستند. همچنین پروژه خط راه‌آهن کشورهای حوزه خلیج فارس با بودجه ۲۵۰ میلیون دلار، پیشرفت فیزیکی قابل توجهی داشته است. تمامی این داده‌ها می‌تواند تصویر روشنی از آینده خاورمیانه به نمایش بگذارد.

خاورمیانه جدید

بدیهی است تغییرات در خاورمیانه اثرات قابل توجهی بر اقتصاد ایران خواهد داشت. این تحول می‌تواند ایران را با تهدیدها و فرصت‌هایی مواجه کند. رشد تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری دیگر کشورها در منطقه ممکن است جایگاه ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای را با چالش مواجه کند، اما این فقط در صورتی است که ایران نتواند از فرصت‌های ایجادشده ناشی از این تغییر استفاده لازم را بکند.

رشد و توسعه کشورهای خاورمیانه حاوی اثرات خارجی مثبت برای ایران است. این اثرات خارجی را می‌توان در چند محور تحلیل کرد. زمانی که کشورها پایه توسعه را بر جذب سرمایه خارجی و رشد بخش خدمات به‌ویژه صنعت توریسم استوار می‌کنند، صلح را بر جنگ و ثبات را بر تنش ترجیح می‌دهند. به همین دلیل کشورهای منطقه خاورمیانه تمایل دارند برای دستیابی به این هدف، با همسایه‌ها منافع مشترک تعریف کنند تا از هرگونه تنش که موجب کاهش نرخ سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود اجتناب کنند. نکته دیگر آن است که افزایش مستمر در درآمد سرانه این کشورها و رشد مهاجرت از دیگر کشورها به منطقه خاورمیانه در آینده نزدیک باعث خواهد شد که نرخ مصرف در این منطقه افزایش یابد.

بازار بزرگ‌تر به معنای تجارت بیشتر است و مبادلات تجاری بیشتر کشورهای همسایه، یک فرصت طلایی دیگر برای ایران است. علاوه بر همه اینها باید این نکته را در نظر داشت که کشورهای منطقه خاورمیانه در آینده نزدیک با مشکل کمبود در بازار نیروی کار مواجه خواهند شد زیرا سرعت سرمایه‌گذاری در این کشورها طبیعتاً از زمان لازم برای تربیت نیروی متخصص بیشتر است. بنابراین در میان مدت این کشورها نیازمند جذب نیروی کار خصوصاً در حوزه خدمات فنی و مهندسی هستند.

استفاده از فرصت‌ها

بهره‌برداری مناسب از تغییرات اقتصادی در خاورمیانه نیازمند آن است که سیاستگذاران در کشور به جای تمرکز بر تهدیدهای احتمالی، بر فرصت‌های همکاری تمرکز کنند.

یکی از این فرصت‌ها مساله توریسم است. بسیاری از گردشگران حرفه‌ای تمایل دارند برای کاهش در هزینه‌ها از چند کشور یک منطقه در یک سفر بازدید کنند. توسعه توریسم در منطقه خاورمیانه می‌تواند باعث شود حجم گردشگرانی که تمایل دارند از ایران نیز بازدید کنند افزایش یابد. برای این منظور لازم است تدابیر لازم برای ایجاد حس امنیت برای گردشگران و زیرساخت‌های مناسب برای تجربه مثبت گردشگری فراهم شود. حضور بیشتر گردشگران



در ایران علاوه بر اینکه درآمد ارزی کشور را افزایش داده و بنگاه‌های کوچک را رونق می‌دهد، مزایای دیگری نیز دارد. حضور گردشگران خارجی و بازدید بدون مشکل آنها از ایران این حس را در بازرگانان و صاحبان صنایع خارجی ایجاد می‌کند که ایران کشوری امن برای سرمایه‌گذاری است و انگیزه آنها را برای توسعه روابط با بخش خصوصی ایرانی افزایش می‌دهد. دقیقاً به همین دلیل است که سیاستگذاران در کشورهایی مانند عربستان، قطر، امارات و عمان تا این حد بر جذب گردشگران خارجی تاکید دارند.

فرصت دیگر صادرات مواد غذایی و کشاورزی است. کشورهای عربی منطقه به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی در تولید مواد غذایی و محصولات کشاورزی دارای مزیت نیستند. این در حالی است که ایران در صنعت مواد غذایی دارای تجربه بالایی است و به دلیل فسادپذیری این کالاها، نزدیکی به این کشورها یک مزیت عمده برای ایران است. البته آمادگی برای توسعه صنایع غذایی کشور دوپیش‌نیاز عمده دارد. در مرحله اول، تولیدکنندگان باید اطمینان داشته باشند که امکان صادرات پایدار وجود دارد و دولت با ابزارهای مختلف، مانند ممنوعیت‌های صادراتی و سرکوب قیمت ارز، مزیت صادراتی تولیدکنندگان را از بین نمی‌برد.

همچنین دولت باید اقتصاد را در اولویت قرار داده و با توسعه روابط با کشورهای منطقه، بازاری پایدار برای تولیدکنندگان ایرانی فراهم کند. در این حالت تولیدکنندگان در فضایی با ریسک پایین به توسعه خطوط تولید، سرمایه‌گذاری در صنایع بسته‌بندی و جذب نیروی متخصص در بخش تحقیق و توسعه خواهند پرداخت تا بتوانند کالای باکیفیت صادراتی تولید کنند. البته صنایع غذایی تنها یک نمونه از کالاهایی است که ایران برای صادرات به کشورهای منطقه در آن مزیت دارد؛ محصولات پلاستیکی، قطعات الکترونیکی، فرش و صنایع دستی از جمله دیگر کالاهایی‌اند که تولیدکنندگان ایرانی می‌توانند به کشورهای منطقه صادر کنند.^۱

فعالیت نیروی متخصص ایرانی در

کشورهای همسایه فرصت دیگری برای اقتصاد کشور است. کشورهای منطقه تلاش دارند با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های خود، مسیر توسعه را با سرعت بیشتری طی کنند. برای این منظور دسترسی به نیروی متخصص اهمیت بالایی دارد. دانشکده‌های فنی و مهندسی ایران با تربیت متخصصان توانمند، ایران را در این حوزه صاحب مزیت کرده‌اند. کشورهای منطقه می‌توانند از خدمات فنی و مهندسی شرکت‌های ایرانی که در مقایسه با شرکت‌های غربی از نظر قیمتی به صرفه‌تر هستند استفاده کنند. یکی از بخش‌هایی که ایران در آن موفقیت زیادی کسب کرده، صنعت فناوری اطلاعات است. در حال حاضر شرکت‌هایی در این حوزه در کشور فعال هستند که با داشتن بیش از ۴۰ میلیون کاربر، ارزش برند نزدیک به یک میلیارد دلار دارند.

از جمله این شرکت‌ها می‌توان به یکی از بزرگ‌ترین فروشگاه‌های آنلاین و یکی از بزرگ‌ترین تاکسی‌های اینترنتی منطقه اشاره کرد. با توجه به جنس فعالیت این شرکت‌ها و امکان دورکاری، شرکت‌های ایرانی می‌توانند اقدام به تاسیس دفاتر در کشورهای منطقه کرده و با استفاده از نیروی کار ایرانی، درآمد ارزی قابل توجهی کسب کنند. با توجه به تمرکز کشورهای منطقه بر تکنولوژی‌های نسل چهارم، فعالیت نیروهای ایرانی در منطقه باعث خواهد شد روند انتقال تکنولوژی به ایران تسریع شود. البته در حال حاضر مشکلاتی برای فعالیت اقتصادی ایرانی‌ها وجود دارد که لازم است نهادهای حاکمیتی با مذاکره با دولت‌های همسایه، امکان فعالیت در این کشورها را برای شرکت‌های حوزه فنی و مهندسی ایرانی آماده کنند.

در نهایت می‌توان گفت بهترین رویکرد در قبال تغییرات، مواجهه شدن با واقعیت و استفاده هر چه بیشتر از فرصت‌هاست. ایران باید تلاش کند تا قبل از ورود رقابتی خارجی، با آماده کردن بسترها، ظرفیت لازم را برای فعالان اقتصادی ایرانی فراهم کند تا بهترین بهره‌برداری را در بخش‌هایی که ایران در آنها برای صادرات به کشورهای منطقه مزیت دارد فراهم کند. بزرگ‌ترین آفت در این مسیر تمرکز بر وجوه منفی این تغییرات و اولویت ندادن به اقتصاد است که ممکن است در درازمدت باعث شود مبادلات تجاری ایران با همسایه‌هایی را که با آنها رابطه سیاسی مثبتی دارد با اختلال مواجه کند. /دنیای اقتصاد

رشد اقتصادی ۳,۵ درصد، تورم ۳۵,۸ درصد

پیش‌بینی خوش بینانه بانک جهانی از آمار تورم ایران در ۲۰۲۴

از ۷,۳ درصد سال ۲۰۲۲ کمتر خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود که در کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت، رشد اقتصادی از ۴,۳ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۲,۴ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد.

به گفته بانک جهانی، انقباض شرایط مالی جهانی و تورم بالا همچنان فعالیت اقتصادی کشورهای واردکننده نفت در خاورمیانه و شمال آفریقا را محدود می‌کند. رشد این منطقه ۳,۶ درصد در سال ۲۰۲۳ پیش‌بینی می‌شود که نسبت به ۴,۹ درصد در سال ۲۰۲۲ روند کاهشی دارد.

پیش‌بینی می‌شود که رشد سراسر منطقه که بر اساس درآمد سرانه سنجیده می‌شود، از ۴,۳ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۰,۴ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد. تا پایان سال ۲۰۲۳، تنها هشت اقتصاد از ۱۵ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا به سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی قبل از همه‌گیری ویروس کرونا بازگشته‌اند. تولید ناخالص داخلی واقعی برای شمول سطوح تورم تنظیم شده است.۱. فرید بلحاج، معاون بانک جهانی در منطقه MENA، در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفت: «اگر اقتصاد منطقه رشد کندی داشته باشد، ۳۰۰ میلیون جوانی که تا سال ۲۰۵۰ وارد بازار کار خواهند شد، چگونه شغل آبرومندانه‌ای پیدا خواهند کرد؟ بدون اصلاحات سیاستی مناسب، چالش‌های ساختاری پایداری را که بازارهای کار MENA با آن مواجه هستند، بدتر خواهند شد. اکنون زمان اصلاحات فرا رسیده است».

به گزارش بانک جهانی پیش‌بینی می‌شود که رشد اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) در سال جاری به شدت کاهش یابد. این در حالی است که برآورد رشد اقتصادی این نهاد بین‌المللی از اقتصاد ایران ۴,۱ درصد در سال ۲۰۲۳ و ۳,۵ درصد در سال ۲۰۲۴ است. بانک جهانی در گزارش جدید خود پیش‌بینی های خود از آمار اقتصادی کشورهای منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) را به‌روزرسانی کرد.

بر اساس گزارش به‌روزشده اکتبر بانک جهانی از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، پیش‌بینی شده که رشد تولید ناخالص داخلی واقعی ایران در سال ۲۰۲۳ با رشد ۰,۳ واحد درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲، به ۴,۱ درصد برسد. اگرچه این مؤسسه رشد اقتصادی ایران را در سال ۲۰۲۴ معادل ۳,۵ درصد پیش‌بینی کرده که ۰,۶ واحد درصد کمتر از سال ۲۰۲۳ خواهد بود. این نهاد بین‌المللی همچنین پیش‌بینی کرده که ایران تا پایان سال ۲۰۲۳ بتواند با جهش ۰,۴ واحد درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲، سرانه رشد اقتصادی خود را به ۳,۴ درصد برساند اما در سال ۲۰۲۴، این شاخص نیز نسبت به سال قبل از خود ۰,۷ واحد درصد افت کرده و به ۲,۷ درصد خواهد رسید.

بر اساس جدیدترین برآورد سالیانه گزارش چشم‌انداز اقتصادی بانک جهانی، نرخ تورم در اقتصاد کشور در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۲,۶ درصد برآورد شده و پیش‌بینی می‌شود این نرخ با ۶,۸ واحد درصد کاهش در سال ۲۰۲۴ به ۳۵,۸ درصد برسد. این در حالی است که تورم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا برای سال ۲۰۲۳ حدود ۳,۳ درصد برآورد شده است.

بر اساس این گزارش همچنین تراز حساب جاری اقتصاد ایران که در سال ۲۰۲۲ معادل ۳,۵ درصد GDP بود در سال ۲۰۲۳ به ۴,۸ درصد GDP افزایش می‌یابد اما در سال آینده مجدداً به ۳,۵ درصد کاهش خواهد یافت.

بر اساس آخرین گزارش بانک جهانی که در روز پنج‌شنبه منتشر شد، انتظار می‌رود تولید ناخالص داخلی خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) به دلیل کاهش تولید نفت در بحبوحه قیمت‌های پایین، شرایط مالی سخت جهانی و تورم بالا از ۶ درصد سال ۲۰۲۲ به ۱,۹ درصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یابد. این گزارش همزمان با نشست مشترک هفته آینده بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در مراکش منتشر شده است.

در این گزارش آمده است: «انتظار می‌رود کاهش رشد اقتصادی سال جاری منطقه MENA در کشورهای صادرکننده نفت شورای همکاری خلیج فارس بارزتر باشد».

چشم‌انداز خاورمیانه و شمال آفریقا

بانک جهانی رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در شورای همکاری خلیج فارس برای سال ۲۰۲۳ را ۱۱ درصد پیش‌بینی می‌کند که به دلیل کاهش تولید نفت و کاهش قیمت آن،

چشم‌انداز اقتصاد ایران از منظر بانک جهانی

۲۰۲۴	۲۰۲۳	۲۰۲۲	۲۰۲۱	
۳/۵	۴/۱	۳/۸	۴/۷	رشد GDP واقعی (درصد)
۲/۷	۳/۴	۳	۳/۹	رشد GDP سرانه واقعی (درصد)
۳۵/۸	۴۲/۶	۴۶/۵	۴۶/۲	تورم
۳/۵	۴/۸	۳/۵	۳/۱	موجودی حساب جاری (درصدی از GDP)
-۲/۱	-۱/۶	-۱/۹	-۳/۲	تراز مالی (درصدی از GDP)

بخش دوم این گزارش بر جنبه‌های انسانی سه شوک کووید ۱۹، کاهش‌های بزرگ ارزش پول و شوک منفی رابطه مبادله تجاری پرداخته است که بازارهای کار در منطقه منار با بازارهای کار دیگر در سایر بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه مقایسه می‌کند. یافته‌های این بخش گویای آن است که در زمان کاهش تولید ناخالص داخلی، پاسخ بیکاری در کشورهای منا تقریباً دو برابر سایر اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه است. بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲ شوک‌های اقتصاد جهانی به شدت به سطوح اشتغال این منطقه ضربه زده است، به طوری که این آشفته‌گی کلان اقتصادی می‌تواند ۵٫۱ میلیون نفر دیگر را به جمع بیکاران قبل از همه‌گیری کرونا در این منطقه بیفزاید.

یافته‌های این بخش گویای آن است که تأثیر شوک‌های تجاری ممکن است تا حد زیادی به کانال‌هایی وابسته باشد که از طریق آنها تغییرات قیمت کالاها بر قیمت‌های مصرف‌کننده و تورم تأثیر می‌گذارد. طی کاهش جهانی قیمت نفت در سال‌های ۱۵-۲۰۱۴ شاخص رابطه مبادله تجاری ایران ۲۳ درصد کاهش یافته است. مقایسه شوک قیمت نفت با انطباق‌های بازار کار پس از شوک کووید ۱۹ (که هر دوی این شوک‌ها رکودی بودند) نشان می‌دهد شوک قیمت نفت با کاهش تقاضای کل همراه بوده و منجر به کاهش تورم نسبت به دوران همه‌گیری شده است. پس از شوک قیمت نفت که تقاضای کل را کاهش داد و بر قیمت‌ها فشار نزولی وارد کرد، بازار کار ایران از طریق افزایش بیکاری تعدیل شده است؛ به طوری که نرخ بیکاری در سه ماهه بعد از شوک ۵ درصد و سه فصل بعد از آن ۱۵ درصد افزایش داشته است؛ در حالی که دستمزدهای واقعی همچنان در حال افزایش بوده‌اند. بیکاری در ایران نسبت به شوک همه‌گیری حساسیت کمتری داشته است، که در طول آن با تعدیل کاهشی دستمزدهای واقعی، تورم افزایش داشته است.

روبرت گاتسی، اقتصاددان ارشد بانک جهانی برای منطقه MENA، در مراسم انتشار این گزارش گفت: «یک جنبه وجود دارد که منطقه MENA را نسبت به سایر نقاط جهان منحصر به فرد می‌کند و آن میزان واکنش بیکاری به رکود اقتصادی است». او افزود: «واکنش بیکاری به رکود اقتصادی در این منطقه تقریباً دو برابر بیشتر از سایر بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه است». گاتسی خاطرنشان کرد که پنج میلیون نفر در خاور میانه و آفریقا به دلیل شوک‌های اقتصادی که از سال ۲۰۲۰ بر منطقه تأثیر گذاشته است، مانند همه‌گیری کرونا، پیامدهای اقتصادی جنگ اوکراین و تورم بالا، شغل خود را از دست داده‌اند. این اقتصاددان افزود: «این ۵ میلیون نفر برای یافتن شغل خوب در آینده با دشواری زیادی روبرو خواهند بود. آن‌ها مهارت‌های خود را از دست خواهند داد؛ آن‌ها به احتمال زیاد به طور غیررسمی کار خواهند کرد و دیگر نمی‌توانند از خانواده خود حمایت کنند».

بلاای طبیعی در شمال آفریقا

بانک جهانی هنوز ارزیابی کاملی از اثرات اقتصادی زلزله اخیر مراکش و سیل لیبی انجام نداده است، اما این مؤسسه پیش‌بینی می‌کند که اثرات اقتصاد کلان می‌تواند خفیف باشد زیرا احتمالات احتمالی کوتاه‌مدت خواهند بود. مراکش، جایی که نشست عمومی سالانه بانک جهانی در هفته آینده در آن برگزار می‌شود، در ۸ سپتامبر تحت تأثیر زلزله‌ای ۶٫۸ ریشتری قرار گرفت. این گزارش خاطر نشان کرد که رشد تولید ناخالص داخلی پس از چنین رویدادهایی به سرعت باز می‌گردد.

بلحاج در هنگام ارائه گزارش گفت که این سازمان در حال مذاکره با لیبی و مراکش در مورد ارزیابی خسارت ناشی از تبعات این حوادث و همچنین ارائه کمک‌های مالی برای کمک به بهبود اقتصاد آن‌ها است. او گفت که این کشورها احتمالاً در عرض چهار سال از اثرات اقتصادی بلاای طبیعی عبور خواهند کرد. بلحاج گفت: «دولت مراکش ابزارهای مالی بسیار قابل توجهی را برای تعمیر و بازسازی اتخاذ کرده است».

Percent	2021	2022	2023e	2024f
Middle East and North Africa	2.3	5.0	3.3	2.4
Gulf Cooperation Council	1.9	4.0	2.8	2.2
Qatar	2.3	5.0	3.0	2.2
United Arab Emirates	-0.1	4.8	3.3	2.2
Bahrain	-0.6	3.6	2.3	2.2
Saudi Arabia	3.1	2.5	2.6	2.3
Kuwait	3.4	4.3	3.3	2.4
Oman	1.5	2.8	1.3	1.8
Developing oil exporters	7.2	9.3	9.3	8.6
Iran, Islamic Rep.	46.2	46.5	42.6	35.8
Algeria	7.2	9.3	9.3	8.6
Iraq	6.0	5.0	4.8	4.0



در گفت و گو با چهار صاحب نظر اقتصاد مسکن چشم انداز بازار تا پایان سال را بررسی شد

پادزهر رکود مسکن

بازار مسکن طی سه ماه گذشته از «تورم شدید قیمت» در امان بود؛ در مقطعی از این بازه ۹۰ روزه، قیمت آپارتمان در تهران و دست کم کلان شهرهای دیگر کشور، کاهش پیدا کرد و در مقطعی نیز بازار شاهد ایستایی قیمت ها بود. آیا این وضعیت در نیمه دوم امسال ادامه پیدا می کند؟ چهار صاحب نظر اقتصاد مسکن در پاسخ به این پرسش، یک سناریو را محتمل دانستند.



علیرضا توکلی کاشی

حجت الله میرزایی

فردین یزدانی

غلامرضا سلامی

خانه اولی ها به بازار معاملات آپارتمان، دو شرط مهمی است که کارشناسان بر آن به عنوان پادزهر خروج از رکود مسکن چه در حوزه معاملات و چه ساخت و ساز واحدهای مسکونی اتفاق نظر دارند. آنها معتقدند خروج از رکود به شرطی رخ می دهد که اولاً قیمت مسکن با تدابیر کلان اقتصادی و کنترل مجموعه شرایط درونی و بیرونی اثرگذار بر این بازار حداقل برای یک دوره میان مدت ثبات داشته باشد. از طرف دیگر، وضعیت رشد اقتصادی، درآمد خانوارها و همچنین مجموعه روش های موثر در ارتقای قدرت خرید متقاضیان مصرفی در بازار مسکن به گونه ای رقم بخورد که شکاف بین قدرت خرید و قیمت مسکن از سطح نامتعارف خارج شود و بازار به شرایطی مشابه دوره قبل از جهش، برگردد.

برآیند اظهارات غلامرضا سلامی، فردین یزدانی، حجت الله میرزایی و علیرضا توکلی کاشی، چهار صاحب نظر اقتصاد مسکن، نشان می دهد، اگرچه کاهش و ثبات نرخ ارز در سه ماه گذشته، در کاهش قیمت فروش واحدهای مسکونی موثر بوده است اما این کاهش قیمت یک ضلع مهم دیگر نیز دارد و آن شکاف عمیق بین قیمت های فروش آپارتمان با قدرت خرید متقاضیان است. آنها معتقدند اگرچه در سه ماه اخیر تحت تاثیر کاهش قیمت ارز، قیمت ها تا حدی در بازار مسکن تهران و سایر شهرها کاهشی بوده است اما رشد قیمت مسکن در نتیجه ۵ سال جهش مداوم به قدری است که با این سطح کاهش و حتی کاهشی بیشتر، هنوز قدرت خرید تقاضا با سطوح قیمتی، انطباق و تناسبی ندارد. از سوی دیگر، تحت تاثیر کاهش محسوس جاذبه سرمایه گذاری در بازار مسکن، علاوه بر متقاضیان مصرفی، سرمایه گذاران نیز در ماه های اخیر از این بازار خارج شده اند و این موضوع منجر به تشدید رکود در بازار معاملات

چهار صاحب نظر اقتصاد مسکن پادزهر رکود مسکن در دو بخش مهم این بازار را معرفی کردند. برآیند اظهارات این کارشناسان نشان می دهد بازار «معاملات» و «ساخت و ساز» آپارتمان های مسکونی در حالی زیر تیغ دو لبه «افت فشار تقاضا» قرار گرفته است که خروج از این شرایط به سمت بهبود وضعیت، وابسته به تحقق دو شرط مهم در این بازار است.

طی سه ماه اخیر کاهش قیمت مسکن به همراه ثبات در برخی مقاطع این بازه، باعث شده است «حداقل تقاضای خرید آپارتمان» که تا پیش از این به واسطه خرید غیر مصرفی در بازار وجود داشت، نیز از بازار خارج شود. این اتفاق اگرچه از منظر اثرگذاری بر تغییر جهت رشد قیمت مسکن (کاهشی شدن)، لبه مثبت «افت فشار تقاضا» محسوب می شود، اما همین سنگین تر شدن رکود تقاضا از نگاه سازنده ها عاملی برای سخت تر شدن شرایط و فعالیت ساختمانی است؛ یعنی لبه منفی.

«تداوم کاهش و ثبات قیمت دست کم در یک بازه زمانی میان مدت در بازار مسکن» از یکسو و «تقویت قدرت خرید متقاضیان مصرفی» برای ایجاد شرایط بازگشت



وی با بیان اینکه بعد از ورود بازار مسکن به دوره جهش و خروج اجباری تقاضای مصرفی از بازار، سرمایه‌گذارها آخرین طیف یا آخرین مشتریان آپارتمان‌های ساخته شده از سوی سازنده‌ها بودند، افزود: با خروج تقاضای سرمایه‌ای از بازار مسکن تحت تاثیر شرایط رکودی ایجاد شده در این بازار، سازنده‌ها به بازنده‌های رکود جدید تبدیل شده‌اند. رکودی که این بار نه تنها تقاضای مصرفی که تقاضای سرمایه‌ای را نیز از بازار خارج کرده است.

سلامی همچنین در تشریح راهکارهای خروج از رکود و ایجاد مشوق برای سازنده‌ها برای ادامه فعالیت‌های ساختمانی گفت: در شرایطی که بازار در شرایط رکودی قرار دارد و به دلیل رکود، سازنده‌ها برای ادامه فعالیت بی‌انگیزه هستند اعمال سیاست‌های نامناسب نیز می‌تواند شرایط را وخیم‌تر کند.

وی توضیح داد: در چنین شرایطی که سازنده‌ها به دلیل نبود تقاضا تحت فشار هستند و با تهدید بازار فروش واحدهای ساخته شده مواجهند اعمال برخی سیاست‌های مالیاتی و حتی خبر اعمال این سیاست‌ها در آینده نزدیک می‌تواند منجر به بی‌انگیزگی کامل تولیدکننده‌ها و سازنده‌های مسکن شود. در چنین شرایطی بهتر است سیاستگذار نیز سازنده‌ها را به حال خود رها کرده و با سیاست‌های بی‌موقع مانع فعالیت آنها نشود. چرا که عدم عرضه مسکن جدید می‌تواند در آینده نزدیک به طور مجدد خطر افزایش محسوس قیمت‌ها در بازار ملک را به همراه داشته باشد.

این صاحب‌نظر اقتصاد مسکن همچنین با اشاره به کاهش نرخ ارز در سه ماه گذشته و اثر آن بر کاهش و ثبات قیمت مسکن در شهر تهران و سایر شهرها، گفت: طی ۵ دهه گذشته، بیشترین تاثیرپذیری بازار مسکن از متغیرهای بیرونی مربوط به اثر نوسانات ارزی بوده است. در حال حاضر نیز وضعیت به همین منوال است. بنابراین اگر مجموعه شرایط بیرونی و همچنین سیاست‌های دولت در جهت تثبیت نرخ ارز باشد، می‌توان انتظار داشت که بازار مسکن نیز به لحاظ قیمتی با تحرک زیادی همراه نشود. در این زمینه همچنین اعمال برخی سیاست‌ها مانند «جذاب‌سازی نرخ سود سپرده‌های بانکی» می‌تواند مقداری فشار نقدینگی بر بازار مسکن را کاهش دهد و این موضوع تا حدی به تداوم ثبات قیمت‌ها کمک خواهد کرد. اما نباید فراموش کرد که این ثبات در نتیجه خروج تقاضای سرمایه‌ای از بازار در وضعیتی که هنوز سطح قیمت‌ها خارج از محدوده قدرت خرید خانوارهای مصرف‌کننده است، می‌تواند پس از مدتی (در بلندمدت) اثر معکوس داشته باشد و خود را در شکل افزایش تقاضای سرمایه‌ای همراه با تورم نشان دهد. چرا که خروج همه طیف‌های متقاضی خرید مسکن اعم از مصرف‌کننده و سرمایه‌گذار از بازار اگر چه ممکن است در میان مدت بازار را در شرایط رکود توأم با افت و ثبات قیمت قرار دهد اما پس از مدتی به دلیل عدم عرضه مسکن جدید، می‌تواند سطح قیمت‌ها را افزایش دهد.

سلامی تصریح کرد: به این ترتیب لازم است تدابیری اندیشیده شود که هم سازنده‌ها

مسکن شده است. رکودی که در نهایت بر بازار ساخت و ساز و فعالیت‌های ساختمانی نیز سایه انداخته و با خروج آخرین طیف متقاضیان خرید مسکن یعنی سرمایه‌گذارها از این بازار، بخش زیادی از سازنده‌ها به دلیل تهدید بازار فروش واحدهای مسکونی، انگیزه خود را برای ادامه فعالیت در این بازار از دست داده‌اند.

این شرایط باعث شده است هم‌اکنون بازار از دو سمت زیر تیغ «افت فشار تقاضا» قرار بگیرد. از یک‌سو رکود معاملات ناشی از خروج تقاضای مصرفی و سپس خروج سرمایه‌گذارها از این بازار، فضای معاملات خرید و فروش آپارتمان را رکودی کرده است. از سوی دیگر، خروج آخرین متقاضیان باقی‌مانده در بازار برای خرید آپارتمان یعنی سرمایه‌گذارها باعث شده است، سازنده‌ها در نبود تقاضای مصرفی، سایر مشتریان خود یعنی سرمایه‌گذارها را نیز از دست بدهند و عملاً فعالیت ساختمانی برای آنها غیر جذاب شود.

سازنده‌ها بازنده «رکود جدید» هستند

غلامرضا سلامی، صاحب‌نظر اقتصاد مسکن، با اشاره به زیان سمت تولید در بازار مسکن یا همان سازنده‌ها از شرایط رکودی، به «دنیای اقتصاد» گفت: از دست رفتن انگیزه سمت تولید مسکن یا همان سازنده‌ها از انجام ساخت و ساز و فعالیت‌های ساختمانی، در شرایط از دست رفتن بازار فروش آپارتمان‌های ساخته شده، رکود در این بخش را تشدید خواهد کرد.



وی همچنین در خصوص چشم انداز پیش روی بازار مسکن تا پایان سال، گفت: با توجه به مجموعه شواهد و عواملی که به آن اشاره شد به نظر نمی رسد بازار مسکن تا پایان سال تغییر وضعیتی نسبت به شرایط کنونی داشته باشد.

رشد دوباره قیمت بعید است

تحلیل فردین یزدانی، صاحب نظر اقتصاد مسکن در خصوص وضعیت این بازار تا پایان سال نیز نشان می دهد که رشد دوباره قیمت مسکن مشابه دوره جهش، فعلا بعید است. ۱. یزدانی در گفت و گو با دنیای اقتصاد در خصوص تحولات اخیر بازار مسکن اعلام کرد: علاوه بر اثر کاهش نرخ ارز که در سه ماه اخیر منجر به افت قیمت ها در بازار مسکن شهر تهران و دیگر شهرها شده است موضوعات دیگری نیز در این زمینه دخیل بوده اند که نباید آنها را نادیده گرفت. یکی از این موضوعات، باز تر شدن فضا و مسیر مراودات خارجی در ماه های اخیر نسبت به دو سال گذشته است که همین موضوع می تواند منجر به ورود بخش قابل توجهی از منابع مالی به کانال های تجارت خارجی شود؛ منابعی که در سال های اخیر در نتیجه مسدود بودن این کانال ها بخش زیادی از آنها وارد بازار املاک و مستغلات شده و در نتیجه قیمت ها در این بازار را تحت تاثیر قرار می داد.

از سوی دیگر بنا به گفته یزدانی، قیمت ها در بازار مسکن در شرایط فعلی و بعد از یک دوره طولانی جهش قیمت (۵ سال)، به قدری افزایش یافته است که اساسا نه خریدار مصرفی و نه بخش قابل توجهی از متقاضیان سرمایه گذاری در بازار مسکن، قادر به ورود به بازار و خرید نیستند. پیش از این، در تهران و کلان شهرها، افراد با نقدینگی ۲ تا ۳ میلیارد تومانی به راحتی می توانستند وارد بازار شده و خرید کنند اما اکنون این امکان از بین رفته است. این عوامل را می توان در کنار مجموعه شواهدی که از رشد اقتصادی مثبت (صرف نظر از میزان آن) و همچنین افزایش نسبی فروش نفت در مقایسه با ماه های اخیر رصد می شود، به عنوان دلایل کاهش فشار تقاضا بر بازار مسکن و اثر آن بر کاهش سطح قیمت ها معرفی کرد.

یزدانی افزود: بنابراین به نظر می رسد با مجموعه عوامل و شواهد، بازار مسکن تا پایان سال با ثبات قیمت و همچنین شرایط رکود معاملاتی همراه باشد. مگر اینکه در مجموعه عوامل و متغیرهای بیرونی مانند نرخ ارز تحول خاص و پیش بینی نشده ای رخ دهد که حتی در آن صورت نیز به دلیل افت فشار تقاضای ناشی از شکاف بین قیمت مسکن و قدرت

برای ساخت و ساز تمایل داشته باشند، هم سمت مصرف کننده و هم سرمایه گذار به طور متعارف توان و انگیزه حضور در بازار معاملات مسکن را داشته باشند. در این زمینه هم اعمال سیاست های مشوق برای سازنده ها در جهت ساخت و عرضه واحدهای مسکونی در استطاعت حتی در حوزه مسکن استیجاری می تواند موثر باشد. در بخش تقاضای مصرفی نیز، باید هر چه سریع تر تمهیداتی برای راه اندازی بازار پیش فروش مسکن در چارچوب ضوابط قانونی به کار گرفته شود و بازار پیش فروش برای پاسخ به تقاضای خانوارهای مصرف کننده و خانه اولی ها فعال شود.

اما در شرایط فعلی نه تنها این تمهیدات اجرایی شود بلکه سیاست های تشویقی برای تولید کننده ها و سازنده ها وجود ندارد و همین موضوع خود باعث کاهش بیشتر انگیزه سازنده ها برای ساخت و ساز شده است. ۱.

به گفته وی رونق تولید مسکن در ایران تنها متوجه بازار مسکن و بهبود شرایط در این بازار نخواهد شد و می تواند آثار مثبتی بر کل اقتصاد ایران داشته باشد. در واقع حتی سیاستگذار می تواند از تولید مسکن به عنوان یکی از مهم ترین ابزارها برای توسعه اقتصادی بهره مند شود. ۱.

خرید خانوارها از یکسو و عدم ورود منابع گسترده مالی از سوی سرمایه گذارها به بخش مسکن از طرف دیگر، انتظاری از بابت رشد محسوس قیمت وجود ندارد. بنابراین گزینه محتمل تر ادامه همین روند فعلی تا پایان سال است و حتی ممکن است شاهد کاهش بیشتر در قیمت مسکن نیز باشیم.

چالش، «قدرت خرید» است

حجت اله میرزایی، صاحب نظر اقتصاد مسکن نیز مهم ترین عامل رکود و ثبات قیمت مسکن علاوه بر کاهش نرخ ارز در سه ماه اخیر را چالش قدرت خرید می داند.

وی در این زمینه به دنیای اقتصاد اعلام کرد: البته این کاهش قیمت که از مشاهده سطوح پیشنهادی قیمت در بازار معاملات مسکن شهر تهران و سایر شهرها رصد می شود مبنای رسمی ندارد و تازمانی که آمارهای رسمی در خصوص تحولات قیمت مسکن از سوی مراجع آماری مانند بانک مرکزی و مرکز آمار ایران منتشر نشود نمی توان در خصوص میزان دقیق آن اظهار نظر کرد.

میرزایی خاطر نشان کرد: از سوی دیگر با توجه به بالا بودن ارزش جایگزینی در بازار مسکن، می توان برخی از تحولات را مقطعی و کوتاه مدت دانست. تحت تاثیر برخی عوامل بیرونی مانند نوسان نرخ ارز، برای مدتی قیمت مسکن دست خوش تحولاتی (افت و خیزهایی) می شود اما در نهایت بالا بودن ارزش جایگزینی در این بازار روند بلندمدت را تعیین می کند.

وی خاطر نشان کرد: از یک زاویه دیگر، میزان رشد قیمت مسکن به قدری در سال های اخیر بالا و قابل توجه بوده است که کاهش های مقطعی و کوتاه مدت نمی تواند اثری در بهبود موثر قدرت خرید خانوارها برای بازگشت توانایی حضور در بازار معاملات املاک داشته باشد. میرزایی ادامه داد: به همین دلیل بعضا دیده می شود اگر در مقطعی تحت تاثیر برخی متغیرهای بیرونی، قیمت ها تا حدی کاهش می یابد اما به دلیل بالا بودن ارزش جایگزینی بار دیگر، سیر صعودی خود را طی خواهد کرد.

بنابراین آنچه هم اکنون به عنوان عامل اصلی در کاهش و ثبات قیمتی بازار مسکن

می توان به آن اشاره کرد چالش قدرت خرید است. از سوی دیگر، به دلیل دشواری و پرهزینه بودن تامین مالی در بازار مسکن برای تولیدکننده ها، در شرایط فعلی، سازنده ها مگر در موارد ضرورت اقدام به فروش واحدهای خود نمی کنند. یا اگر به عنوان مثال ۱۰ واحد آماده در اختیار دارند تنها برای تامین هزینه های خود یک یا دو واحد را با بهای کاهش یافته به فروش می رسانند. همین موضوع باعث شده است که نتوان به هیچ عنوان کاهش رخ داده در قیمت فروش واحدهای مسکونی که تحت تاثیر یک دوره طولانی جهش در بالاترین سطح نسبت به قدرت خرید خانوارها قرار دارد، را به عنوان وقوع یک حراج فراگیر در بازار مسکن دانست. با این حال، پیش بینی محتمل آن است که به دلیل فاصله بسیار زیادی که همچنان بین قدرت خرید و قیمت مسکن وجود دارد تغییری جدی در قیمت فروش آپارتمان ها حداقل تا پایان امسال رخ ندهد. به این ترتیب برای بازار مسکن تا پایان امسال می توان وضعیت رکود معاملاتی همراه با ثبات قیمت را پیش بینی کرد و برای سال آینده تحولات ارزی می تواند به عنوان متغیر موثر در تحولات قیمتی مسکن وارد عمل شود.

بازگشت رونق شرط دارد

علیرضا توکلی کاشی، صاحب نظر مسکن با اشاره به تحولات اخیر بازار مسکن، سه شرط مهم برای بازگشت رونق غیر تورمی به این بازار را تشریح کرد.

وی در گفت و گو با دنیای اقتصاد با بیان اینکه تغییرات بازار مسکن همواره و تا حد زیادی به وضعیت بازار ارز و نوسانات نرخ دلار وابسته بوده است، تصریح کرد: همواره رشد های محسوس در بازار ارز منجر به اثر افزایشی بر بهای مسکن شده و طبیعتا کاهش نرخ ارز نیز در کاهش قیمت مسکن منعکس شده است.

توکلی کاشی، خاطر نشان کرد: اگرچه کاهش و ثبات قیمت به همراه رکود معاملاتی که در ماه های اخیر در بازار مسکن شاهد آن هستیم از برخی جهات وابسته به نوسانات ارزی است اما در عمده موارد ناشی از یک عامل درونی در بازار یعنی شکاف بسیار زیاد بین سطوح فعلی قیمت مسکن با قدرت خرید خانوارهاست. کما اینکه حتی در صورت افزایش قیمت دلار، قدرت خرید کافی در بازار مسکن از سمت متقاضیان مصرفی وجود ندارد و شاید گروه محدودی از سرمایه گذارها به این بازار میل و رغبت پیدا کرده و اقدام به خرید و فروش آپارتمان کنند. از این جهت می توان گفت اگر چه ممکن است نوسان های بعدی قیمت دلار منجر به بروز شوک افزایشی به قیمت مسکن شود اما ورود بازار به فاز رونق و اتمام دوره رکود، کاملاً به وضعیت قدرت خرید در سمت تقاضای مصرفی وابسته است.

وی توضیح داد: از این رو، سه شرط مهم برای اتمام دوره رکود و ورود بازار به فاز رونق معاملات ملکی (رونق غیر تورمی) وجود دارد. شرط اول ترمیم و ارتقای قدرت خرید خانوارها و مصرف کننده ها به خصوص متقاضیان خانه اولی برای ورود آنها به بازار خرید مسکن است. در واقع باید در وهله اول شکاف بین قدرت خرید و قیمت مسکن پر شده و جبران شود. از سوی دیگر لازم است قیمت ها برای یک بازه زمانی موثر در همین سطوح فعلی باقی بماند تا به مرور خانوارها بتوان و رود به بازار را به دست آورند و در وهله بعد با تمهیدات موثر، سطح درآمد خانوارها افزایش یافته و با تسهیلات و تمهیداتی امکان دسترسی آنها به مسکن ملکی افزایش یابد.

وی همچنین در ارتباط با گزینه محتمل در خصوص وضعیت بازار مسکن تا پایان سال به دنیای اقتصاد گفت: گزینه ثبات قیمت تا پایان سال محتمل تر است و در صورتی که نرخ ارز برای یک دوره یکساله نوسان خاصی نداشته باشد می توان انتظار داشت قیمت مسکن کاهش یابد. قطعاً ثبات و کاهش ارزی برای اعمال اثر کاهش بر قیمت مسکن، نیاز به تداوم دارد و ترمیم قدرت خرید متقاضیان نیز شرط اصلی برای رونق غیر تورمی بازار مسکن است. /

دنیای اقتصاد



شاخص مدیران خرید اقتصاد به ۵۴٫۳۴ رسید

برگشت، شامخ در غیاب بهبود صادرات و فروش

شاخص شامخ در شهریور ماه بهبود پیدا کرده و به قله چهار ماهه برگشته است؛ در حالی که میزان صادرات و فروش داخلی بنگاه‌ها برای سومین ماه متوالی کاهش بوده و مشکلات تأمین مواد اولیه، نقدینگی و نیروی کار متخصص پابرجا مانده است. شاخص مدیران خرید (PMI) اقتصاد ایران در شهریور ماه عدد ۵۴٫۳۴ محاسبه شده است. این شاخص در مقایسه با مرداد ماه (۴۹٫۹۷) افزایش یافته و بیشترین میزان چهار ماهه اخیر را به ثبت رسانده است؛ اما این بهبود حداقل در حوزه صادرات و فروش، تأمین مواد اولیه، سرمایه در گردش و استخدام نیروی کار متخصص ایجاد نشده است.

و عدم تمایل نیروی انسانی متخصص به اشتغال، به مشکلی فراگیر در اقتصاد (به ویژه بخش صنعت) تبدیل شده است.

شاخص مدیران خرید ترکیبی کل اقتصاد

آخرین نظرسنجی گردآوری شده، نشان می‌دهد که شاخص ترکیبی مدیران خرید برای کل اقتصاد ایران در شهریور ماه ۵۴٫۳۴ در مقایسه با مرداد ماه (۴۹٫۹۷) افزایش یافته و بیشترین میزان چهار ماهه اخیر را به ثبت رسانده است.

پس از سه ماه انقباض شدید در تقاضای مشتریان، شاخص میزان سفارشات جدید (۵۵٫۰۲) در شهریور ماه افزایش داشته، اگرچه تقاضای بخش صنعت همچنان با کاهش روبرو است. با وجود بهبود در شرایط تولید و انتظارات خوش بینانه کسب و کارها برای ماه آینده، شاخص میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی (۴۸٫۲۰) در شهریور ماه کاهش داشته و به کمترین میزان هشت ماهه اخیر رسیده است. علیرغم بهبود تقاضا در مقایسه با ماه قبل، بسیاری از کسب و کارها با کمبود نیروی کار به دلیل عدم تمایل نیروی انسانی به اشتغال و مهاجرت نیروی کار متخصص روبرو هستند.

شاخص میزان صادرات کالا و خدمات (۴۸٫۷۷) برای دومین ماه متوالی روند کاهشی داشته است. بر اساس نظرات فعالان اقتصادی، محدودیت‌های صادراتی از جمله مشکلات مربوط به پیمان‌سپاری ارزی از یک سو و کاهش صادرات شهریور ماه به خصوص در مرز عراق از سوی دیگر (به ویژه در بخش صنعت) بر ادامه این روند کاهشی تأثیر گذار بوده است.



گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران در چهل و هشتمین دوره طرح شاخص مدیران خرید (PMI) کل اقتصاد، حاکی از این است که در شهریور ماه، شاخص میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی (۴۸٫۲۰) کاهش داشته و به کمترین مقدار ۸ ماهه اخیر رسیده است.

در این ماه، گرچه شاخص میزان سفارشات جدید مشتریان (۵۵٫۰۲) بیشترین مقدار چهار ماهه اخیر را به ثبت رسانده است؛ اما شاخص میزان صادرات کالا و خدمات (۴۸٫۷۷) برای دومین ماه متوالی روند کاهشی داشته و شاخص میزان فروش کالا و خدمات (۴۹٫۹۳) نیز برای سومین ماه پیاپی کاهش پیدا کرده و کمتر از محدوده مرزی ۵۰ ثبت شده است.

به گزارش اتاق ایران آنالیز، در مجموع، اطلاعات حاصل از نظرسنجی از فعالان اقتصادی در شهریور ماه نشان می‌دهد که در این ماه، مسئله تأمین مواد اولیه و قیمت فزاینده آن همچنان از مسائل اساسی بخش صنعت بوده، مشکل کمبود نقدینگی برای تأمین سرمایه در گردش مورد نیاز شرکت‌ها و مشکلات مربوط به پیمان‌سپاری ارزی، در تضعیف بخش تولید نقشی اساسی داشته

جدول ۱: شاخص کل اقتصاد - شاخص مدیران خرید (PMI) شهریور ۱۴۰۲

شاخص	تیر ۱۴۰۲	مرداد ۱۴۰۲	شهریور ۱۴۰۲
شاخص کل اقتصاد	۵۰/۶۳	۴۹/۹۷	۵۴/۳۴
مولفه‌های اصلی	میزان فعالیت‌های کسب و کار	۵۰/۹۷	۵۸/۵۶
	میزان سفارشات جدید مشتریان	۴۶/۳۸	۵۵/۰۲
	سرعت انجام و تحویل سفارش	۵۵/۳۶	۵۶/۴۰
	موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده	۴۴/۵۶	۵۰/۹۷
	میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۵۶/۰۶	۴۸/۲۰
	قیمت خرید مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده	۷۵/۶۱	۶۸/۸۶
مولفه‌های کمکی	موجودی محصول در انبار یا کارهای معوق	۴۸/۸۳	۵۳/۱۸
	میزان صادرات کالا یا خدمات	۴۷/۱۲	۴۸/۷۷
	قیمت محصولات تولیدشده یا خدمات ارائه‌شده	۵۳/۷۱	۵۳/۵۰
	مصرف حامل‌های انرژی	۵۸/۷۹	۴۱/۳۷
	میزان فروش کالاها یا خدمات	۴۴/۷۳	۴۹/۹۳
	انتظارات در ارتباط با میزان فعالیت اقتصادی در ماه آینده	۵۶/۷۹	۶۳/۳۵
			۷۰/۵۰

مقدار خود را طی ۴۸ دوره اجرای طرح به ثبت رسانده است. اگرچه این خوش‌بینی فعالان اقتصادی در بسیاری از ماه‌ها به دلیل نوسانات زیاد و غیرقابل پیش‌بینی بودن و بی‌ثباتی شرایط اقتصادی مطابق انتظار پیش نمی‌رود.

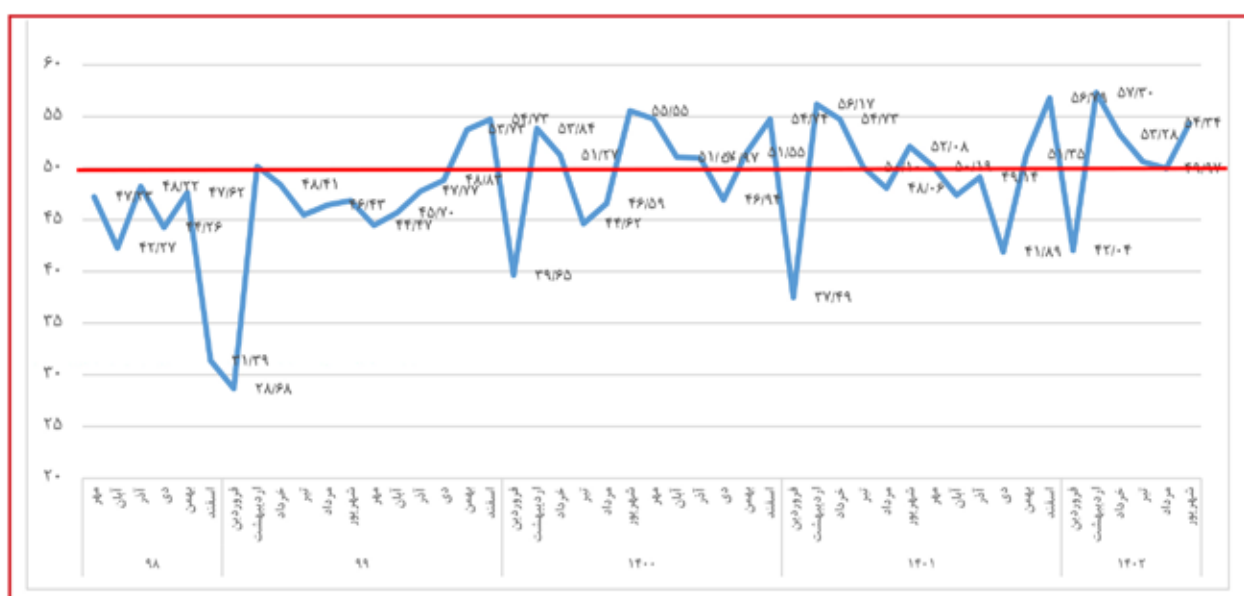
شاخص مدیران خرید در بخش صنعت بر اساس داده‌های به دست آمده از

همچنان میزان فروش کسب و کارها کاهشی است، به‌طوری‌که شاخص میزان فروش کالا و خدمات (۴۹،۹۳) برای سومین ماه پیاپی کمتر از ۵۰ گزارش شده است. در شرایطی که شاخص قیمت خرید مواد اولیه و لوازم خریداری‌شده (۶۸،۸۶) در شهریور ماه، شدت افزایش کمتری داشته و کمترین مقدار ۱۳ ماهه اخیر را ثبت کرده است.

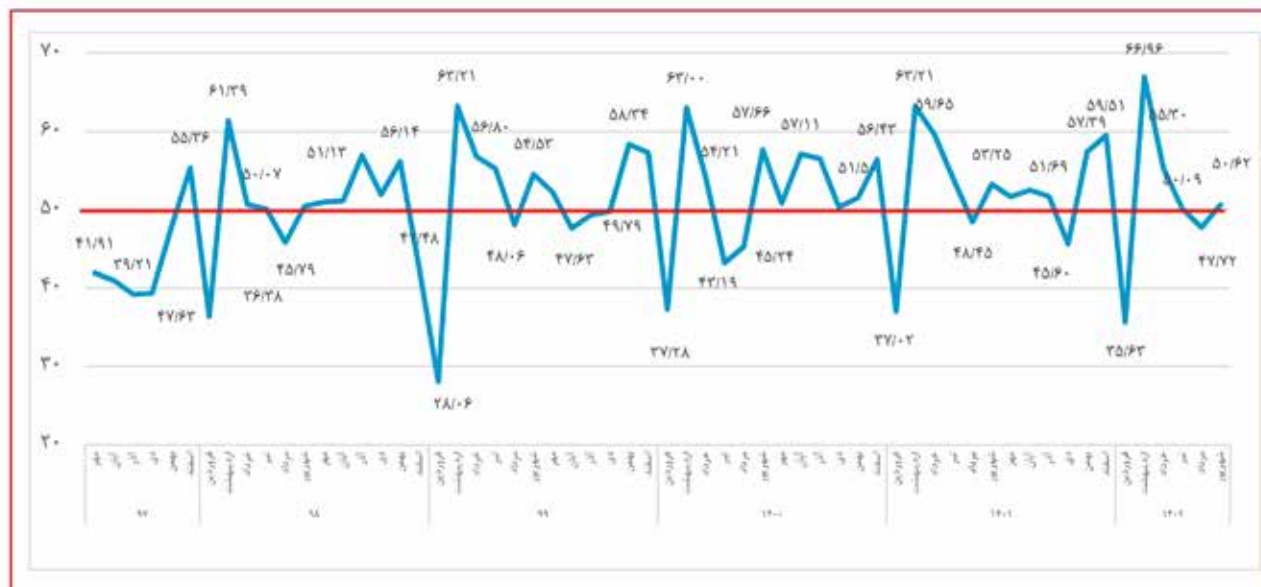
به نظر می‌رسد شرکت‌ها به دنبال کاهش تقاضا و فروش ماه‌های گذشته، سرعت افزایش قیمت فروش خود را، به میزان کمتری، نسبت به ماه گذشته افزایش دادند تا تأثیر مثبتی در تقویت تقاضا به همراه داشته باشد. به‌طوری‌که شاخص قیمت محصولات تولیدشده و خدمات ارائه شده (۵۳،۵۰) نیز کمترین مقدار ۱۳ ماهه از شهریور ۱۴۰۱ را به ثبت رسانده است.

انتظارات نسبت به بهبود فعالیت کسب و کارها در مهر ماه با ثبت عدد ۷۰،۵۰، سومین بیشترین

نمودار ۱: مقایسه شاخص کل اقتصاد



نمودار ۲: مقایسه روند شاخص بخش صنعت



دلیل کاهش رشد میزان سفارشات است.

شاخص مقدار تولید محصولات (۵۱,۹۵) بعد از دو ماه کاهش متوالی، در شهریور ماه اندکی افزایش داشته اگر چه مقدار شاخص در مقایسه با شهریور سال های قبل کمتر است؛ در حالی که فشارهای تورمی پیاپی منجر به کاهش قدرت خرید و تضعیف تقاضای مشتریان شده است، به طوری که میزان سفارشات جدید مشتریان (۴۷,۸۲) برای سومین ماه پیاپی کاهش یافته است که نشان دهنده ادامه رکود تقاضای بخش صنعت است.

در عین حال، شرکت ها برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز به دلایلی مانند تشدید مشکلات ناشی از کمبود نقدینگی همچنان با مشکل روبرو هستند به طوری که شاخص موجودی مواد اولیه (۴۷,۰۰) برای سومین ماه متوالی کاهش یافته است.

شاخص میزان استخدام با عدد ۵۰,۲۰ به کمترین مقدار ۱۷ ماهه خود از اردیبهشت ۱۴۰۱ (به غیر از فروردین ماه) رسیده است. شرایط تورمی باعث شده است تا نیروی کار متخصص

بنگاه های صنعتی در شصت و ششمین دوره طرح شاخص مدیران خرید بخش صنعت، شاخص صنعت در شهریور ماه با ثبت عدد ۵۰,۶۲ نسبت به ماه قبل بهبود داشته و در محدوده مرزی ۵۰ قرار گرفته است، اگر چه مقدار شاخص در مقایسه با شهریور ماه سال های گذشته کمتر گزارش شده است.

در این ماه، مؤلفه های اصلی میزان سفارشات جدید مشتریان و موجودی مواد اولیه خریداری شده، کمتر از ۵۰ محاسبه شده اند و کاهش در شاخص صنعت، عمدتاً به

جدول ۲: شاخص صنعت - شاخص مدیران خرید (PMI) شهریور ۱۴۰۲

شاخص	تیر ۱۴۰۲	مرداد ۱۴۰۲	شهریور ۱۴۰۲
شاخص کل صنعت			
مقدار تولید محصولات	۴۹/۳۵	۴۳/۸۷	۵۰/۶۲
میزان سفارشات جدید مشتریان	۴۶/۱۷	۴۳/۶۵	۴۷/۸۲
سرعت انجام و تحویل سفارش	۵۷/۷۹	۵۲/۹۱	۵۶/۹۶
موجودی مواد اولیه خریداری شده	۴۶/۰۵	۴۷/۷۰	۴۷/۰۰
میزان استخدام و بکارگیری نیروی انسانی	۵۳/۱۶	۵۴/۷۷	۵۰/۲۰
قیمت خرید مواد اولیه	۶۷/۱۹	۶۶/۰۵	۶۷/۹۸
موجودی محصول نهایی در انبار	۵۴/۹۸	۵۳/۷۵	۵۸/۱۹
میزان صادرات کالا	۴۸/۶۶	۴۶/۲۱	۴۵/۶۳
قیمت محصولات تولید شده	۵۰/۱۱	۴۶/۹۶	۵۱/۱۱
مصرف حامل های انرژی	۵۱/۲۶	۴۹/۳۰	۴۸/۳۲
میزان فروش محصولات	۴۳/۷۵	۳۹/۱۶	۴۵/۳۷
انتظارات تولید در ماه آینده	۵۸/۴۰	۶۴/۰۸	۶۶/۶۵

تمایلی به اشتغال در واحدهای تولیدی نداشته باشد و در جستجوی موقعیت‌های دیگر یا مهاجرت هستند.

علاوه بر تقاضای ضعیف مشتریان داخلی، صادرات نیز به دلیل مشکلات ناشی از نحوه رفع تعهد ارزی و محدودیت‌های صادراتی در مرز عراق در شهریورماه کاهش داشته و شاخص میزان صادرات کالا با عدد ۴۵,۶۳، ضعیف‌ترین عملکرد هشت ماهه اخیر از بهمن ماه (به غیر از فروردین ماه) را به ثبت رسانده است.

کاهش تقاضای داخل و کاهش صادرات و فروش خارجی باعث شده تا شاخص میزان فروش محصولات با عدد ۴۵,۳۷ همچنان برای سومین ماه پیاپی کاهش داشته باشد. به عقیده فعالان اقتصادی، فشارهای تورمی منجر به تقاضای ضعیف مشتریان و در نتیجه کمبود نقدینگی و مواد اولیه شده است.

علاوه بر این اتخاذ قوانین سلیقه‌ای و غیر کارشناسانه از جمله تعهد ارزی، خروج صنایع فلزی و کانی غیر فلزی از بورس کالا، قیمت‌گذاری‌های دستوری در برخی از بخش‌ها و قطعی‌های مکرر برق در تابستان، همچنان در کاهش شامخ طی ماه‌های اخیر تأثیر گذار بوده است.

شامخ در برخی از کشورها در سپتامبر ۲۰۲۳

شامخ کل



شامخ صنعت



مشکلات اصلی از دید برخی از فعالان اقتصادی در شهریورماه ۱۴۰۲

– حذف صنایع فولادی و سیمانی از بورس کالا به دلیل بالا بودن قیمت و همچنین تحمیل فروش به تولیدکنندگان با قیمت‌گذاری‌های دستوری بسیار پایین در بازار، در شرایطی که مواد اولیه خریداری شده در قیمت‌های بالایی تأمین شده‌اند، باعث می‌شود تا تولیدکنندگان تمایلی به فروش در قیمت‌های تحمیلی نداشته باشند و این صنایع در رکود هستند.

– پیمان‌سپاری ارزی و الزام نحوه رفع تعهد ارزی و قوانین محل صادرات باعث شده تا صادرات کاهش یابد. (شیمیایی)

– افزایش نرخ خوراک پتروشیمی‌ها به دلیل افزایش نرخ ارز و قوانین محل صادرات دیگر تولید و صادرات نیز کاهش داشته است.

– کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده نهایی برای خرید موادی مانند گوشت و مرغ و کمبود نقدینگی شرکت‌های فعال در این بخش باعث شده تا صنایعی که مواد مصرفی این صنایع را تولید می‌کنند مانند (تولید داروهای دامی) بارکود روبرو شوند. (صنایع شیمیایی)

– اکثر صنایع با کمبود شدید نقدینگی و افزایش قیمت مواد اولیه روبرو بودند. عدم پرداخت تسهیلات بانکی باعث تشدید در کمبود نقدینگی شده است.

– در برخی مناطق کشور قطعی برق بیش از یک روز در هفته همچنان وجود داشته است که باعث کندی فعالیت تولید می‌شود. (شیمیایی)

– اعمال قوانین جدید برای اخذ مالیات بر صادرات برخی از مواد اولیه که محصول نهایی است، باعث کاهش صادرات شده و انگیزه تولیدکنندگان را برای صادرات کاهش داده است. (کانی غیر فلزی)

نصیر تجارت کره جنوبی در یک گزارش پژوهشی بررسی شد

رند خیزش اقتصادی کره جنوبی

زهره مشفق / پژوهشگر اقتصادی

اقتصادی، استقلال سازمان‌ها و نهادهای برنامه‌ریزی و هماهنگ‌کننده، استفاده از مولفه‌های فرهنگی در سیاست خارجی، بازنگری در نحوه بازاریابی محصولات صادراتی و برندسازی منطقه‌ای و بین‌المللی بیان کرد.

امروزه نظام بین‌الملل از ویژگی‌های جهان شمول برخوردار است. در این شرایط، دغدغه دولت‌ها از مسائل امنیتی و سیاسی به مسائل اقتصادی و به‌طور مشخص سهم‌شدن در بازارهای تولید، تجارت و سرمایه‌های جهانی یا به تعبیری به‌فتح بازارها تغییر کرده است. از مهم‌ترین نشانه‌های این تحول دولت‌ها در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، در گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی به عنوان ابزار نوین و کارآمد تعامل در اقتصاد جهانی و دستیابی به توسعه به چشم می‌خورد. امروزه دیپلماسی به عنوان کارآمدترین و اصلی‌ترین ابزار ارتقای نفوذ و تصویرسازی مثبت کشورها شناخته شده است و دولت‌ها برای افزایش این حوزه از قدرت خود، الگویی از سیاست خارجی را طراحی، پیاده‌سازی و ارزیابی کرده‌اند که توان اثرگذاری بر ترجیحات مردمی و دولتی دیگر کشورها را داشته باشد. بسیاری از کشورهای جهان با به کارگیری ابزارهای نوین دیپلماسی در عرصه اقتصاد جهانی، دیپلماسی اقتصادی فعالی در پیش گرفته‌اند. در واقع، امروزه موضوع تنظیم روابط اقتصادی به مرکز دیپلماسی کشورها تبدیل شده است، به‌طوری که در حال حاضر سهم بالایی از مذاکرات رسمی بین کشورها معطوف موضوعات و مسائل اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری است.

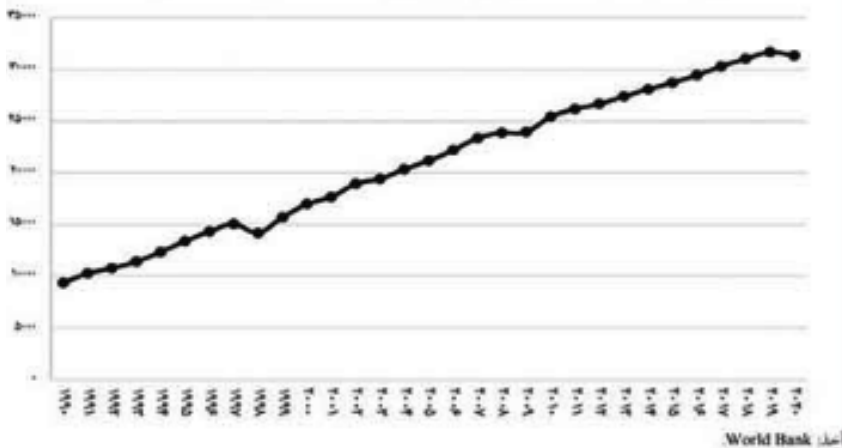
امروزه دولت‌ها به ویژه کشورهای قدرتمند به این نتیجه رسیده‌اند که برای حضور موثر در سطح بین‌المللی و رسیدن به اهداف خود باید و رای استفاده از قدرت سخت، از قدرت نرم نیز برای اینکه دیگر کشورها را به سمت برآوردن خواسته‌های خود بکشانند، استفاده کنند. در این بین، سهم عمده‌ای از قدرت نرم کشورها معطوف شکل‌دهی و عمق‌دهی راهبردی به روابط اقتصادی دیپلماتیک است. ضروری است که دولت‌ها برای کسب موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی با استفاده از قدرت نرم، مجموعه‌ای از الزامات و اقدامات را برای نهادهای تصمیم‌گیر خود در نظر بگیرند. این مهم در حوزه سیاستگذاری خارجی از طریق به کارگیری دیپلماسی اقتصادی فعال محقق می‌شود.

ایران به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز، تاکنون نتوانسته آن‌گونه که شایسته است، از جایگاه مطلوبی در عرصه اقتصاد بین‌الملل برخوردار باشد. بدون شک گذشت زمان و از دست رفتن فرصت‌ها، آسیب‌پذیری اقتصاد ملی را بیش از پیش افزایش می‌دهد، بنابراین شناخت الزامات لازم برای کارآمد شدن سیاست خارجی و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تعامل فعال و پویا در عرصه بین‌الملل بسیار حائز اهمیت است و بررسی ابعاد

یکی از خلاءهای جدی در عرصه سیاست خارجی کشور این است که به موضوع دیپلماسی اقتصادی آنچنان که انتظار می‌رود، توجه نشده، اما کره جنوبی در این راستا گام‌های متعددی برداشته است. سیاست خارجی در دولت کره جنوبی تا اندازه‌ای اهمیت دارد که سیاستمداران این کشور نهاد هدایتگر دولت توسعه‌گرا را سیاست خارجی می‌دانند و معتقدند پیوندی ناگسستنی میان توسعه و سیاست خارجی شکل گرفته است. دولت کره جنوبی به عنوان الگوی کشور توسعه‌خواه ضمن ترک مخاصمه و تنش در سیاست خارجی که مستلزم صرف هزینه‌های زیاد است، توان دیپلماتیک خود را در راستای جذب منابع مالی و علمی دیگر کشورها به کار گرفته است، از جمله مهم‌ترین اقدامات کره جنوبی در عرصه دیپلماسی اقتصادی، استقلال نهادهای برنامه‌ریزی اقتصادی از گروه‌های ذی‌نفع رانت‌جو، تمرکز هوشمندانه در انتخاب صنایع برای جذب سرمایه خارجی، بازاریابی برای صادرات کالاهای فرهنگی، نهادسازی استراتژیک برای مدیریت شهرت بین‌المللی، ارتباطات موثر جهانی و همکاری‌های گسترده بین‌المللی و افزایش بودجه تحقیق و توسعه در طراحی، تولید و کیفیت محصولات بوده است.

دلالت‌هایی از تجربه کره جنوبی در به کارگیری دیپلماسی اقتصادی فعال برای ایران را می‌توان در تدوین سند دیپلماسی

نمودار ۱- سرنانه تولید ناخالص ملی کره جنوبی (به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵ به دلار)



اقتصادی و سیاسی در دورکن اقتصاد و روابط بین الملل ورود یافت. از این رو در فضای جامعه بین الملل، رویکرد جدید و متناسبی با آن فضا پدید آمد. این رویکرد مشخصه‌ای اصلی داشت و آن اینکه، دولت‌ها با اولویت اقتصادی، به برقراری روابط گسترده با یکدیگر کوشیدند. این موضوع سبب شد تا تحلیلگران عرصه اقتصاد و سیاست، مفهوم عمیق استراتژیک یعنی «دیپلماسی اقتصادی» را ایجاد کنند. توسعه مفهوم دیپلماسی اقتصادی با توسعه نظام اقتصادی بین المللی در ارتباط است. همان‌طور که ایمرت (۲۰۱۷م) اشاره می‌کند، مفهوم دیپلماسی اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم به آرامی در سراسر جهان گسترش یافت و در نتیجه، اقتصاد به عنوان عامل اصلی در دیپلماسی اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت‌ها برای پیشبرد اهداف بلندمدت توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. دستیابی به موقعیت و جایگاه بهتر در اقتصاد جهانی مستلزم بهره‌گیری مناسب از فن دیپلماسی برای افزایش فرصت‌ها در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال فناوری، صدور خدمات و گسترش تجارت خارجی است. به‌طور کلی، مبنای دیپلماسی اقتصادی بر همکاری دو یا چند جانبه میان کشورها، سازمان‌ها و دیگر بازیگران بین المللی استوار است.

در ادبیات رایج اقتصاد بین المللی، تعاریف متعددی از دیپلماسی اقتصادی وجود دارد. بررسی محتوای اغلب ادبیات رایج درباره دیپلماسی نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی به معنای استفاده از روش‌ها و ابزارها مانند جمع‌آوری اطلاعات، لابی‌گری، نمایندگی، مذاکره و حمایت برای پیگیری سیاست‌های اقتصادی خارجی دولت تعریف شده است. براساس تعریف برگجک و مونز (۲۰۰۹م)، دیپلماسی اقتصادی جدید مجموعه‌ای از فعالیت‌های خارج از مرزهای اقتصادی (صادرات، واردات، درآمد، وام، مساعدت و...) تعریف می‌شود که عمدتاً با بازیگران دولتی و سیاسی مرسوم نشده‌اند، بلکه بخشی جدانشدنی از آن هستند. همچنین، صلح بر پایه اقتصاد و همکاری‌های دو یا چند جانبه باثبات تر از صلح بر پایه نیروهای نظامی و امنیتی است. در واقع، در فضای وابستگی متقابل پیچیده، روابط اقتصادی تا حد زیادی موجب پایداری صلح و امنیت بین الملل شده است. اگر تاپیش از این، امنیت کشورها بانیروهای امنیتی و مسلح تعریف می‌شد، اکنون بانیروهای متعدد و ناامنی‌های اقتصادی به چالش کشیده می‌شود. مسائل یادشده سبب شده که بسیاری از کشورهای جهان به صورت جدی به فکر بهره‌برداری از فرصت‌های موجود باشند. از آنجا که از دیپلماسی اقتصادی به عنوان فن ارتباط بین حوزه سیاست خارجی و داخلی اقتصاد یاد می‌شود و از سوی دیگر، با توجه به وجود کثرت منافع بازیگران در گیر دیپلماسی شامل دولت‌ها، نهادهای غیر دولتی، شرکت‌های ملی یا فراملی و سازمان‌های بین المللی، می‌توان گفت که طیف وسیعی از مولفه‌ها بر دیپلماسی اقتصادی اثرگذار است که مهم‌ترین آنها عبارتند از ۱- نفوذ روابط سیاسی بر تعاملات اقتصادی یا تأثیرگذاری آن بر تجارت بین الملل، ۲- همکاری‌های دو یا چند جانبه میان کشورها و سازمان‌ها، ۳- بازاریابی و جست‌وجوی فرصت‌های تجاری برای سرمایه‌گذاری، ۴- تجارت خارجی و بین المللی کردن بنگاه‌های اقتصادی و ۵- همکاری بسیار نزدیک بخش خصوصی و دستگاه‌های مرتبط

و کیفیت به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی در کشورهای موفق راهگشاست. در این گزارش تلاش شده است تا تجربه کشور کره جنوبی به عنوان مثال موفق در اجرای برنامه‌های توسعه و رشد اقتصادی بررسی شود. امروزه اقتصاد موفق کره جنوبی الگویی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه است و از سویی بانک جهانی جزو اقتصادهای دارای درآمد بالا و از نگاه صندوق بین المللی پول به عنوان یکی از اقتصادهای پیشرفته طبقه‌بندی شده است. کره جنوبی کشوری است که در ۴ دهه اخیر با رشد و توسعه اقتصادی خود توانسته از کشوری فقیر به دهمین اقتصاد برتر جهان تبدیل شود و از جمله کشورهایی است که توانسته در عرصه بین الملل و سیاست خارجی موفقیت کسب کند. بسیاری از اقتصاددانان این موفقیت کره جنوبی را مرهون به‌کارگیری سیاست برون‌گرایی و دیپلماسی عمومی مناسب می‌دانند. در گزارش حاضر تلاش شده است تا مهم‌ترین موضوعات و روندهای اقتصادی موجود در دیپلماسی اقتصادی این کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این چارچوب، ابتدا مبانی نظری در خصوص مفاهیم دیپلماسی عمومی و اقتصادی تشریح شده است، سپس ارکان دیپلماسی اقتصادی کره جنوبی تبیین و گفته می‌شود که این کشور در عرصه بین المللی چه جایگاهی دارد. در پایان نیز با توجه به تجربه کره جنوبی و ارزیابی سیاست خارجی این کشور، توصیه‌های سیاستی برای نظام دیپلماسی اقتصادی ایران ارائه می‌شود.

مفاهیم نظری دیپلماسی عمومی و اقتصادی

با پایان دوران جنگ سرد و رویدادهای بسیار مهم در عرصه بین المللی یعنی فروپاشی دو بلوک شرق و غرب، ضربه بسیار شدیدی به کشورهای عضو بلوک شرق وارد شد. کشورهای غربی به این رخداد نگاهی فرصت‌محور داشتند و این اتفاق را مسیر تازه‌ای برای برقراری روابط گسترده اقتصادی با کشورهای بازمانده از بلوک شرق دانستند. مشخصه اصلی این دوران، گفتمان در فضاهای بین المللی بود و نقش پررنگ سازمان‌های بین المللی و ساختارهای جدید

با دیپلماسی اقتصادی از جمله وزارت امور خارجه است. با توجه به موارد یادشده، در ادامه تلاش شده است تا ضمن بررسی مهم‌ترین ارکان دیپلماسی کره جنوبی، جایگاه این کشور در عرصه بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

روند خیزش اقتصادی کره جنوبی

کره جنوبی از دهه ۱۹۶۰ توانسته بیش از همسایگان خود، تولید ناخالص داخلی سرانه شهر و نداشتش را افزایش دهد، اما این کشور همچنان برای دیگر کشورها ناشناخته مانده است. این کشور گردشگران بسیار کمی را به خود جذب می‌کند و از نظر جغرافیایی، محصور میان سه ابر قدرت چین، ژاپن و روسیه است. چنین موقعیتی چالش‌های بزرگ و در عین حال، فرصت‌های بزرگ برای کره جنوبی است.

در ۶ دهه اخیر، کره جنوبی دومین رشد اقتصادی سریع دنیا را تجربه کرده و به‌طور کلی، دهمین اقتصاد بزرگ دنیا را در اختیار دارد. این کشور دارای اقتصادی قدرتمند با درآمد سرانه بالا و پایدار و بازار توسعه یافته است. امروزه اقتصاد موفق کره جنوبی الگویی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه است و از نگاه صندوق بین‌المللی پول به عنوان یکی از اقتصادهای پیشرفته طبقه‌بندی می‌شود. نمودار شماره ۱، دستاورد کره جنوبی را از منظر شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی ملی نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های این نمودار، تولید سرانه این کشور از ۹ هزار دلار در سال ۱۹۹۰ به ۳۱ هزار دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است.

رشد سریع بخش تولیدات کارخانه‌ای موجب شده تا ساختار نظام اقتصادی کره جنوبی با سرعت دگرگون شود. همان‌طور که در نمودار شماره ۲ ملاحظه می‌شود، ساختار اقتصادی کره جنوبی در سال‌های ۲۰۲۰-۱۹۶۰ از بخش کشاورزی به سمت بخش تولیدات کارخانه‌ای حرکت کرده است.

سهم بالای بخش صنعت در ارزش افزوده

پس از بخش خدمات، بخش صنعت بالاترین سهم را در کل ارزش افزوده

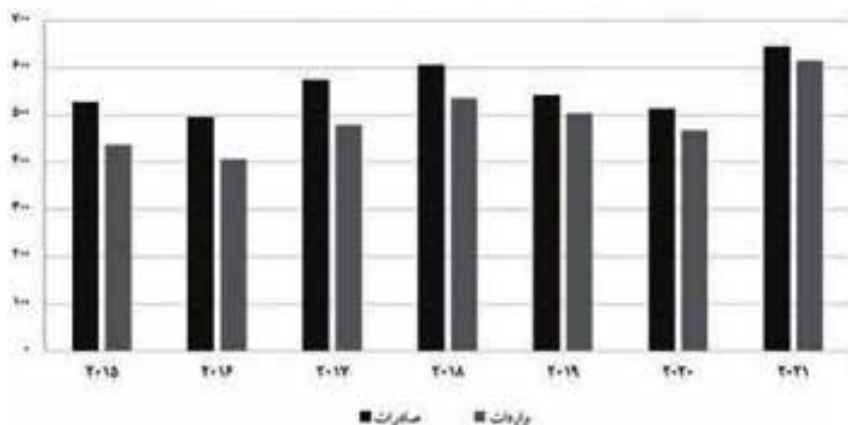


کره جنوبی در چند سال گذشته داشته، به‌طوری که این بخش به‌طور متوسط نزدیک ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را به خود اختصاص داده است.

بخش صنعت در کره جنوبی محور اصلی دستیابی به توسعه اقتصادی است. سیاستمداران این کشور از اوایل دهه ۱۹۶۰ برای دستیابی به اقتصاد صنعتی، نقشه راهی را تدوین کردند که در مرحله اول با حرکت به سوی ایجاد صنایع ساده آغاز شد و در حال حاضر صنایع سنگین تا پیشرفته و پیچیده را نیز دربر می‌گیرد. نگاهی به عملکرد بخش صنعت این کشور در حالت کلی نشان می‌دهد که کره جنوبی با داشتن برنامه راهبردی منسجم و مستحکم توسعه مبتنی بر صنعت و فناوری و تکیه خاص بر تولیدات کارخانه‌ای توانسته جایگاه مطلوبی را در تولیدات بخش صنعتی جهان به خود اختصاص دهد، به‌طوری که سیاست‌های صنعتی این کشور منجر به شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ در سطح جهان مانند سامسونگ و ال‌جی شده است. دولت توسعه‌گرای کره جنوبی برای توسعه صنعتی و فناوری، سیاست‌هایی مانند انتخاب بخش‌های خاص و ارائه کمک‌های مختلف به آنها، جلوگیری از رقابت شدید میان آنها و سوق دادن بخش خصوصی به ایجاد بنگاه‌های بزرگ را در پیش گرفت. این کشور با تکیه بر تولید محوری و تمرکز بر پنج بخش استراتژیک شامل فولاد، پتروشیمی، خودرو، کشتی‌سازی و الکترونیک توانست به یکی از موفق‌ترین کشورهای در حال توسعه دنیا تبدیل شود.

در دهه گذشته بخش صنعتی و کارخانه‌ای به عنوان موتور رشد، عامل پیشرفت‌های عظیم این کشور بوده است، اما برای کامیابی‌های جدید، به بخش خدماتی نیاز دارد که به اندازه بخش صنعت قوی و قابل اتکا باشد و البته کره نشان داده که خود چنین مهمی را مدنظر داشته است و در این باره سرمایه‌گذاری‌های لازم را انجام می‌دهد. سهم تولید ناخالص داخلی که در این کشور صرف تحقیق و توسعه می‌شود، بیش از آلمان، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا است. براساس گزارش تحقیق و توسعه جهانی (سال ۲۰۲۲) در حالی که سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی کشورهای آلمان، بریتانیا و آمریکا به ترتیب معادل ۳/۱، ۳/۷ و ۱/۷ درصد است، این سهم برای کره جنوبی ۴/۳ درصد است و در میان کشورهای جهان پس از رژیم صهیونیستی،

نمودار ۴- روند صادرات و واردات کره جنوبی (میلیارد دلار)



کرد. به طور کلی هر چقدر سرمایه گذاران خارجی در زنجیره های اولیه تولید متمرکز باشند، سهم بیشتری از ارزش افزوده نصیب آنها می شود، اما هر چقدر در زنجیره های پایانی تولید سرمایه گذاری کنند، اقتصاد داخلی از سرمایه گذاری خارجی بیشتر منتفع می شود. بنابراین کره جنوبی تلاش کرد تا با تمرکز بر بخش های ثانویه، اثر گذاری سرمایه گذاری خارجی بر اقتصاد داخلی را به حداکثر برساند.

در مرحله بعد، این کشور برای بهره برداری هر چه بیشتر از فناوری شرکت های خارجی، کیفیت و بهره وری نیروی انسانی خود را در تعامل با فناوری شرکت های خارجی ارتقا داد. در مرحله سوم، سیاستگذاران کره جنوبی از تکنیک های قراردادهای شرکت های بین المللی استفاده کردند تا بتوانند محصولات خود را وارد بازارهای جهانی کنند.

تصویر تجارت کره جنوبی

بر اساس آمار و اطلاعات پایگاه مرکز تجارت جهانی در سال ۲۰۲۱ کل ارزش تجارت کالا و خدمات کره جنوبی ۱۴۴۶ میلیارد دلار بوده که ۱۲۵۸ میلیارد دلار آن مربوط به تجارت کالایی و ۱۸۸ میلیارد دلار نیز مربوط به تجارت خدمات بوده است. در سال های اخیر (۲۰۱۵-۲۰۲۱) متوسط رشد سالانه تجارت این کشور، ۴/۵ درصد بوده و در سال ۲۰۲۱ نیز در مقایسه با سال پیش از آن به ترتیب ۲۵ و ۳۱ درصد در صادرات و واردات رشد داشته است.

تمرکز شرکای تجاری کره جنوبی نشان می دهد که این کشور هم به لحاظ صادرات و هم به لحاظ واردات تنوع نسبتاً بالایی در شرکای تجاری خود دارد. کره جنوبی از جمله کشورهای آسیایی است که ارتباطات گسترده بین المللی در حوزه تجارت دارد، به ویژه در دهه های اخیر کره جنوبی توانسته با جدیت بالا به جمع کشورهای تاثیر گذار بر بازار جهانی بپیوندد. یکی از مهم ترین جنبه های تلاش این کشور برای تقویت بخش تجاری خود، تاسیس سازمان دولتی با عنوان کترا (سازمان توسعه و تجارت کره جنوبی) است. اهم فعالیت های این سازمان شامل تمرکز بر توسعه توان تجاری تولید کنندگان کره ای و افزایش جذب سرمایه خارجی در این کشور است. این سازمان توانسته با ارائه راهکارهای مفید به بخش تجاری کره جنوبی، نقش اثر گذاری بر روند تعاملات تجاری شرکت های مختلف کره ای با دیگر کشورهای دنیا از جمله ایران داشته باشد. رویه کشورهای شرق آسیا و به طور خاص کره جنوبی، داشتن برنامه راهبردی منسجم و مستحکم توسعه اقتصادی و تکیه محوری خاص بر تولید است که منجر به نتایج تحسین برانگیزی شده و توانسته آنها را به جایگاه تأمل برانگیزی در مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطح جهان برساند. روند تحول کالاهای دارای فناوری پیشرفته در کره جنوبی که در حال حاضر به سطح معنی داری رسیده است، می تواند مصداقی برای صحت انتخاب راهبردی این کشور باشد. همان طور که در نمودار شماره ۵ مشاهده می شود، بر اساس آمار بانک جهانی، ارزش صادرات کالاهای فناوری محور در کره جنوبی در ۲ دهه اخیر ۳ برابر شده و به بیش از ۱۶۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ رسیده است.

بالا ترین سهم تحقیق و توسعه را در تولید خود دارد.

به لحاظ جذب سرمایه گذاری خارجی، کره جنوبی در میان ۱۰ کشور برتر جهان قرار دارد و در ۲ دهه اخیر روند عمده تا افزایشی با شتاب بالا را تجربه کرده است. صنعت این کشور به جای اینکه به انتقال فناوری از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی متکی باشد، بر اساس فناوری های صنعتی بنگاه های بومی بنا شده است. این کشور در سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سیاست گزینشی را اعمال می کند. سرمایه گذاری خارجی در کره جنوبی فقط در جایی که ضروری تشخیص داده می شد، جایز بود و اینکه مالکیت بنگاه به طور حداکثری در دست طرف خارجی باشد، جایز نبود، مگر در شرایطی که به دنبال فناوری هایی بودند که بنگاه مادر آنها را فقط در اختیار خود نگه می داشت یا برای اینکه صادرات در فعالیت های یکپارچه بین المللی تقویت شود.

به طور کلی، کره جنوبی در خصوص سرمایه گذاری خارجی سه دوره را از دهه ۱۹۶۰ پیموده است؛ در دوره اول که تا سال ۱۹۸۴ ادامه داشت، تنها صنایع خاصی از جمله ساخت و ساز صنعتی در معرض سرمایه گذاری خارجی قرار داشت.

در این دوره، رشد زیادی در سرمایه گذاری خارجی ایجاد نشد. دوره دوم مربوط به سال های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ بود که در آن، مبادی ورودی عمده صنایع این کشور به روی سرمایه گذاران باز شد و قراردادهای متعددی با شرکت های خارجی در بیش از ۲۶ بخش اقتصادی کره جنوبی منعقد شد. در این دوران متوسط حجم سرمایه گذاری خارجی به ۸۰۰ میلیون دلار رسید، اما در دوره سوم سرمایه گذاری مستقیم خارجی که از سال ۱۹۹۰ آغاز شد، روند افزایشی سرمایه گذاری مستقیم خارجی ادامه داشت و با پیوستن کره جنوبی به سازمان OECD در سال ۱۹۹۶ به ۳ میلیارد دلار رسید. نکته مهم درباره سرمایه گذاری خارجی کره جنوبی این است که این کشور برای اینکه بتواند بیشترین استفاده را از فناوری شرکت های خارجی به اقتصاد خود انتقال دهد، بخش های در معرض سرمایه گذاری خارجی را هو شمندان انتخاب

دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی کره جنوبی

با رهایی کره جنوبی از استعمار ژاپن و کسب استقلال، این کشور دچار اختلالات و جدایی در قسمت جنوب و شمال شد. بخش جنوبی با مشکلاتی مانند فقر شدید، وابستگی معیشتی و بسیاری نابسامانی‌های دیگر دست و پنجه نرم می‌کرد. پس از کودتای نظامی در سال ۱۹۶۱ و روی کار آمدن ژنرال پارک چونگ هی، وی بیدرنگ با آگاهی کامل از عقب‌ماندگی‌های علمی، اقتصادی، فناوری و اجتماعی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، راه و مسیر فائق آمدن بر این مشکلات را انباشت دانش و تجارب موجود در کشور از طریق تعامل و دخالت کارآمد نخبگان در تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت و ایجاد ارتباط سازنده حتی با دشمنان خود دانست. نکته حائز اهمیت در مسیر توسعه کره جنوبی این بود که آنها در زمان لازم و به موقع متوجه شدند که نمی‌توان بر مبنای نظرهای مناقشه‌آمیز درباره دیدگاه‌ها و تئوری‌های اقتصادی در ارتباط با محول کردن اقتصاد به بازار آزاد تصمیم‌گیری کرد. به عبارت دیگر، نمی‌توان این تضمین را داد که شیوه صنعتی شدن کشورهای اروپایی برای کره جنوبی هم همان اندازه از موفقیت را ایجاد می‌کند. از این رو تصمیم به اتخاذ شیوه‌ای گرفتند که ضمن حفاظت از اصول اقتصاد بازار یا نگرش توسعه‌گرایی، دخالت قدرتمند دولت را به عنوان کلید اصلی توسعه به کار بردند، به عبارت دیگر، موضوع نبود توانایی و دانش کافی و کاربردی برای توسعه در کشور و نیز اندک بودن کارشناسانی که قادر به قضاوت در همه جنبه‌های تصمیم‌گیری فنی و علمی و کاربردی باشند، مورد توجه واقع شد. برنامه‌ریزان کره جنوبی با مشاهده تجربیات دیگر کشورها مانند ژاپن و کشورهای غربی، زیربنای حرکت خود را بر مبنای تولید قرار دادند.

کره جنوبی و نفوذ در منطقه غرب آسیا

کره جنوبی به عنوان یکی از بازیگران فرامنطقه‌ای، دارای منافع و اهداف حیاتی در منطقه غرب آسیا است. نکته مهم در تعامل این



کشور با این منطقه، بسط ابعاد پیوندی آن از مسائل اقتصادی به روابط راهبردی با بازیگران منطقه‌ای است. نگاهی به سیر سیاست‌های کره جنوبی در منطقه غرب آسیا حاکی از آن است که این کشور در ابتدا بر ابعاد ژئواکونومیکی و حوزه انرژی متمرکز بود، اما با تحولات رخ داده در سطوح مختلف، کره جنوبی کوشیده است تا توسعه مسائل سیاسی و امنیتی را به ابعاد حضور خود در این منطقه بیفزاید. این کشور در دهه اخیر همواره به دنبال گسترش تعاملات اقتصادی خود با کشورهای حوزه خلیج فارس بوده است. در سطح کلان، کره جنوبی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای احیای مذاکرات موافقتنامه تجارت آزاد به توافق رسیدند. در این راستا، طرح «مشارکت استراتژیک ویژه» با امارات متحده عربی و ارتقای سطح روابط به راهبردی، نظامی و امنیتی در سال ۲۰۱۸، امضای سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان و کره جنوبی در اجلاس سران گروه ۲۰ در سال ۲۰۱۶، همکاری‌های هسته‌ای با اردن و امارات متحده عربی و استقرار نیروهای ویژه کره‌ای در امارات متحده عربی از سال ۲۰۱۱ مثالی از این اقدامات است. با در نظر گرفتن روند کنونی تحولات و چالش‌هایی که کره جنوبی در غرب آسیا دارد و نیازهای رو به افزایش این کشور به منابع انرژی، انتظار می‌رود حضور این کشور در این منطقه بیش از پیش گسترش یابد.

دیپلماسی بازرگانی کره جنوبی

کره جنوبی از اواخر دهه ۱۹۵۰ دریافت نمایندگی‌های دیپلماتیک و تأسیس سفارت‌ها و نمایندگی‌های خود در خارج از کشور را آغاز کرد. از این زمان بود که نام کره جنوبی در مجموعه دیتاهای تبادل دیپلماتیک ظاهر شد. نخست، نام کره جنوبی به لحاظ امتیاز درباره اقدامات دیپلماتیک در رده ۵ کشور آخر بود، اما در چند سال کره جنوبی توانست جایگاه خود را ارتقا دهد. در چند دهه اخیر جایگاه کره جنوبی در جهان به طرز زیادی تغییر کرده است؛ به ویژه رهبران کره جنوبی به‌طور عمده‌ای تعداد کشورهایایی را که با آنها روابط دیپلماتیک رسمی دارند، افزایش دادند.

کشورهایی مانند کره جنوبی به‌طور متوسط حدود ۱۴۰ رایزن بازرگانی در کشورهای بازار هدف خود دارند. دیپلماسی بازرگانی در کره جنوبی وابسته به دستگاه‌های مختلفی بوده و اهداف متفاوتی را دنبال کرده است، بنابراین وظایف گوناگونی برای آن متصور است؛ دیپلمات تجاری مروج کسب و کار به دنبال جلب رضایت شرکت‌های تجاری است و حسب درخواست چنین شرکت‌هایی به آنها خدمات مشاوره‌ای ارائه می‌دهد. این افراد از سویی به واسطه دانش تجربی و آگاهی نسبت به فوت و فن عملی کار و از سوی دیگر، به دلیل نزدیکی به مدیران، دارای رویکرد کنشگر هستند و معمولاً خدمات مشاوره را در مقابل دستمزدها انجام می‌دهند. این واحدهای دیپلماتیک عموماً در مراکز تجاری واقع در کشورهای هدف مستقر می‌شوند و شعبه‌هایی از آنها نیز در مناطق صنعتی استقرار می‌یابد. به لحاظ ترتیبات سازمانی، دیپلمات‌های بازرگانی الزامات و موسسات تجاری عمومی یا نیمه خصوصی را نمایندگی می‌کنند. این افراد به لحاظ سلسله مراتب تحت نظر سفارت نیستند و به‌طور مستقل فعالیت می‌کنند. در این ساختارها، سفیر تنها در رفع مشکلات و مسائل سیاسی تجارت کمک می‌کند.

توسعه انرژی تجدیدپذیر در برنامه هفتم توسعه

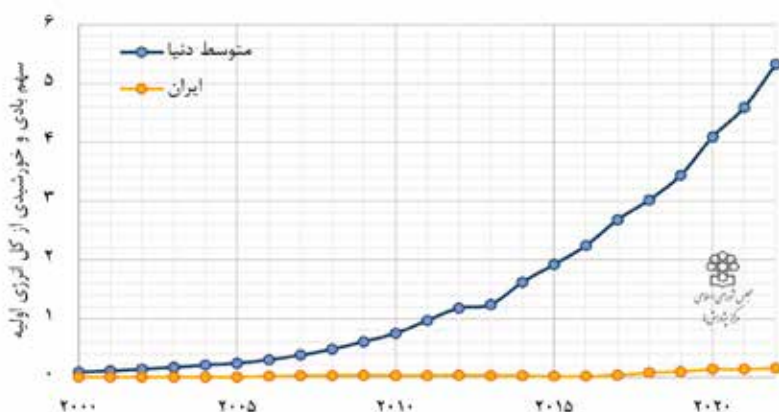
میلادی میزان تقاضای برق ۱/۶ برابر خواهد شد و برق تجدیدپذیر با ۴۳ درصد، بیشترین سهم تولید برق را خواهد داشت. اگرچه اقتصاد معیوب صنعت برق اصلی‌ترین چالش برای افزایش توان تولید برق از منابع تجدیدپذیر است، اما با توجه به شرایط کنونی کشور می‌توان با مجموعه پیشنهادهایی به توسعه برق تجدیدپذیر اقدام نمود. در این گزارش ضمن بررسی وضعیت انرژی تجدیدپذیر در ایران و کشورهای منتخب، مجموعه راهکارهایی طی برنامه هفتم توسعه جهت توسعه برق تجدیدپذیر در ایران تا ۱۰ هزار مگاوات ارائه شده است.

به گزارش روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن این مرکز در گزارشی با عنوان «مسائل راهبردی بخش انرژی در برنامه هفتم توسعه: توسعه انرژی تجدیدپذیر» با اشاره به اینکه بیش از ۸۰ درصد برق تولیدی کشور حرارتی و وابسته به سوخت گاز طبیعی است، بیان می‌کند که این وابستگی باعث شده بروز ناترازی گاز طبیعی منجر به ایجاد چالش در زمینه تامین سوخت نیروگاه‌ها شود. بنابراین محدودیت در افزایش توان تولیدی از یک سو و افزایش میزان مصرف از سوی دیگر، منجر به ناترازی عرضه و تقاضای برق شده است.

در این گزارش مطرح می‌شود که به دلیل نبود تنوع در سبد تولید برق کشور و وابستگی

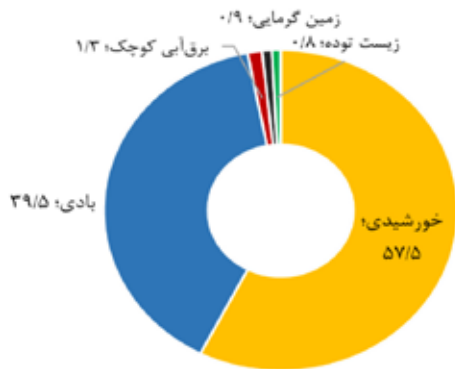
مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی مسائل راهبردی بخش انرژی در برنامه هفتم توسعه را با تاکید بر توسعه انرژی تجدیدپذیر بررسی کرد. میزان ناترازی عرضه و تقاضای برق در سال‌های اخیر حدود ۱۲ هزار مگاوات بوده که با رشد مصرف و محدودیت در افزایش ظرفیت تولید به دلیل عدم دسترسی به منابع مالی لازم و همچنین محدودیت تامین سوخت مورد نیاز در نیروگاه‌های حرارتی تعمیق یافته است. با توجه به وجود پتانسیل قابل توجه کشور در تولید برق از منابع تجدیدپذیر، یکی از راه‌های برون‌رفت از شرایط فعلی استفاده از انرژی تجدیدپذیر است. تنوع بخشی به سبد تولید برق از طریق انرژی تجدیدپذیر علاوه بر کمک به حل ناترازی، امنیت تولید انرژی کشور را افزایش داده و منجر به کاهش آلودگی زیست محیطی و آب مصرفی می‌شود. مطابق برآورد وزارت نیرو، ایران دارای پتانسیل ۱۲۴ هزار مگاوات برق از منابع تجدیدپذیر است که ۷۱ هزار مگاوات آن انرژی خورشیدی و ۴۹ هزار مگاوات آن مربوط به انرژی بادی است. علی‌رغم توجه به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در قوانین و سیاست‌های کشور ۱۲/۸ درصد از برق تولیدی در دنیا از منابع تجدیدپذیر است. براساس آمارهای بین‌المللی تا سال ۲۰۵۰

نمودار ۲. روند تغییرات سهم انرژی خورشیدی و بادی از کل انرژی اولیه در دنیا و ایران



Source: Ourworldindata, "Share of Primary Energy from Wind and Solar", 2022.

نمودار ۱۱. سهم پتانسیل انرژی تجدیدپذیر در کشور به تفکیک نوع (درصد)



مأخذ: گزارش‌های شناسایی سایت‌های پتانسیل و ارزیابی منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و ارزیابی تلفیقی، ساتبا، ۱۳۹۸-۱۴۰۰.

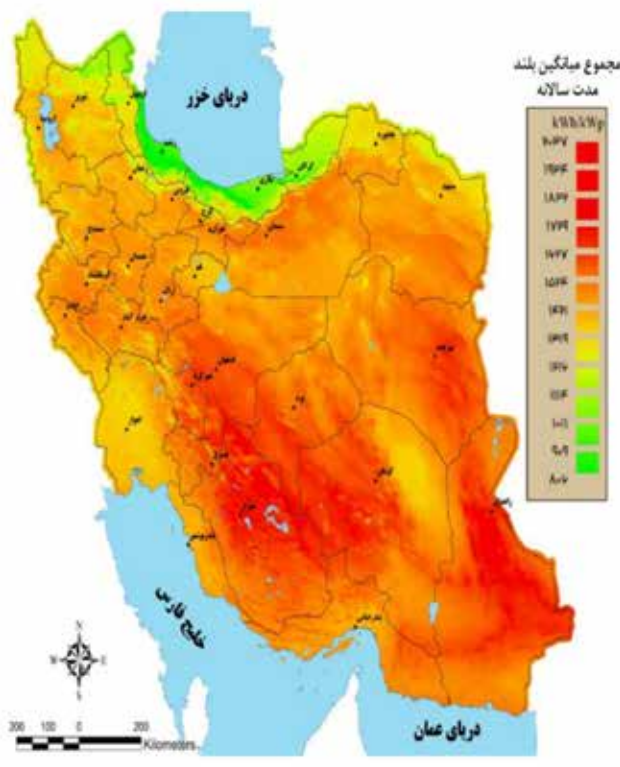
کشورهای آمریکایی نسبت به دیگر کشورها تنوع بیشتری دارد و با وجود اینکه بخش گازی در این کشورها بیشترین سهم را دارد، کشورهایی مانند کانادا و برزیل به دلیل داشتن منابع آب فراوان، این منبع در تولید برق این کشور نقش مهمی دارد. در کشورهای اروپایی نیز به دلیل کمبود منابع گازی، سهم تجدیدپذیر بیشتر می‌شود و به بیش از ۲۰ درصد می‌رسد. در این گزارش بیان می‌شود که در سبد تولید برق کشورهای حوزه خلیج فارس و خاور میانه به دلیل برخورداری از منابع نفت و گاز، سوخت‌های فسیلی در تولید برق سهم بسیار بالایی داشته و به بیش از ۶۰ درصد می‌رسد. در شرق آسیا، کشورهایی مانند چین، استرالیا، هند و اندونزی، سهم زغال سنگ قابل توجه است و بیش از ۵۰ درصد از سبد تولید برق را تشکیل می‌دهد.

بالای آن به گاز و محدودیت تامین سوخت گاز، وضعیت فعلی نمی‌تواند پاسخگوی برق مورد نیاز جهت رشد اقتصادی کشور باشد. لذا تنوع بخشی به سبد تولید برق ضروری و از اولویت‌های کشور است. این گزارش بیان می‌کند که در حال حاضر توان اسمی برق در کشور ۹۰/۹ هزار مگاوات است که با وجود حکم قانونی برنامه ششم توسعه مبنی بر سهم ۵ درصدی (۴/۵ هزار مگاواتی) توان تولید برق تجدیدپذیر، ۱/۱ درصد توان اسمی نیروگاه‌های برق مرتبط با انرژی تجدیدپذیر است. مجموع ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر برای تولید برق در کشور حدود ۱۲۴ گیگاوات برآورد شده است. انرژی خورشیدی با ۷۱ گیگاوات و انرژی بادی با ۴۹ گیگاوات بیش از ۹۷ درصد از کل پتانسیل موجود کشور در این حوزه را به خود اختصاص می‌دهند و به همین دلیل باید در اولویت قرار گیرند. در ادامه این گزارش به منابع در دسترس در سبد تولید برق کشورها اشاره شده و آمده است: سبد تولید برق در

نمودار ۱۲. پتانسیل انرژی خورشیدی و بادی در کشور



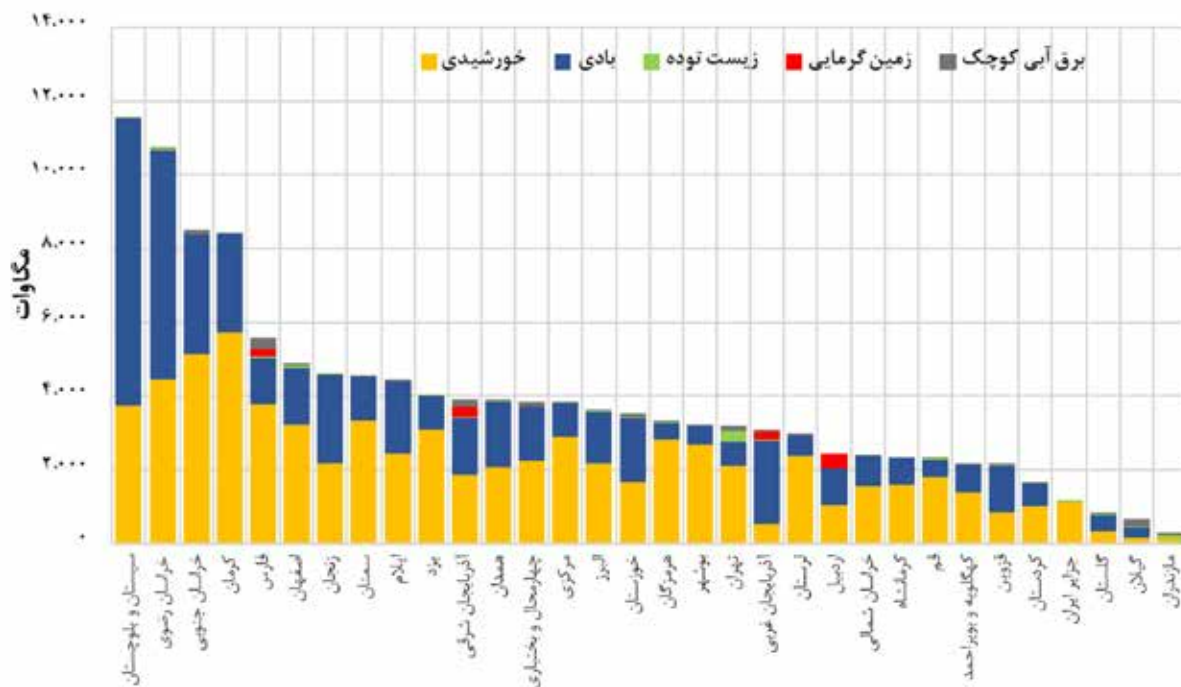
نقشه حرارتی میانگین سالیانه سرعت باد در ارتفاع ۱۰۰ متر



نقشه حرارتی پتانسیل تولید انرژی خورشیدی در کشور

مأخذ: اطلس منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک کشور، ساتبا، ۱۳۹۷.

نمودار ۱۳. پتانسیل انرژی تجدیدپذیر به تفکیک استان در ایران



مأخذ: گزارش‌های شناسایی سایت‌های پیتانسیل و ارزیابی منابع انرژی‌های تجدیدپذیر و ارزیابی تلفیقی، ساتبا، ۱۳۹۸-۱۴۰۰.

از کارخانه‌های سیمان در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی و خراسان جنوبی قرار دارد، اما ظرفیت این استان‌ها برای استفاده از منابع تجدیدپذیر بسیار بالاست و می‌توان از این ظرفیت استفاده کرد. از سوی دیگر با توجه به ظرفیت بالای تولید برق تجدیدپذیر خورشیدی و بادی در سه استان مرزی خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان و نیاز کشورهای همجوار در مرز شرقی کشور به برق، با توسعه برق تجدیدپذیر در شرق کشور، تقاضای مناسبی جهت دریافت برق به وجود خواهد آمد. در ادامه این گزارش اشاره شده است: مهم‌ترین مشکل در اجرا نشدن ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید، نبود تضمین در تسویه بازپرداخت سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در این زمینه است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در این راستا پیشنهاد می‌دهد که با هدف تضمین تسویه گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی در پروژه‌های مصوب شورای اقتصاد، مبتنی بر ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، صندوق بهینه‌سازی مصرف انرژی تأسیس شود و با استفاده از این صندوق، تسویه گواهی‌ها در بازار بهینه‌سازی مصرف انرژی تضمین شده و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر توسعه می‌یابد. این گزارش یکی از مشوق‌های اصلی در توسعه برق تجدیدپذیر را فراهم‌سازی امکان صادرات این برق عنوان و بیان می‌کند که ظرفیت تجدیدپذیر در استان‌های شرقی کشور بسیار بالاست و امکان صادرات آن به کشورهای همسایه وجود دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود در طول برنامه هفتم توسعه، امکان صادرات حداقل ۵۰ درصد ظرفیت تولید نیروگاه‌های تجدیدپذیر در زمان غیر اوج فراهم شود و اگر اجازه صادرات این ظرفیت داده نشد، وزارت نیرو موظف شود معادل ریالی برق صادر نشده را با متوسط نرخ صادراتی برق خریداری کند. پیشنهاد دیگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی این است که به دلیل تعرفه پایین سوخت نیروگاه‌های حرارتی در کشور، به لحاظ اقتصادی امکان رقابت نیروگاه‌های تجدیدپذیر با سایر نیروگاه‌ها وجود ندارد. با توجه به ماده (۱۰) قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق پیشنهاد می‌شود با حذف تدریجی قیمت‌گذاری در زنجیره تولید تا مصرف برق و ارائه یارانه مستقیم به جامعه هدف، علاوه بر تشویق به بهره‌ور شدن زنجیره تولید، تولید برق تجدیدپذیر رقابتی شود.

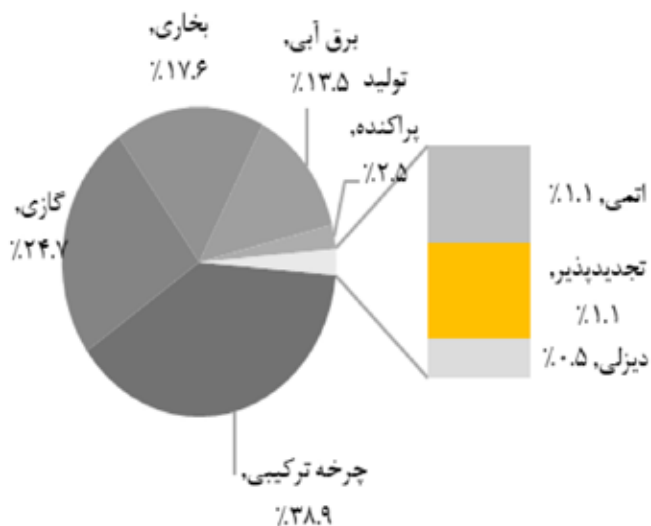
مرکز پژوهش‌های مجلس در ادامه این گزارش پیشنهاد می‌کند در کنار تکلیف ماده (۱۶)

این گزارش تاکید می‌کند که اکثر کشورهای توسعه یافته در حال تغییر سیاست و افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در تولید برق هستند؛ به نحوی که براساس برآوردهای بین‌المللی، با افزایش میزان تولید برق تا سال ۲۰۵۰ میلادی به ۱/۶ برابر و سهم تولید برق از منابع تجدیدپذیر به ۴۳ درصد می‌رسد.

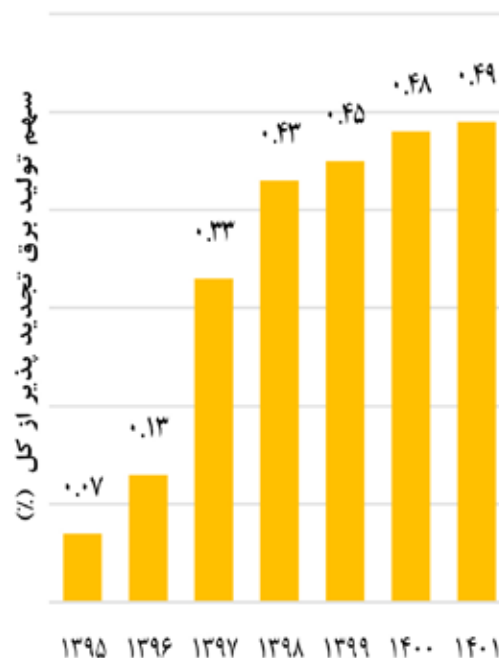
در ادامه این گزارش به ظرفیت‌های تولید برق از منابع تجدیدپذیر در کشورمان پرداخته و بیان می‌شود که در ایران به لحاظ توزیع جغرافیایی، ظرفیت استفاده از این منابع در استان‌های شرقی و جنوب شرقی نسبت به سایر استان‌ها بیشتر است.

این گزارش توضیح می‌دهد که در مجموع استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی و کرمان پتانسیل ۴۰ هزار مگاواتی توان تولید برق از محل انرژی‌های تجدیدپذیر خورشید و بادی را دارند. استان کرمان بیشترین ظرفیت خورشیدی و استان سیستان و بلوچستان بیشترین ظرفیت انرژی بادی را دارد. این گزارش ادامه می‌دهد: توزیع جغرافیایی صنایع، متناسب با ظرفیت تجدیدپذیر در کشور نیست. به عنوان مثال تنها ۱۳ درصد

نمودار ۱۴. وضعیت انرژی تجدیدپذیر در کشور



(ب) سهم از ظرفیت کل برق (%)



(الف) سهم تجدیدپذیر از تولید برق (درصد)

مأخذ: آمار ماهیانه وزارت نیرو، اسفند ۱۴۰۱

تقاضای احداث سایر بخش‌های مصرف برق کمک کنند.

وضعیت انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران

یکی از پیش‌نیازهای حرکت به سمت تنوع بخشی سبد تولید برق، بررسی منابع در دسترس جهت استفاده است. در حال حاضر گزینه‌های موجود جهت تنوع بخشی به سبد تولید برق شامل افزایش ظرفیت تجدیدپذیر، استفاده از نیروگاه‌های هسته‌ای، زغال سنگ و... است. در ادامه پتانسیل کشور در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

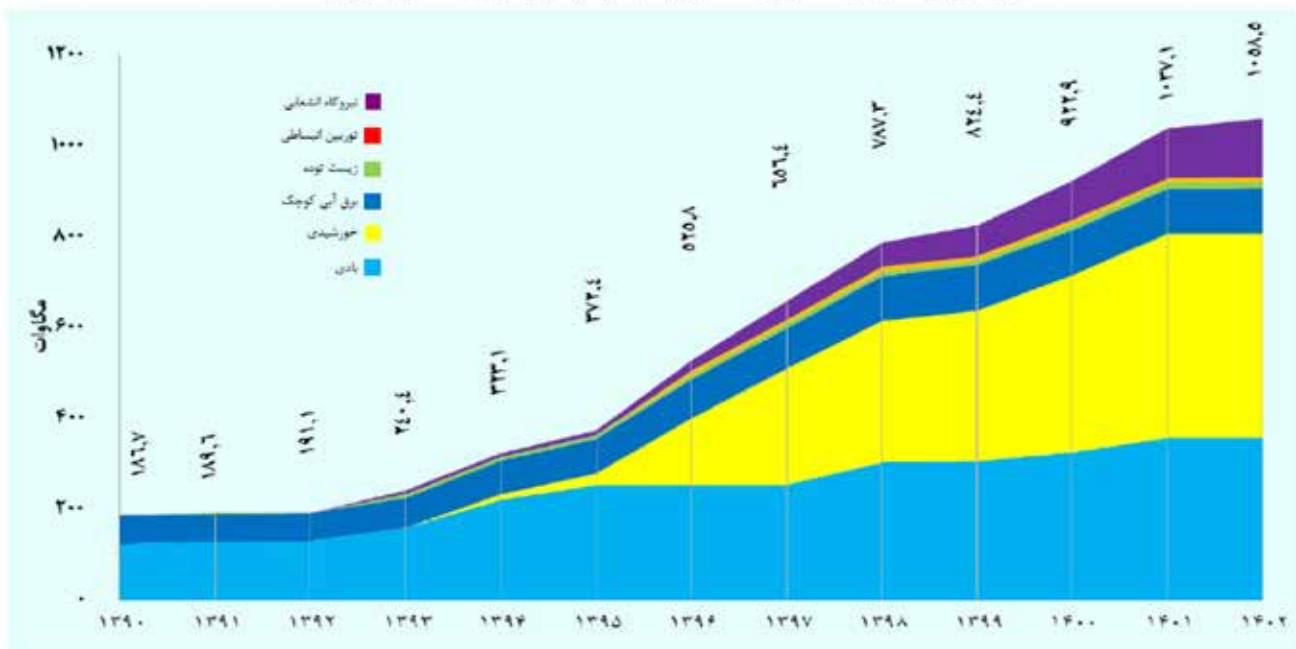
ظرفیت انرژی تجدیدپذیر در کشور

مجموع پتانسیل توان انرژی تجدیدپذیر شامل انرژی خورشیدی، بادی، برقابی کوچک، زیست توده و زمین گرمایی در کشور معادل ۱۲۴ هزار مگاوات برآورد می‌شود. از این رو انرژی خورشیدی با ۷۱ و انرژی بادی با ۴۹ هزار مگاوات بیش از ۹۷ درصد از کل پتانسیل موجود کشور در تولید برق تجدیدپذیر را به خود اختصاص می‌دهند (نمودار ۱۱). از این رو تمرکز بر توسعه نیروگاه‌های انرژی خورشیدی و بادی دارای اولویت بالاتری است. سایر حوزه‌های تجدیدپذیر مانند برقابی کوچک، زیست توده و زمین گرمایی نیز با سهم کمتر از ۳ درصد، دارای حدود ۴ هزار مگاوات پتانسیل هستند. استفاده از ظرفیت انرژی خورشیدی و بادی وابسته به موقعیت مکانی است و به همین دلیل کل پتانسیل ۱۲۴ هزار مگاوات ذکر شده را نمی‌توان به تمامی مناطق کشور تعمیم داد. جهت بررسی دقیق تر این پتانسیل، باید موقعیت

قانون جهش تولید دانش بنیان مبنی بر تامین ۵ درصد برق صنایع از محل انرژی تجدیدپذیر، در برنامه هفتم توسعه نیز ۵ درصد از برق مشترکان اداری با برق تجدیدپذیر تامین شود. برآورد می‌شود از این طریق، ظرفیت به میزان حدود هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر در طول برنامه هفتم توسعه در کشور ایجاد شود.

آخرین پیشنهاد مطرح شده در این گزارش این است: با توجه به تکلیف قانونی خودتامینی برق صنایع مبنی بر ماده (۴) قانون مانع زدایی از توسعه صنعت برق و ایجاد ظرفیت احداث نیروگاه تجدیدپذیر برای تمامی بخش‌ها، پیشنهاد می‌شود که امکان پیش فروش گواهی ظرفیت تجدیدپذیرها در بورس انرژی ایجاد شود تا شرکت‌های تخصصی دارای مجوز احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر با عرضه سهم‌های خرد، به

نمودار ۱۵. ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر در ۱۰ سال اخیر



مأخذ: گزارش آماری ماهیانه، خرداد ۱۴۰۲، ساتبا، وزارت نیرو.

را دارند. همچنین در استان‌های فارس، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی و اردبیل، پتانسیل استفاده از انرژی زمین گرمایی وجود دارد. بیشترین ظرفیت استفاده از زیست توده نیز به استان تهران مربوط می‌شود (نمودار ۱۳). استان‌های شمالی کشور نیز به دلیل شرایط جغرافیایی، کمترین پتانسیل برای توسعه ظرفیت تجدیدپذیر را دارا هستند. بالا بودن پتانسیل انرژی‌های تجدیدپذیر در استان‌های نوار مرزی شرق ایران، می‌تواند فرصت بسیار خوبی برای صادرات برق به کشورهای مجاور باشد که منجر به افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری در توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و بادی در این استان‌ها و در نهایت تنوع بخشی به سبد تولید برق خواهد شد.

عملکرد توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران

با وجود ضرورت متنوع سازی سبد تولید انرژی برق کشور به دلیل ملاحظات تامین سوخت گاز، امنیت انرژی و مباحث محیط زیستی و لزوم حرکت به سمت خودروهای برقی و در کنار آنها تکالیف قانونی مانند ماده (۵۰) قانون برنامه پنج ساله ششم تا پایان خرداد ۱۴۰۲ مجموع ظرفیت نصب شده برق تجدیدپذیر کشور برابر با ۱۰۵۸/۰ مگاوات بوده که معادل ۱/۱۳ درصد از کل ظرفیت نصب شده کشور است و دارای اختلاف زیادی با اهداف کمی برنامه است. اگرچه میزان انرژی برق تولیدی از محل انرژی‌های تجدیدپذیر در طول برنامه ششم توسعه افزایش داشته (نمودار ۱۴-الف) و در سال ۱۴۰۱ به ۱۷۶۴ میلیون کیلووات رسیده، اما تنها حدود ۰/۵ درصد از کل تولید برق کشور را تشکیل می‌دهد.

بررسی توان تولید برق تجدیدپذیر در ۱۰ سال اخیر نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۵ با ورود نیروگاه‌های خورشیدی توان تولید برق تجدیدپذیر با نرخ بیشتری رشد داشته به نحوی که کل توان تجدیدپذیر از ۳۷۲ مگاوات در سال ۱۳۹۵ به ۱۰۵۸ مگاوات در خرداد ۱۴۰۲ رسیده است. افزایش سهم توان خورشیدی نشان دهنده توجه سرمایه گذاران به آن است که البته این تمایل در سرتاسر جهان نیز مشاهده می‌شود. عدم توسعه انرژی زمین گرمایی در ایران و سایر کشورهای جهان به دلیل هزینه‌های بالای سرمایه گذاری بابت اکتشاف و حفاری‌های پرهزینه است. در حالی که رقابتی نظیر انرژی خورشیدی و بادی، همان انرژی را با هزینه‌های به نسبت کمتر می‌دهند. در مورد علل عدم توسعه نیروگاه‌های برقابی کوچک نیز می‌توان به نیاز به سرمایه گذاری بالا، وابستگی به بارش سالیانه باران و محدودیت‌های مکانی اشاره کرد،

مکانی به تفکیک نوع انرژی خورشیدی و بادی مدنظر قرار گیرد. نمودار ۱۲ میانگین سالانه سرعت باد را در ارتفاع ۱۰۰ متر نشان می‌دهد. قابل توجه است که برای میانگین سرعت‌های مختلف، از کلاس‌های مختلف توربین بادی استفاده می‌شود و عموماً برای سرعت‌های کمتر از ۶ متر بر ثانیه نصب توربین‌های بادی توجیه اقتصادی ندارد. به همین دلیل استان‌های شرق و جنوب شرقی کشور دارای پتانسیل انرژی بادی بیشتری هستند. این مسأله برای انرژی خورشیدی نیز با توجه به داده‌های بلندمدت مدنظر قرار گرفته است. توزیع مکانی پتانسیل انرژی خورشیدی نسبت به بادی از وضعیت بهتری برخوردار است. استان‌های شرقی، مرکزی و جنوب شرقی دارای بیشترین پتانسیل در این زمینه هستند.

بررسی استانی پتانسیل انرژی‌های تجدیدپذیر کشور نشان می‌دهد که استان‌های شرقی و جنوب شرقی مانند سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی همچنین استان کرمان دارای پتانسیل ۴۰ هزار مگاواتی انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی و بادی هستند. استان کرمان بیشترین پتانسیل خورشیدی و استان سیستان و بلوچستان بیشترین پتانسیل بادی



پایین سوخت تحویلی به نیروگاه‌های حرارتی، عمل‌انبروگاه‌های تجدیدپذیر به لحاظ صرفه اقتصادی، امکان رقابت با نیروگاه‌های حرارتی را ندارند. در سال ۱۴۰۱ تعرفه گاز نیروگاه‌های حرارتی به صورت متوسط برابر با ۹۳۶ تومان به ازای هر کیلووات ساعت لحاظ شد. همچنین نیروگاه‌های تجدیدپذیر نسبت به نیروگاه‌های حرارتی به سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز دارند و تامین سرمایه اولیه آن با توجه به جذابیت پایین سرمایه‌گذاری با مشکل روبه‌رو بوده است.

از سوی دیگر، صنعت علاوه بر مشکل تامین برق، با مساله ناترازی اقتصادی مواجه شده است. مطابق ماده (۶) قانون حمایت از صنعت برق، سازمان برنامه و بودجه کشور باید اعتبار لازم جهت پرداخت مابه‌التفاوت قیمت فروش تکلیفی انرژی برق با قیمت تمام‌شده را به وزارت نیرو پرداخت کند. در سال ۱۴۰۱ متوسط بهای تمام‌شده هر کیلووات ساعت برق کشور برابر ۳۲۶۶ ریال و متوسط قیمت تکلیفی فروش هر کیلووات ساعت برق معادل ۲۳۷۶ ریال بوده است. از این رو براساس اعلام وزارت نیرو، میزان مطالبات این وزارتخانه از دولت بابت مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت تکلیفی برق بالغ بر ۱۱۴ هزار میلیارد تومان بوده است؛ این در حالی است که میزان مطالبات این وزارتخانه از دولت در سال ۱۳۹۹ حدود ۷۸ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شد و نشان از افزایش سالانه طلب صنعت برق از دولت دارد. طلب صنعت برق از دولت منجر به ناتوانی این صنعت در پرداخت هزینه خرید برق از نیروگاه‌های بخش خصوصی، عدم امکان سرمایه‌گذاری در توسعه و بهبود تولید و شبکه انتقال و توزیع شده است. براساس آخرین آمار موجود در سال ۱۴۰۰، بدهی صنعت برق حدود ۸۴ هزار میلیارد تومان بوده که بخش عمده آن مربوط به تولیدکنندگان برق بوده است.

ناترازی تامین برق و ناترازی اقتصادی‌ای که کشور در حال حاضر با آن روبه‌رو است، در یک حلقه بسته بر یکدیگر اثر گذارند و باعث تشدید یکدیگر می‌شوند. این مساله از دو منظر باعث می‌شود تا افزایش ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر به کندی اتفاق بیفتد. به دلیل ناترازی اقتصادی، توان مالی این صنعت برای حمایت از طرح‌های حمایتی و تشویقی تجدیدپذیر کاهش می‌یابد و از سوی دیگر به دلیل ناترازی در تامین برق، عمده تمرکز دولت بر طرح‌های زودبازده با کمترین هزینه و بیشترین توان تولیدی است. هر دوی این عوامل باعث می‌شود تا اعمال اهداف کمی با برنامه دارای اختلاف فراوانی باشد. از این رو یکی از نکات مهمی که حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر را تسهیل می‌کند، بهبود وضعیت ناترازی اقتصادی و انرژی در صنعت برق است. در کنار آن باید مجموعه‌ای از راهکارهایی که باعث توسعه، سرمایه‌گذاری و احداث در انرژی تجدیدپذیر می‌شود، انجام شود.

به همین دلیل توان اسمی این نیروگاه‌ها در طول سال‌های اخیر ثابت بوده است (نمودار ۱۵).

از منظر محیط‌زیستی در سال ۱۴۰۱ با تولید ۱۷۶۴ میلیون کیلووات ساعت برق تجدیدپذیر، از انتشار ۹۸۲ هزار تن گاز گلخانه‌ای جلوگیری شده است. این مساله باعث شده تا مصرف گاز به میزان حدود ۴۷۵ میلیون مترمکعب کاهش یابد. یکی دیگر از نکاتی که باید به آن توجه کرد، کاهش مصرف آب به واسطه نیروگاه‌های تجدیدپذیر است. در سال ۱۴۰۱ با توجه به میزان تولید برق ذکر شده، حدود ۳۹۱ میلیون لیتر آب نیز نسبت به نیروگاه‌های حرارتی صرفه جویی شده است. بدیهی است با افزایش سهم نیروگاه‌های تجدیدپذیر، میزان تولید آلاینده کاهش یافته و میزان صرفه جویی در سوخت و آب افزایش بیشتری خواهد داشت. گفتنی است انرژی تجدیدپذیر دارای برخی ملاحظات محیط‌زیستی است و اعداد اشاره شده در مقایسه با تولید برق حرارتی بوده است.

آسیب‌شناسی عدم توسعه انرژی تجدیدپذیر در ایران

بررسی قوانین موجود در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر نشان می‌دهد که کشور در حوزه قانون‌گذاری با سه رویکرد خرید تضمینی، ارائه تسهیلات و هدف‌گذاری کمی سعی داشته به توسعه آن در کشور کمک کند. تمامی این موارد نتوانسته وضعیت انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور را بهبود بخشد و شرایط فعلی اختلاف زیادی با اهداف کمی و برنامه‌های کشور دارد. از جمله مشکلات موجود در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، کمبود منابع مالی و عدم امکان رقابت این نیروگاه‌ها با سایر نیروگاه‌ها با توجه به نرخ پایین سوخت در نیروگاه‌های حرارتی است. تنها منبع مطمئن و پایدار وزارت نیرو برای پرداخت هزینه خرید تضمینی برق تجدیدپذیر، عوارض موضوع ماده (۵) قانون حمایت از صنعت برق بوده که با توجه به نوسانات ارزی و به تبع آن، افزایش هزینه تمام‌شده برق تجدیدپذیر، کفاف هزینه خرید تضمینی برق از ظرفیت‌های موجود را نیز نمی‌کند. همچنین با توجه به قیمت



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

ایران؛ رتبه ۱۰ در میان تولیدکنندگان برتر فولاد جهان

سهم تولیدکنندگان برتر فولاد خام جهان
از کل تولید این محصول در سال ۲۰۲۲

۳۰.۶ میلیون تن؛

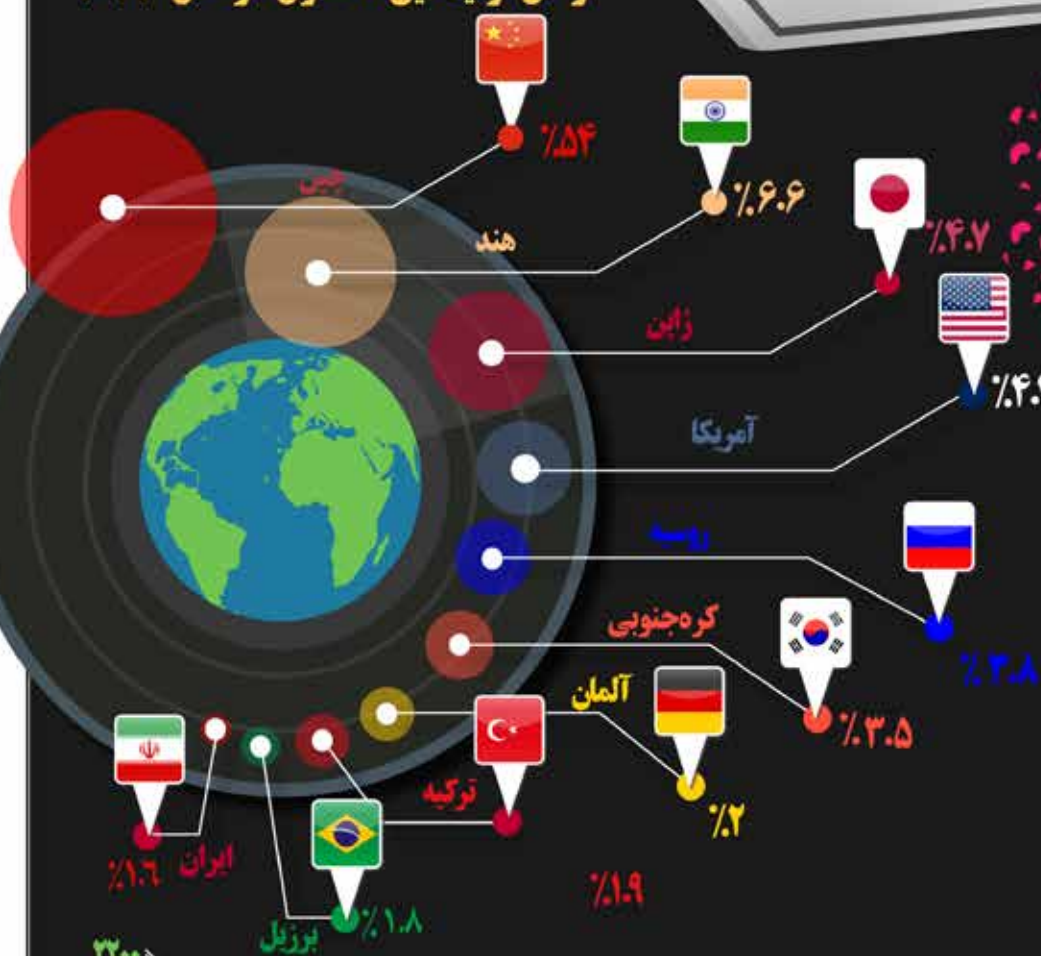
تولید فولاد خام ایران
در سال ۲۰۲۲

مهسا رجایی نژاد

شهریور ۱۴۰۲

منبع داده‌ها:

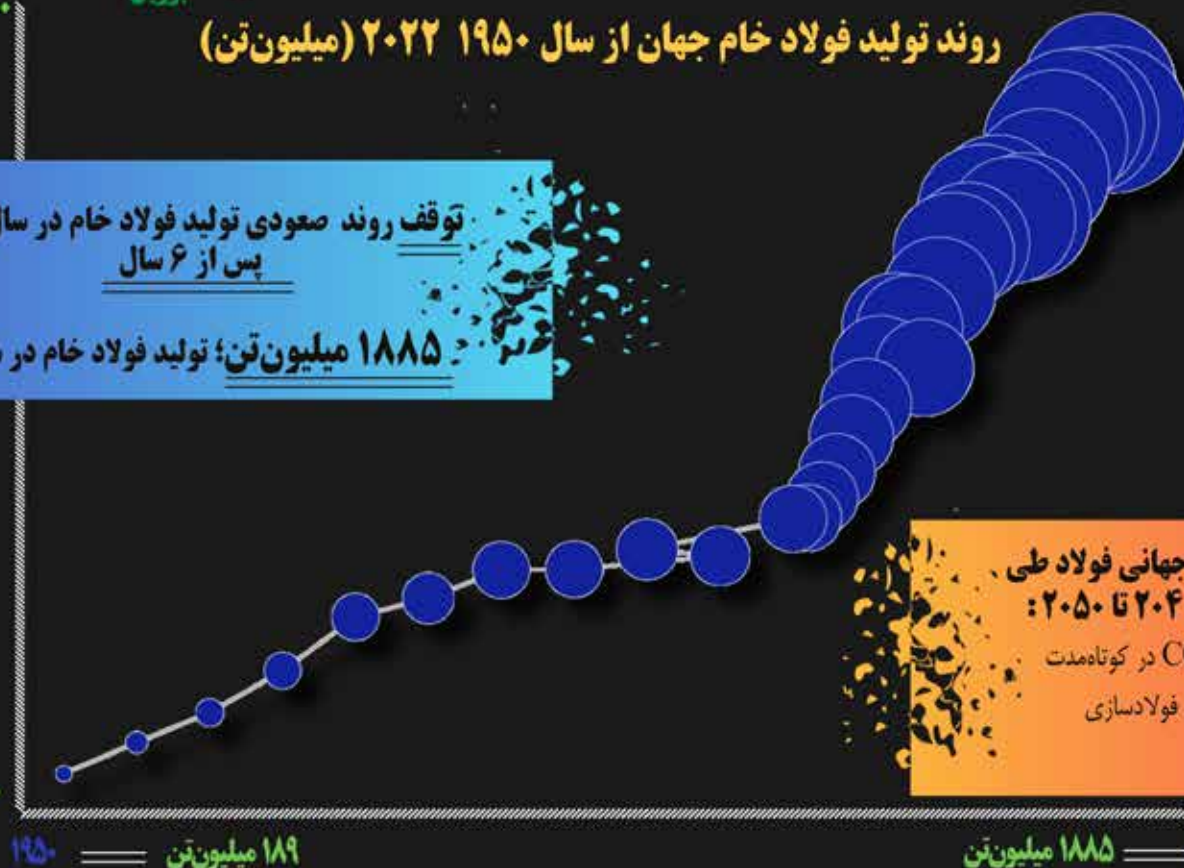
مجمع جهانی فولاد



روند تولید فولاد خام جهان از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۲ (میلیون تن)

توقف روند صعودی تولید فولاد خام در سال ۲۰۲۲
پس از ۶ سال

۱۸۸۵ میلیون تن؛ تولید فولاد خام در سال ۲۰۲۲



هدف مجمع جهانی فولاد طی
سال‌های ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰:

- کاهش انتشار CO2 در کوتاه‌مدت
- توسعه فناوری‌های فولادسازی



معاونت بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران در گزارشی بررسی کرد

زنجیره های ارزش منطقه ای و توسعه تجارت

در حوزه هایی نظیر اقتصاد کلان و مدیریت مالی، پشتیبانی تجارت و سیاست های صنعتی شامل شود. درک این نکته ضروری است که مزایا و هزینه های یکپارچه سازی تجارتی، با سایر عناصر یک اقتصاد سالم مانند ساختار سرمایه، زیرساخت کیفی، عمق مالی و نوآوری های تکنولوژیکی مرتبط است. به عبارت دیگر، تجارت بین المللی، از جمله تجارت منطقه ای، نباید به عنوان یک هدف نهایی، بلکه باید به عنوان ابزاری برای تقویت تنوع، صنعتی سازی و بهبود کلی در نوآوری و بهره وری در نظر گرفته شود.

پژوهش های اخیر به دنبال کشف ارتباطات معنادار بین تجارت درون منطقه ای و تحقق گسترده تر اهداف توسعه هستند. رویکردی «ساختارگرا» معتقد است که احتمال تاثیر مثبت تجارت، زمانی که به صورت درون منطقه ای انجام شود، به دلیل مزایای مجاورت، بیشتر است. علاوه بر این، کشورهای هر منطقه، اغلب از نظر شرایط توسعه اولیه خود به یکدیگر نزدیک تر بوده و منافع مشترک بیشتری را از تجارت به دست می آورند. هنگامی که ساختار اقتصادی شرکای تجارتی مشابه بوده، سود حاصل از تجارت عمدتاً از «صرفه مقیاس» و «تاثیرات یادگیری» ناشی می شود، نه از «مزیت های نسبی» که منعکس کننده تفاوت های آشکار در فناوری یا مواهب نسبی است. افزایش

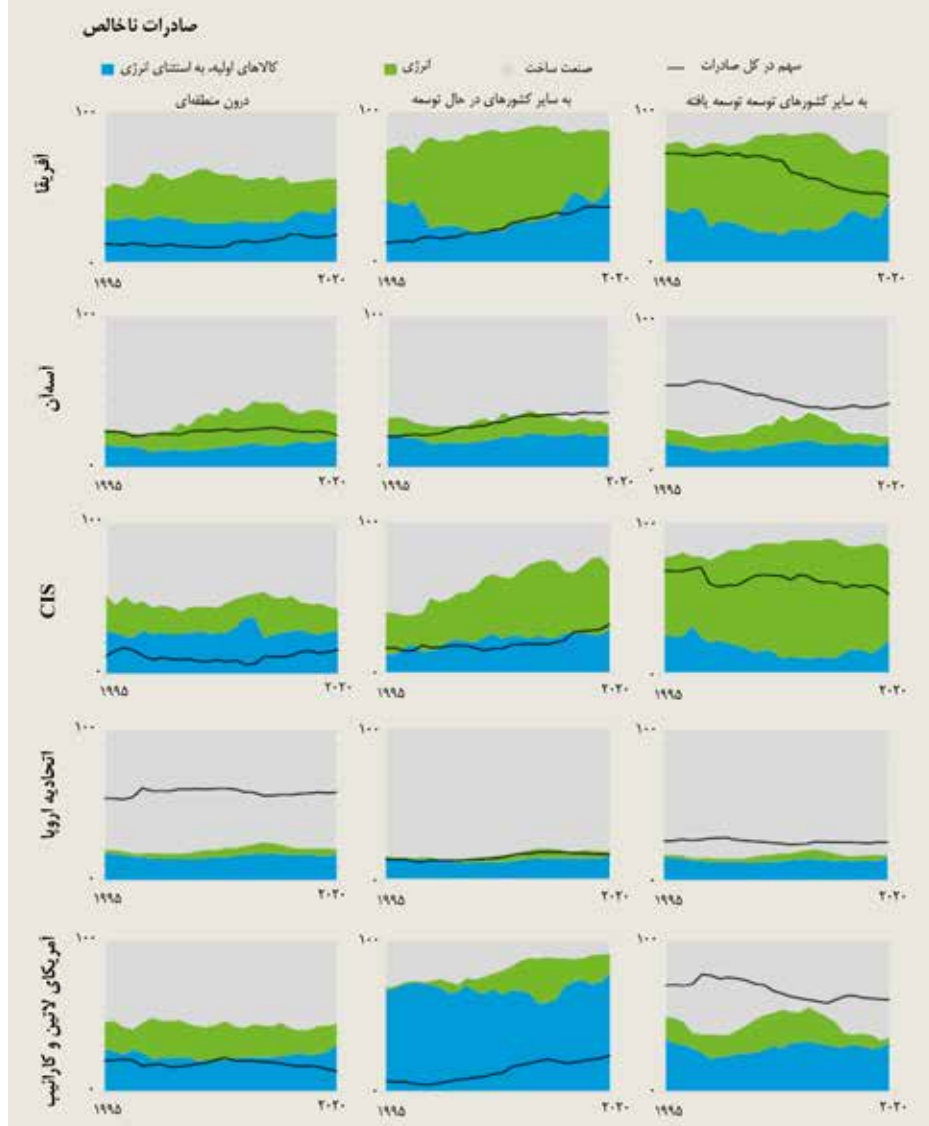
ادغام منطقه ای معمولاً با تمرکز بر تجارت انجام می شود، به طوری که هدف اصلی، کاهش موانع تجاری است. این دیدگاه اغلب بر تاثیرات موافقت نامه های تجارت آزاد برای ایجاد الگوهای تجاری جدید و تغییر جریان های تجاری تاکید می کند. با این حال، این گزارش با در نظر گرفتن تجارت، به عنوان ابزاری برای توسعه و نه یک هدف نهایی، دیدگاه متفاوتی را اتخاذ کرده است و مشخصاً اثرات توسعه ای تجارت منطقه ای و توافق نامه های تجاری بر مدیریت تغییرات بخشی جهت تقویت تنوع اقتصادی و ارتقای رشد بهره وری را مورد بررسی قرار می دهد.

این گزارش در کنار پرداختن به رابطه پیچیده بین منطقه بندی، به روشن کردن تاثیرات دگرگون کننده تجارت درون منطقه ای می پردازد و نشان می دهد که تجارت درون منطقه ای نه تنها منجر به افزایش تنوع می شود، بلکه نسبت بیشتری از ارزش افزوده داخلی را در مقایسه با کل تجارت ایجاد می کند. این گزارش با تاکید بر نیاز به رویکردی جامع، استدلال می کند که منطقه گرایی باید در استراتژی جامعی گنجانده شود که یکپارچگی و همکاری منطقه ای را در حوزه های مختلف غیر تجاری ترویج کند. این رویکرد که به عنوان «منطقه گرایی توسعه طلبانه باز» شناخته می شود، از تنظیم قوانین رسمی برای تمرکز بر اقدامات مرزی و در عین حال تشویق همکاری غیر رسمی در سیاست های پشت مرزی حمایت می کند. شایان ذکر است، این استراتژی همچنین پتانسیل ایجاد تحول ساختاری و حمایت از توسعه پایدار را دارد. با پرداختن به چالش های معاصر، این گزارش به بررسی این موضوع که چگونه ترتیبات منطقه ای، پیچیدگی های ناشی از اقتصاد دیجیتال و تغییرات آب و هوایی را هدایت می کنند و آیا منطقه گرایی می تواند به عنوان یک کاتالیزور برای احیای چندجانبه گرایی به جای کمک به یک سیستم تجاری بین المللی آسیب دیده عمل کند یا خیر، می پردازد. این گزارش همچنین با تاکید بر اهمیت رویکرد سازنده و مشارکتی به چندجانبه گرایی، تاکید می کند که منطقه گرایی توسعه طلبانه باز می تواند به عنوان ابزاری قدرتمند دامنه شمول رژیم تجارت چندجانبه را توسعه بخشد. این امر به ویژه در حوزه های نوظهور و به سرعت در حال تکامل مانند اقتصاد دیجیتال و تغییرات اقلیم قابل تحقق است.

الگوهای اخیر در تجارت منطقه ای: تاثیرات توسعه ای منطقه گرایی

تجارت قطعه کلیدی پازل تحقق استراتژی های توسعه ملی است، مخصوصاً اگر رویکردهای سیاستی، محصور به آزادسازی سریع تجاری نبوده و رویکردی استراتژیک تر و منسجم تر را

نمودار ۱. ترکیب صادرات کالا، گروه‌ها و اجزای کشورهای منتخب، ۱۹۹۵-۲۰۲۰ (درصد)



گرفتن سه نوع شریک تجاری از سال ۱۹۹۵ بررسی کرده که هر دو تجارت کالا و خدمات رادر بر می گیرد. هدف این گزارش تاکید بر این مساله است که مزایای تجارت در توسعه اقتصادی رانمی توان به سادگی با ارزش کلی صادرات ارزیابی کرد، بلکه می توان باتوانایی یک کشور در افزایش تولید (که منجر به سهم بالاتری از صادرات می شود) در محصولات یا خدمات مرتبط، افزایش بهره‌وری، رشد درآمد، و در نهایت، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

در تحلیل تجربی اولیه، در این گزارش به ترکیب صادرات کالاهای درون منطقه‌ای پرداخته می شود و ارزیابی مقایسه‌ای با دو نوع تجارت فرامنطقه‌ای صورت می گیرد: صادرات به سایر کشورهای در حال توسعه و صادرات به کشورهای توسعه یافته. این تجزیه و تحلیل شامل پنج گروه کشور مجزای می شود که هر کدام نماینده مناطق مختلف در جهان هستند. این گروه‌ها عبارتند از: «آفریقا»، «انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن)»، «کشورهای مشترک المنافع مستقل»، «آمریکای لاتین و کارائیب». علاوه بر این، در این گزارش اتحادیه اروپا به دلیل اقتصادهای پیشرفته موجود در آن و تجربه گسترده آنها در یکپارچگی منطقه‌ای، به عنوان معیار در نظر گرفته شده است.

شایان ذکر است گنجاندن اتحادیه اروپا به عنوان یک معیار نشان‌دهنده الزام تکرار تجربه این منطقه توسط کشورهای در حال توسعه نیست، زیرا فرآیند منحصر به فرد اتحادیه اروپا با

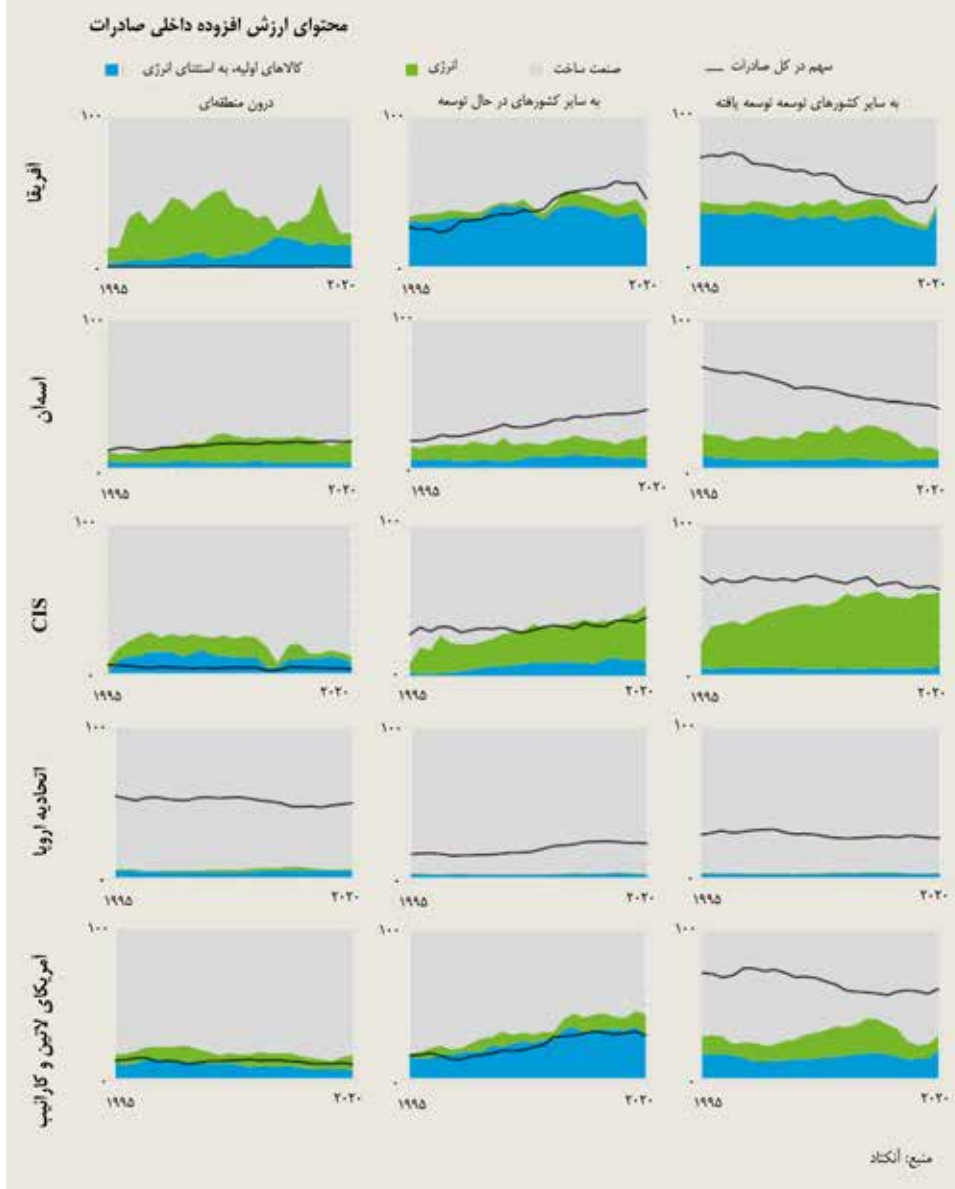
تجارت می تواند از اثرات ناشی از تجارت مبتنی بر مزیت نسبی، مانند اتکای قوی به مواد خام یا نیروی کار کم مهارت، جلوگیری کند و پتانسیل ارتقای تنوع صادرات و تسریع توسعه صنعتی را داشته باشد.

از منظر تقاضا، سود حاصل از تجارت، زمانی که ناشی از تجارت درون منطقه‌ای باشد، بیشتر از تجارت برون منطقه‌ای در داخل یک منطقه حفظ می شود زیرا تجارت سازمان یافته، حول زنجیره‌های تامین بین‌المللی، بیشتر مستعد بازگرداندن سود به بنگاه‌های چندملیتی خارجی است.

استدلال دیگر، از اقتصاد سیاسی و قراردادهای تجاری ناشی می شود. پیچیدگی‌ها و چالش‌های قواعد تجاری در موافقتنامه‌های بین دو یا چند کشور در مناطق در حال توسعه، اغلب کمتر از چالش‌ها در توافقات مشابه بین کشورهای با عدم توازن سطح توسعه (کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته) است. این ریسک که عدم تقارن قدرت می تواند منجر به تنگنای سیاست ملی برای کشورهای در حال توسعه امضاکننده موافقتنامه‌های تجاری شود، احتمالاً زمانی کمتر است که چنین توافقاتی به صورت درون منطقه‌ای انجام شود.

در نهایت، از دیدگاه زنجیره تامین، ادغام کشورها در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای، پتانسیل افزایش شبکه‌های صنعتی را دارد که شامل انتقال از یک ساختار ساده به یک ساختار پیچیده‌تر است. این موضوع به وضوح در برخی کشورهای آسیای شرقی قابل مشاهده است. یکی از استدلال‌های رایج در این زمینه این است که براساس تجربیات کشورهایی مانند کره جنوبی و تایوان، پیوستن به یک زنجیره تامین تاسیس شده، به خصوص اگر از نظر جغرافیایی نزدیک باشد، آسان‌تر از ساختن یک زنجیره تامین داخلی از پایه بوده است، با وجود ملاحظات نظری ذکر شده، تعیین اینکه آیا تجارت درون منطقه‌ای در مقایسه با تجارت برون منطقه‌ای برای توسعه مطلوب‌تر است یا خیر، مستلزم بررسی تجربی است. بخش بعدی به انجام چنین تحلیلی اختصاص دارد و ترکیب و تغییرات صادرات در میان گروه‌های منطقه‌ای مختلف را با در نظر

نمودار ۱. ترکیب صادرات کالا، گروه‌ها و اجزای کشورهای منتخب، ۱۹۹۵-۲۰۲۰ (درصد)



تحلیل، هم صادرات ناخالص و هم جریان‌های تجاری را در نظر می‌گیرد. یافته‌های هر دو منبع همسو هستند و نشان می‌دهند که اتحادیه اروپا و آسه‌آن سهم بیشتری از صادرات صنعت ساخت را نسبت به کل صادرات خود دارند. این موضوع در اتحادیه اروپا نشان‌دهنده بلوغ اقتصادهای این منطقه است. این داده‌ها نسبت بیشتری از صادرات صنعت ساخت را در مقایسه با صادرات ناخالص نشان می‌دهد که عمدتاً به دلیل است که کالاهای اولیه اغلب مشمول صادرات مجدد می‌شوند. این امر محدودیت‌های استفاده از صادرات ناخالص را به عنوان معیاری برای ظرفیت تولید برجسته می‌کند و بر ارزش داده‌ها تأکید می‌کند. هنگام بررسی داده‌های اتحادیه اروپا، مقایسه این دو نوع اطلاعات الگوی ثابتی را در افزایش صادرات به کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. علاوه بر این، سهم صادرات کالا در صادرات ناخالص از اواخر دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۱۰ افزایش یافت؛ روندی که در داده‌ها هرچند به میزان کمتر، مشهود است. این الگوهای مشابه نشان می‌دهند که داده‌های صادرات ناخالص را می‌توان زمانی در نظر گرفت که پوشش محدودتر است، به ویژه هنگام تجزیه و تحلیل تغییرات در نسبت سهم به جای سطوح مطلق.

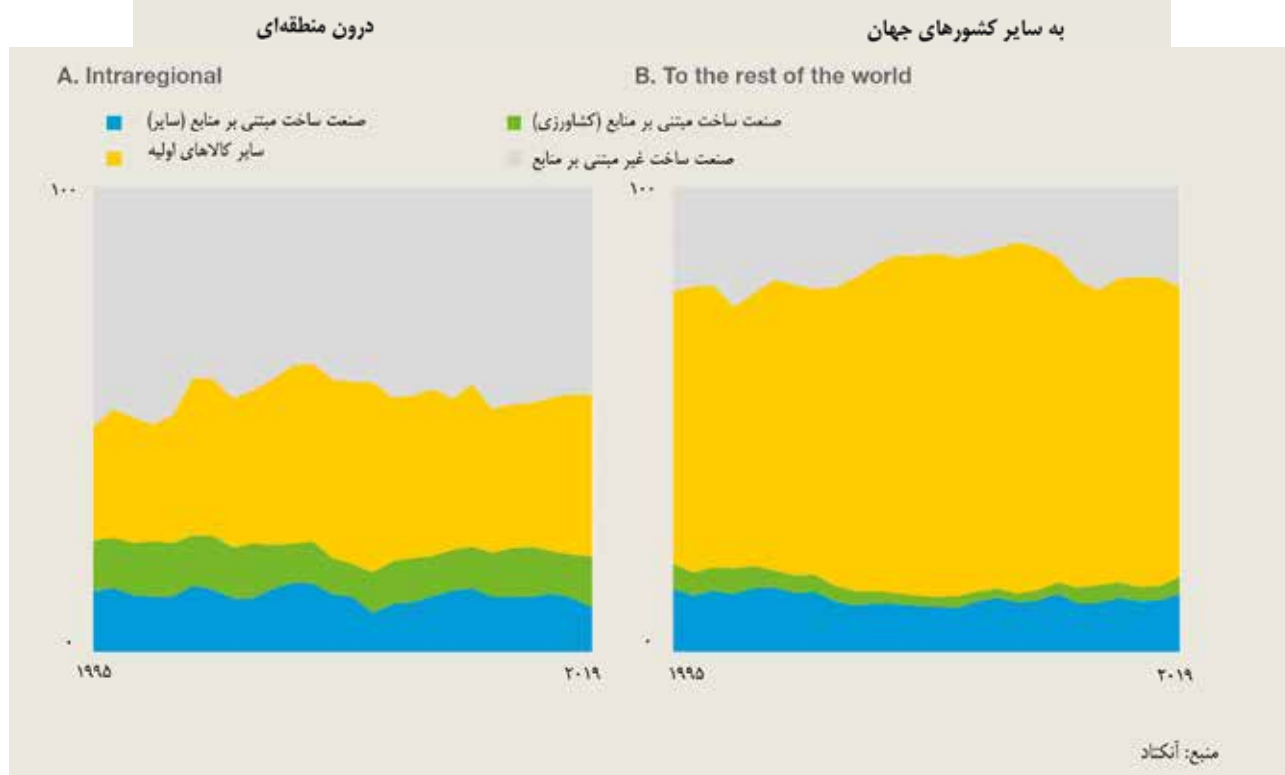
شرایط اولیه متفاوت، انگیزه‌ها، زمانبندی و عوامل دیگر شکل گرفته است. با این حال، مطالعه مورد اتحادیه اروپا با ارائه بینش‌های ارزشمند، می‌تواند هنگام بررسی الگوهای تجاری در سایر مناطق در حال توسعه اعمال شود.

تجارت در کالا

تجزیه و تحلیل حاضر بر دو منبع اصلی داده‌های تجارت کالا متکی است: برای صادرات ناخالص و پایگاه داده برای ارزش افزوده داخلی صادرات. هر دو منبع، اطلاعاتی را در مورد جریان‌های تجاری دو جانبه ارائه می‌دهند و امکان تفکیک دقیق صادرات کالا به سه دسته اصلی کالاهای اولیه (به استثنای انرژی)، انرژی و صنعت ساخت را فراهم می‌کنند. این تفکیک برای بررسی پرسش اصلی این گزارش مبنی بر اینکه نسبت بیشتری از ارزش افزوده داخلی ناشی از صادرات صنعت ساخت، برای توسعه مطلوب‌تر بوده یا خیر، ضروری است. دلیل این موضوع را می‌توان ایجاد مشاغل با کیفیت بالاتر، ارتباطات قوی‌تر و پتانسیل بیشتر این صنعت برای اثرات سرریز فناوری در سایر بخش‌ها عنوان کرد. این اثرات، به نوبه خود، می‌تواند پیوندی قوی بین صادرات، سودآوری و سرمایه‌گذاری ایجاد کند.

هر دو پایگاه داده نقاط قوت و محدودیت‌های خود را دارند. صادرات ناخالص، پوشش وسیع‌تری را به ویژه برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند، اما به عنوان معیاری برای سنجش ظرفیت توسعه یک کشور می‌تواند گمراه‌کننده باشد، زیرا یک محصول صادراتی خاص ممکن است نمایانگر کل بخش صنعت ساخت داخلی، به ویژه در زنجیره‌های تامین یکپارچه که بخش قابل توجهی از محتوای ارزش افزوده آنها، از خارج از کشور وارد می‌شود، نباشد. از سوی دیگر، پایگاه داده اطلاعات محتوای ارزش افزوده داخلی را ارائه می‌دهد، اما پوشش آن به ویژه برای کشورهای آفریقایی، کشورهای مشترک المنافع و آمریکای لاتین و کارائیب محدود است. برای پرداختن به این محدودیت‌ها، این

نمودار ۲. ترکیب صادرات ناخالص کالاهای آفریقایی، اجزای منتخب، ۱۹۹۵-۲۰۲۰ (درصد)



طی سه دهه گذشته، نقش کشورهای توسعه یافته، به عنوان شرکای تجاری آسه آن، کاهش نسبی داشته است. ارزش افزوده داخلی صادرات کالاهای آسه آن، در واقع کاهش تدریجی سهم کشورهای توسعه یافته به عنوان مقصد را نشان می دهد که از حدود ۷۰ درصد در سال ۱۹۹۵ به حدود ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۸ رسیده است. در مقابل، تجارت درون منطقه ای در داخل «آسه آن» نیز اهمیت پیدا کرده است. عمده جهت گیری صادرات «آسه آن» در این دوره به سمت کشورهای در حال توسعه خارج از آسه آن، به ویژه چین بوده است.

در سایر مناطق در حال توسعه، با منطقه ای سازی تجاری و یکپارچگی اقتصادی نسبتاً محدود، ناهمگونی بیشتری در ساختار صادرات در انواع مختلف شرکای تجاری وجود دارد. در آفریقا، به دلیل پوشش محدود در داده ها، تمرکز بر صادرات ناخالص است. داده ها حاکی از آن است که تجارت درون منطقه ای برای توسعه موثرتر است، زیرا سهم صنعت ساخت در تجارت درون منطقه ای (تقریباً ۴۰ درصد) بیشتر از سهم این دسته از کالاها در صادرات به سایر کشورهای در حال توسعه (حدود ۱۰ درصد) یا صادرات به کشورهای توسعه یافته (۲۰ درصد تا ۲۵ درصد) است. با این حال، سطح تجارت درون منطقه ای در آفریقا به جز افزایش جزئی در دهه گذشته، نسبتاً پایین و ثابت مانده است.

محرك اصلی رشد صادرات آفریقا ناشی از تجارت آن با سایر کشورهای در حال توسعه خارج از این قاره، به ویژه چین است. با این حال، تجارت با کشورهای در حال توسعه غیر آفریقایی، به شدت در تعداد کمی از کالاهای اولیه متمرکز شده که گاهی اوقات تقریباً ۹۰ درصد از کل صادرات به این کشورها را تشکیل می دهد. این تمرکز نشان دهنده ظرفیت محدود آفریقا برای تولید و فرآوری صنعتی بوده. زیرا عمدتاً بر صادرات کالاهای اولیه و فرآوری نشده متکی است. اگر تجزیه مشابهی از صادرات را برای گروه های اقتصادی متعددی که همزیستی در آفریقا دارند تکرار کنیم، نتایج مشابهی به دست می آید بدین معنا که برای همه این زیرگروه ها، سهم صنعت ساخت در صادرات درون منطقه ای بیشتر از صادرات خارج از منطقه است. علاوه بر این، در همه این موارد، صادرات با هدف سایر کشورهای در حال توسعه، پویاترین بخش بوده و سهم قابل توجهی از بازار را به دست آورده که به ضرر شرکای

صنعت ساخت سهم بیشتری از صادرات در کشورهای «آسه آن» را به خود اختصاص داده و در کنار آن عمده ارزش افزوده داخلی (بیش از ۸۰ درصد از کل صادرات) را تشکیل می دهد. این روند در سراسر کشورهای شریک «آسه آن» ثابت است و می توان آن را به یک شبکه تولید قوی منطقه ای، به ویژه در صنعت الکترونیک، و همچنین کالاهای اولیه در کشورهایی مانند مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند نسبت داد. ساختار صادرات «آسه آن» به ویژه پس از بحران ۱۹۹۷-۱۹۹۸ توسط یک استراتژی توسعه و برون گرا و تکیه بر صادرات خالص شکل گرفته است.

با این حال، در کشورهای عضو «آسه آن» ناهمگونی وجود دارد. به عنوان مثال، برونی دارالسلام برای ارزش افزوده داخلی خود در صادرات کالا به شدت به محصولات مرتبط با انرژی متکی است. کامبوج و میانمار سهم بیشتری از کالاهای اولیه، از جمله انرژی، در تجارت درون منطقه ای نسبت به صادرات خارج از منطقه دارند که یکی از دلایل آن را می توان تقاضای کشورهای همسایه از این دسته از کالاها، بیان کرد.

کشورهای توسعه یافته است. برای مثال، این موارد در بازار مشترک آفریقای شرقی و جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای غربی، جامعه اقتصادی کشورهای آفریقای مرکزی، اتحادیه اقتصادی و پولی غرب آفریقا، جامعه اقتصادی و پولی آفریقای مرکزی، جامعه توسعه آفریقای جنوبی، اتحادیه گمرکی آفریقای جنوبی و جامعه آفریقای شرقی قابل مشاهده است.

جوامع اقتصادی منطقه‌ای آفریقا بیشتر در زنجیره‌های ارزش غیر منطقه‌ای شرکت کرده‌اند و فعالیت‌های رو به جلو را به جای عقب نشینی دنبال می‌کنند. دلیل اصلی این الگو این است که بیشتر صادرات آفریقا شامل کالاهای خام و فراوری نشده بوده که ارزش افزوده بسیار محدود ایجاد شده در این قاره را توضیح می‌دهد. فراتر از تمرکز کالا، هزینه‌های حمل و نقل بالا و موانع غیر تعرفه‌ای به تجارت درون منطقه‌ای کمک اندکی کرده است. با حرکت رو به جلو، ظرفیت‌های تولید محدود آفریقا و اتصالات محدود آن بین کشورهای، از جمله زیرساخت‌های ضعیف (جاده‌ای) و از دست رفته (راه آهن)، چالش‌های اصلی را برای این قاره نشان می‌دهند. زیرا زیرساخت‌های تجاری آفریقا عمدتاً برای خدمت به تجارت با سایر نقاط جهان و نه تجارت درون منطقه‌ای طراحی شده است.

ادغام تجاری توسعه‌گرا و زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای

ترویج دگرگونی ساختاری از طریق افزایش تولید فرامرزی و پیوندهای بازار نمی‌تواند به تنهایی متکی بر کاهش تعرفه‌ها و حذف اقدامات مرزی باشد. صرفاً دنبال کردن دستور کار آزادسازی تجاری به طور خودکار به معنای پیگیری دستور کار تحول ساختاری نیست. این امر به ویژه در مورد توافقنامه‌های تجاری بزرگ منطقه‌ای که از نظر گستره و عمق روی توافقنامه‌های تجاری دو جانبه و منطقه‌ای گسترش می‌یابند، صادق است. این قراردادها اغلب فراتر از اقدامات مرزی هستند و ممکن است انعطاف‌پذیری سیاست‌ها را محدود کنند. ادغام تجاری باید بخشی از یک استراتژی توسعه باشد که

تخصص منطقه‌ای، صرفه‌جویی در مقیاس و وابستگی متقابل اقتصادی را تقویت می‌کند. در عین حال باید پیوند بین بنگاه‌ها و بخش‌ها را در سطح ملی تسهیل و امکان برقراری ارتباط قوی بین سود، سرمایه‌گذاری و صادرات را فراهم کند. این رویکرد به هر اقتصادی اجازه می‌دهد پایه تولیدی خود را ارتقا داده و تنوع بخشد. با ایجاد چرخه‌های افزایش بهره‌وری، پیشرفت اقتصادی و تقویت تجارت درون منطقه‌ای، وابستگی متقابل اقتصادی نزدیک‌تر می‌تواند همکاری بیشتر در مورد مسائل غیر تجاری را تسهیل کند. این همکاری برای رسیدگی به عدم توازن‌ها و واگرایی‌های در حال ظهور در میان کشورهای ضروری است که در صورت عدم توجه، می‌تواند ثبات ترتیبات منطقه‌ای را تضعیف کند.

این رویکرد معمولاً به عنوان «منطقه‌گرایی توسعه طلبانه باز» نامیده می‌شود که ارتباط نزدیک آن با توافقنامه‌های تجاری را بر جسته می‌کند و گزینه‌های سیاستی موجود را برای کشورهای در حال توسعه محدود نمی‌کند. چنین توافقنامه‌هایی به این کشورها اجازه می‌دهد در کنار مدیریت مبادلاتی را که از ادغام نزدیک‌تر با چندین کشور ناشی می‌شود، اقدامات جمعی ناشی از همکاری‌های تقویت شده نیز اجرا کنند و به دنبال طیف گسترده‌ای از اهداف توسعه در چارچوب یک استراتژی توسعه فراگیر و پایدار باشند. هدف اصلی منطقه‌گرایی توسعه‌ای، ارتقای رشد بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق تنوع اقتصادی و پیشرفت فناوری است. برای دستیابی به این هدف، یکپارچگی تجاری نزدیک‌تر بین کشورهای همسایه، توسعه پروژه‌های زیرساختی منطقه‌ای، همکاری در زمینه سیاست‌های صنعتی و ایجاد چارچوب‌های قانونی مشترک بسیار مهم است. این اقدامات می‌تواند شروع چرخه‌های رشد سودمند را تسهیل و به طور موثر تعامل بین نیروهای اقتصادی جهانی و نیازهای داخلی را واسطه‌کند.

به جای قراردادهای تجاری رسمی با تعهدات گسترده، این رویکرد شامل هماهنگی سیاست‌های غیررسمی است. منطقه‌گرایی توسعه طلبانه باز متکی بر حفظ یک چارچوب اقتصادی کلان و مالی است که سرمایه‌گذاری ثابت، ایجاد ظرفیت تولیدی و ایجاد اشتغال را تسهیل می‌کند و شامل جلوگیری از بی‌ثباتی نرخ ارز واقعی و ارزش‌گذاری بیش از حد و ارتقای در دسترس بودن تامین مالی سرمایه‌گذاری بلندمدت است. به علاوه، سیاست‌ها باید هم در یک اقتصاد در حوزه‌های مختلف سیاستی و هم در بین کشورهای منطقه هماهنگ شوند. ساختارهای نهادی، مانند ساختارهای موجود در یک دولت توسعه یافته، مانند زیرساخت‌های مشترک و سیاست‌های صنعتی نقش مهمی دارند. این سیاست‌ها که به طور کلی تعریف شده‌اند، با هدف ایجاد انگیزه در تغییرات ساختاری و ارتقای فناوری، تکمیل رقابت بین‌المللی بر اساس نرخ ارز و همچنین کاهش اتکا به نیروی کار با دستمزدهای پایین، ایجاد شده‌اند.

فراهم کردن زیرساخت‌هایی که برای نیازهای منطقه‌ای مانند گمرک، حمل و نقل، انرژی و شبکه‌های ارتباطی تنظیم می‌شود، جزء حیاتی منطقه‌گرایی توسعه‌ای است. مدیریت موثر انرژی و منابع آب همچنان یک چالش در دستیابی به عملکرد بهینه محصول است. با این حال، روند تحول ساختاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، همراه با همکاری‌های منطقه‌ای در این زمینه خاص، می‌تواند ظرفیت‌های عرضه را افزایش دهد که به افزایش تجارت و پتانسیل رشد کمک می‌کند. به عنوان مثال، مطالعات نشان می‌دهد که گسترش مناطق آبی در زمین‌های خشک آفریقا می‌تواند به طور بالقوه تولید غلات را تا ۵۲ درصد افزایش دهد. علاوه بر این، اختصاص سهم بیشتری از مخارج عمومی کشاورزی به تحقیق و توسعه این پتانسیل را دارد که به طور قابل توجهی عملکرد را بهبود بخشد.

از نظر زیرساخت‌های حمل و نقل، تمرکز بر تجارت بین‌المللی ممکن است منجر به فشار و زوال زیرساخت در امتداد مسیرهای صادراتی اولیه شود، در حالی که بودجه کافی به شبکه‌های حمل و نقل الزام برای ارتقای تجارت منطقه‌ای تخصیص داده نشده است. پرداختن به این چالش‌ها اغلب مستلزم هزینه‌های اولیه قابل توجه، دوره‌های طولانی توسعه و مشکلات



سازمانی که توسط هوش مصنوعی فعال و به وسیله رهبران سازمانی هدایت می شود

سازمان آینده

دکتر حسین ساسانی / نظریه پرداز توسعه پایدار

مشاغل، از هم اکنون تا سال ۲۰۳۰، خودکار و تریلیون هادار به اقتصاد جهانی اضافه کند. در همین حال، فناوران متخصص مدام به مایه آوری می کنند که نسل هوش مصنوعی تنها در مراحل اولیه توسعه و استفاده است. این فناوری هوشمند، قطعه هوشمندتر می شود و کسانی که کار با آن را یاد نگرفته اند، از هم اکنون عقب مانده اند.

حال سوال این است که در این محیط پرتلاطم و آشوبناک، سازمان ها چگونه می توانند کاری بیش از «حفظ وضعیت موجود و ادامه دادن با همین شیوه و سرعت» در به کارگیری هوش مصنوعی انجام دهند؟ رهبران کسب و کار باید چه استراتژی ها، ساختار ها و رویکردهای مدیریتی را در استعدادیابی و توسعه قابلیت ها اتخاذ کنند تا سازمان های خود را برای آینده مبتنی بر هوش مصنوعی آماده کنند؟ در این نوشتار به بررسی این سوالات و سوالات مهم دیگر پرداخته می شود. شرایط جهانی به سرعت در حال تغییر است، و رک و پوست کنده، هیچ پاسخ درستی برای سوال فوق وجود ندارد که چگونه می توان با موفقیت، نسل هوش مصنوعی را در سازمان ایجاد و راه اندازی کرد.

برای شروع، رهبران کسب و کار باید به طور گسترده فکر کنند که چگونه گسترش نسل هوش مصنوعی می تواند بر سازمان های شان - به ویژه افرادشان - تاثیر بگذارد. کارکنان و مدیران باید درک روشنی از نقاط قوت و ضعف نسل هوش مصنوعی و نحوه ارتباط استفاده از فناوری با اهداف استراتژیک سازمان داشته باشند. با توجه به پتانسیل این فناوری برای تسریع اتوماسیون، رهبران ارشد می توانند با پیام هایی درباره پتانسیل نسل هوش مصنوعی برای «افزایش و بهبود» و توانایی آن در افزایش قابل توجه تجربه کارکنان، با ترس غالب کارکنان از «جایگزینی و از دست دادن» مقابله کنند. برای مثال دنیایی را تصور کنید که جلسات کمتر و زمان بیشتری برای فکر کردن دارد.

وظیفه اصلی رهبران ارشد، ابهام زدایی از فناوری برای دیگران است. این به معنای برداشتن یک گام به عقب برای ارزیابی پیامدهای استراتژیک هوش مصنوعی یا خطرات و فرصت ها برای صنعت و مدل های کسب و کار است. همان طور که رهبران روایت قانع کننده ای برای استفاده از هوش مصنوعی می سازند، آنها همچنین باید دو یا سه برنامه کاربردی با تاثیر بالا را برای کاوش و همراهی کارکنان در سفری ارزش آفرین شناسایی کنند. رهبران ارشد همچنین باید متعهد به ساختن نقش ها، مهارت ها و قابلیت های مورد نیاز (برای حال و آینده) باشند تا بتوانند به طور مداوم با هوش مصنوعی آزمایش های کاربردی را تمرین کنند، یاد بگیرند و از رقبا جلو تر بمانند.

آیا رهبران و کارکنان به اندازه کافی در مورد تاثیر بالقوه نسل هوش مصنوعی فکر می کنند؟

هوش مصنوعی مولد می تواند مردم را توانمند کند، به شرطی که رهبران دید وسیعی از قابلیت های آن داشته باشند و عمیقاً پیامدهای آن را برای سازمان در نظر بگیرند. در زمینه اتوماسیون و دیجیتالی کردن سازمان ها با سرعت و شتاب هوش مصنوعی، سازمان ها را باز آفرینی نکردیم و عقب بودیم، ولی جامعه جهانی در نهایت شکاف را کم کرده و کمتر هم خواهد شد. باید قبول کنیم دیگر نمی خواهیم دوباره عقب بمانیم، اما مطمئن نیستیم که چگونه به هوش مصنوعی مولد فکر کنیم. این همان احساسی است که بسیاری از مدیران جهانی، توجه و تمرکز زیاد به سرعت تولید هوش مصنوعی (نسل هوش مصنوعی) دارند. دنیای کسب و کار در حال پیشرفت است و این فناوری در دسترس، همه جا حاضر است و وعده داده می شود که در دهه آینده تاثیر قابل توجهی بر سازمان ها و اقتصاد خواهد داشت. هر کسی می تواند از نسل هوش مصنوعی استفاده کند، با آموزش رسمی یا دانش فنی کمی یا بدون آن. این فناوری در ابزارهای روزمره مانند ایمیل، برنامه های کاربردی پردازش کلمه و نرم افزار جلسات تعبیه شده است، به این معنی که این فناوری، در حال حاضر برای تغییر اساسی نحوه کار افراد مورد استفاده قرار می گیرد. تحقیقات مک کینزی نشان می دهد تقریباً نسل هوش مصنوعی می تواند تا ۷۰ درصد از فعالیت های کسب و کار را در همه



مصنوعی را در نظر بگیرند. کدام موارد استفاده تجاری در حال حاضر بالاترین اولویت را دارند و کدام یک ممکن است کاندیداهایی برای فعال کردن هوش مصنوعی در ۶ ماه، ۱۲ ماه و غیره باشند؟ چه تغییراتی در سطح عملکردی مورد نیاز است تا امکان فعال سازی هوش مصنوعی وجود داشته باشد؟ به عنوان مثال، شرکت به چند مهندس نرم افزار بیشتر نیاز دارد؟ از آنجا که قابلیت های هوش مصنوعی در ابزارهای پردازش کلمه، ایمیل و ارتباطات رایج همچنان تعبیه شده است، چه تاثیری بر روش های کار در کل سازمان خواهد داشت؟ آیا هوش مصنوعی می تواند تغییر به یک هفته کاری چهار روزه را تسریع کند؟ و حتی به طور گسترده تر، چگونه ممکن است کل صنایع یا مدل های کسب و کار به طور اساسی متحول یا جایگزین شوند؟

سرعت بخشیدن به جست و جوی استعداد های انسانی در حوزه فنی

آیا سازمان دارای افراد مستعد و باهوش در حوزه فنی است و زیر ساخت های کاهش ریسک مناسب را در اختیار دارد؟ رهبران باید در نظر بگیرند که کدام طرح های مدل عملیاتی برای حصول اطمینان از توسعه بلند مدت استعدادهای فناوری و تکامل مستمر برنامه های کاربردی هوش مصنوعی در سازمان موثر تر خواهد بود. آنها همچنین باید در نظر بگیرند که آیا ساختار فعلی می تواند نیاز به نظارت بر هوش مصنوعی را برآورده کند؟

یک منبع قدرتمند با خطرات بالقوه

چگونه یک فرهنگ سازمانی می تواند پذیرش و استفاده از هوش مصنوعی را فعال یا مهار کند؟ برنامه های کاربردی هوش مصنوعی می توانند به روش های مختلف کاتالیزور تغییر فرهنگ باشند. این برنامه ها خودشان می توانند شفافیت و ارتباط سازمانی بیشتری ایجاد کنند. برای مثال، یک شرکت در حال اجرای آزمایشی یک برنامه هوش مصنوعی است که به کاربران اجازه می دهد در مورد عملیات، فروش و سایر موضوعات سوال بپرسند و این ابزار از کل مجموعه اطلاعات و دارایی های نامشهود شرکت محتوایی را استخراج می کند تا به پاسخ هایی برسد که می تواند کاربران را به مرتبط ترین کارشناسان و داده ها متصل کند که احساس بهتری داشته و با هم ارتباط بیشتری دارند. علاوه بر این، ویژگی های فرهنگی که برای موفقیت سازمانی در طول تحولات اقتصادی و تجاری اخیر بسیار مهم بوده و هستند؛ مانند سازگاری، سرعت، چابکی، اعتماد، صداقت، یادگیری و آزمایش، نوآوری، تمایل به تغییر، توسط هوش مصنوعی بسط و توسعه داده می شوند.

کاربردهای هوش مصنوعی تاثیرات بی سابقه ای بر رویکردهای سازمان ها در مدیریت استعداد خواهند داشت و به این سوال که چگونه سازمان ها باید رویکردهای مدیریت استعدادیابی خود را تغییر دهند؟ پاسخ های مناسب تری احتمالاً خواهد داشت. تاثیر اجتناب ناپذیر برنامه های هوش مصنوعی بر مربی گری کارکنان، به ویژه در مورد کار دانشی را

تحقیقات مک کینزی نشان می دهد به دلیل ظهور نسل هوش مصنوعی، حدود نیمی از فعالیت های تجاری امروز را می توان یک دهه زودتر از برآوردهای قبلی خود کار سازی کرد. اتوماسیون مبتنی بر هوش مصنوعی در حال حاضر آغاز شده است و همان طور که تحقیقات نشان می دهد، احتمالاً بر زمان کاری، وظایف و مسوولیت های کارکنان در سطح دستمزد و زمینه های تحصیلی تاثیر می گذارد. در واقع، این تحقیق نشان می دهد هوش مصنوعی تاثیر عمیقی بر مشاغلی خواهد داشت که به طور سنتی به سطوح بالاتر تحصیلات همچون دانشجویان و مربیان و وکلان نیاز دارند.

نسل هوش مصنوعی همچنین در مورد حوزه مدیران ارشد سازمان ها در مورد چگونگی ایجاد ارزش و اینکه آیا اضافه شدن قابلیت های هوش مصنوعی امکان طراحی مجدد مدل صنعت یا کسب و کار را می دهد، اطلاع رسانی می کند. در نتیجه، رهبران باید طیف وسیعی از سوالات حیاتی مرتبط با ماهیت «جدید» کار در سازمان های دارای هوش مصنوعی از جمله موارد زیر را از خود بپرسند.

پیامدهای نسل هوش مصنوعی در سطح سازمان چیست؟ به جای اتخاذ رویکردی منفعلانه برای شناسایی موارد استفاده بالقوه و سرمایه گذاری های مرتبط با هوش مصنوعی، رهبران باید وضعیت را از طریق «دریچه تهاجمی و جاه طلبی» ببینند. آنها باید تمام اثرات اولیه و ثانویه نسل هوش

در نظر بگیرید: تصور کنید یک رهبر بازاریابی از یک برنامه کاربردی هوش مصنوعی برای نوشتن یک خلاصه مدیریتی خلاصانه استفاده می کند که قبلاً توسط یک همکار جوان تر بازاریابی ایجاد شده بود. وقتی فرآیند یادگیری توسط هوش مصنوعی مختل شود، چه اتفاقی برای فرصت های توسعه و راهنمایی برای مدیر و همکار خواهد افتاد؟ علاوه بر این، هم محتوا و هم ارائه برنامه های مهارت سازی تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. یک روایت چت می تواند کارکنان جدید را از طریق آموزش در مورد یک فناوری جدید، با سرعت و با شرایط خاص خود راهنمایی کند و به آنها اجازه دهد تا میزان و سرعت یادگیری خود را افزایش دهند. در همین حال، مربی آنها ممکن است از یک برنامه «دستیار آموزشی» مجهز به هوش مصنوعی برای ایجاد ماژول های آموزشی جذاب برای افراد و گروه ها و ردیابی پیشرفت هر دو استفاده کند.

اینها فقط تعدادی از ملاحظات کلیدی سازمانی هستند. بسیاری دیگر هنوز در حال تکامل هستند. برای مثال تصمیم گیری در مورد ساختار و طراحی مدل عملیاتی، از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است، اما به هر شکلی که باشد، تجربه چندین دهه در مورد تحولات دیجیتال نشان می دهد که بحث در مورد خلق ارزش باید در مرکز فعالیت ها باقی بماند. فرآیندهای کاری باید چرخه های کوتاه و سریع آزمایش و تکرار و حلقه های بازخورد با کیفیت بالا را در بین کارکنان، مدیران و خود برنامه های هوش مصنوعی فعال کنند. برای این منظور، ایجاد تیم های فراواحدی کوچک در پروژه ها و طرح ها می تواند مفید باشد و تجربه کارکنان را افزایش دهد. برنامه های کاربردی هوش مصنوعی می توانند به روش هایی به کارکنان کمک کنند که بسیاری از آنها حتی ممکن است انتظارش را ندارند. به عنوان مثال هوش مصنوعی می تواند خطوط کد جدیدی را که برای به روزرسانی یک سیستم گزارش دهی مالی لازم است، پیشنهاد کند یا نسخه های متفاوت و چندگانه یک کمپین بازاریابی را ترسیم کند. با تسهیل فرآیند آموزش و ارتقای مهارت، برنامه های هوش مصنوعی

می توانند به کارکنان کمک کنند تا مهارت های جدید را سریع تر دریافت کنند. به عنوان مثال یک مطالعه اخیر نشان داد مهندسان نرم افزار وظایف کدنویسی خود را با استفاده از هوش مصنوعی دو برابر سریع تر انجام می دهند و رضایت بیشتری از این فرآیند گزارش می دهند. مزایای نسل هوش مصنوعی نه تنها به کارکنان خط مقدم، بلکه برای مدیران میانی نیز تعلق می گیرد و می تواند مدیران میانی را توانمند کند. در واقع مدیران میانی به عنوان نزدیک ترین افراد به کارکنان، نقش مهمی در افزایش راحتی کارکنان با کارهای کوتاه مدت مبتنی بر هوش مصنوعی و همکاری های بلندمدت با این فناوری دارند و از آنجایی که با گزارش های مستقیم خودشان کار با هوش مصنوعی را یاد می گیرند، مدیران میانی ممکن است متوجه شوند که بر انواع بیشتری از جریان های کاری نظارت می کنند و با سرعتی پیش می روند که قبلاً دیده نشده بود. در عین حال، استفاده از هوش مصنوعی می تواند ظرفیت و انرژی بیشتری را برای مدیران میانی آزاد کند، بنابراین آنها می توانند توجه خود را به وظایف رهبری با ارزش تر، مانند متمرکز شدن بر استراتژی و مدیریت افراد معطوف کنند.

این مزایا می تواند به سازمان ها کمک کند تا شیوه های مدیریت استعدادیابی خود را دوباره بازآفرینی کنند.

ظهور هوش مصنوعی فرصتی را برای سازمان ها فراهم می کند تا رویکردهای خود را برای جذب، حفظ و توسعه استعدادها تقویت کنند، به ویژه وقتی صحبت از سازندگان و متخصصان فناوری می شود. تحقیقات نشان می دهد که این کار می تواند به طور چشمگیری تعداد و تنوع برنامه ها را برای نقش های مختلف افزایش دهد. برنامه های کاربردی هوش مصنوعی همچنین می توانند به شرکت ها کمک کنند تا استخدام های جدید را با مربیان هماهنگ کرده تا تجربه حضوری، استعدادها را برتر و ساده سازی وظایف کاری را بهبود بخشند. این برنامه های کاربردی می تواند رهبران ارشد را وادار کند که به شیوه ای متفاوت رهبری کنند. از آنجایی که رهبران ارشد با مسوولیت دوگانه اجرای سریع نسل هوش مصنوعی امروز و پیش بینی نسخه های آینده فناوری های هوش مصنوعی نسل جدید و پیامدهای آن مواجه هستند، بیش از هر کس دیگری در سازمان، باید مروج هوش مصنوعی باشند و توسعه و پذیرش سازمان فناوری را در سطح وسیع تشویق کنند. این به معنای همکاری با سایر واحدهای تجاری و رهبران فناوری برای تخصیص منابع برای به روزرسانی زیرساخت های فناوری و انجام هر گونه فرآیند موقتی مورد نیاز برای تسهیل در عرضه هوش مصنوعی است. به عنوان مثال، انتقال برنامه ها به محیط های میزبانی ابری خصوصی. در واقع، یک وظیفه اصلی برای رهبران ارشد، یافتن راه هایی برای ایجاد ارتباطات قوی تر بین رهبران فناوری و واحدهای تجاری خواهد بود.

رهبران ارشد، همان طور که هنگام معرفی هر فناوری جدید، باید به وضوح در مورد اهداف تجاری هوش مصنوعی صحبت کنند، در مورد نقش هوش مصنوعی در تغییرات مشاغل هم باید شفاف سازی نمایند. آنها باید تصویر قانع کننده ای از نحوه سیم کشی (اتصال و ارتباط واحدهای سازمانی) جنبه های مختلف سازمان از طریق هوش مصنوعی ترسیم کنند. البته، اگر رهبران ارشد خودشان این فناوری را درک نکنند، بازسازی و بازآفرینی ارتباطات سازمانی برای تیم های شان و هدایت آنها به سمت آینده ای که مبتنی بر هوش مصنوعی است، دشوارتر خواهد بود.

یکی از راه های فعال ماندن رهبران، ایجاد تیم هایی است که آموزش حرفه ای مداوم در مورد پیشرفت های فناوری و برنامه های کاربردی هوش مصنوعی ارائه می دهند. رویکرد دیگر این است که در طول جلسات برنامه ریزی برای در نظر گرفتن سوالات آینده نگر وقت بگذاریم، مانند «آیا رویکرد ما به نسل هوش مصنوعی امروزی به اندازه کافی انعطاف پذیر است که نسل آینده برنامه های کاربردی و عملیات های مکرر بعدی و بعد از آن را پوشش دهد؟» و با تکرار بعدی نسل هوش مصنوعی، کدام مراحل یا نقش های فرآیند را می توانیم دوباره بازآفرینی کنیم؟

زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و ...

مربوط به مسائل مربوط به سواری مجانی است. در نتیجه، این ریسک وجود دارد که نه نیروهای بازار و نه ابتکارات دولت ملی به طور موثر این مسائل را حل نکنند. در عوض، تلاش‌های مشترک و جمعی در میان کشورهای منطقه احتمالاً راه حل‌های پایداری را به هم راه دارد.

همین اصول را می‌توان برای توسعه صنعتی و ترویج زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای به کار برد. زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای با پیوندهای قوی مشخص می‌شوند؛ جایی که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا در یک منطقه خاص رخ می‌دهد. این امر به تولیدکنندگان منطقه اجازه می‌دهد محصولات نهایی را به سایر کشورهای منطقه صادر کنند و آنها را قادر می‌سازد در کنار کسب تجربه، ظرفیت‌های محلی را توسعه دهند و در نهایت در مقیاس جهانی به رقابت بپردازند. علاوه بر این، این فعالیت‌ها در کنار ایجاد فرصت‌های درآمدی، تقاضای داخلی را تحریک و یک رابطه سودمند ایجاد می‌کنند.

با این حال، اجرای سیاست‌های صنعتی برای ترویج زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای شامل مبادلات چالش برانگیز است. از یک طرف، دستیابی به یک تقسیم کار منطقه‌ای کارآمدتر می‌تواند به صرفه جویی در مقیاس منجر شود. این امر مستلزم آن است که کشورهای خاصی در فعالیت‌ها یا محصولات خاص تخصص داشته باشند و به طور بالقوه گزینه‌های سرمایه‌گذاری خود را در سایر زمینه‌ها محدود کنند. در کوتاه مدت، این تخصص منجر به تمرکز فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا در بخش‌های خاصی از منطقه می‌شود، در حالی که سایر مناطق بر فعالیت‌های اساسی تر تمرکز می‌کنند. در نتیجه، عملکرد اقتصادی در سراسر منطقه ممکن است متفاوت باشد و هماهنگی سیاست‌های حمایتی خاص بخش را دشوارتر کند.

علاوه بر این، منافع تجاری ریشه‌دار و شیوه‌های تثبیت شده در سیستم مالی یک کشور، ساختارهای تولید و سرمایه‌گذاری موجود را تداوم می‌بخشد. این امر تأمین مالی سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد و توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای را پیچیده تر می‌کند.

زمان آن است که عضله هوش مصنوعی خود را منعطف کنید تا در صورت لزوم آن را به سمت دلخواه‌تان خم کنید

ظاهراً هوش مصنوعی مولد یک شبه وارد صحنه شد؛ از همین رو، مدیران عامل و دیگر رهبران کسب و کار نمی‌توانند رویکردی بیش از حد محتاطانه برای معرفی آن در سازمان‌های خود داشته باشند و باید اقدامات عاجل برای به کارگیری آن انجام دهند. با اجرای سه مرحله زیر به طور همزمان و با احساس فوریت، رهبران می‌توانند کارهایی انجام دهند که دستاوردهای اولیه را به دست آورند و از رقبا جلو تر بمانند.

۱- ابهام‌زدایی در خصوص هوش مصنوعی برای همگان

در وهله اول، رهبران ارشد باید درک عمیقی از هوش مصنوعی و قابلیت‌های مرتبط با آن داشته باشند تا بتوانند در ابهام‌زدایی از فناوری برای بقیه افراد سازمان کمک کنند. در گام بعدی، آنها می‌توانند به معرفی مکانیسم‌هایی برای مدیریت عدم قطعیت‌ها در مورد هوش مصنوعی بپردازند.

۲- دو یا سه مورد از کاربرد هوش مصنوعی با تأثیر بالا را شناسایی کرده و با فوریت اجرا کنید.

رهبران ارشد به دقت سرمایه‌گذاری‌های خود را در خصوص برنامه‌های تأثیرگذار مرتبط با هوش مصنوعی را شناسایی و انتخاب کنند و روی آنهایی که بیشترین امید را به مقیاس‌پذیری و دارای ارزش بلندمدت هستند، تمرکز کنند و سازمان در آن جهت بسیج نمایند. چه برنامه‌ای باشد که گزارش‌دهی مالی را ساده‌تر می‌کند و چه برنامه‌ای که جذب نیروی جدید را افزایش می‌دهد. به عنوان بخشی از این فرآیند بررسی، رهبران ارشد باید ریسک‌ها یا فرصت‌های تجاری یا صنعتی مرتبط با اجرای آزمایشی هوش مصنوعی و همچنین سخت یا آسان بودن اجرای پایلوت و تبدیل آن به بخشی از تجربیات روزمره کارکنان را در نظر بگیرند. هنگامی که این بررسی انجام شد، رهبران ارشد باید منابع را براساس آن هدایت کنند و مراقب نظارت و اندازه‌گیری خروجی ابتکارات و پایلوت‌های هوش مصنوعی باشند. به یاد داشته باشید، برخی ابتکارات هوش مصنوعی ممکن است در ۱۲ ماه آینده تأثیر خود را نشان دهند. در حالی که برخی دیگر ممکن است نیاز به سرمایه‌گذاری در زمان حال داشته باشند تا در عرض دو تا پنج سال به نتیجه برسند. بنابراین، هدف بلندمدت باید راه‌اندازی یک موتور پایدار برای ارتقای سریع مهارت کارکنان و مقیاس‌بندی هوش مصنوعی و سایر قابلیت‌های دیجیتال باشد.

۳- متعهد شوید که نقش‌ها، مهارت‌ها و قابلیت‌های لازم را برای حال و آینده ایجاد کنید.

رهبران ارشد باید متعهد شوند که مهارت‌های هوش مصنوعی برای کارکنان را ایجاد کنند تا بتوانند از این فناوری به طور عاقلانه و موفق در کارهای روزمره خود استفاده کنند. این یک فرآیند مقطعی و یک‌باره نیست. رهبران باید به طور مستمر ارزیابی کنند که وظایف چگونه و چه زمانی انجام می‌شوند، چه کسی آنها را انجام می‌دهد، معمولاً چقدر طول می‌کشد و وظایف مختلف چقدر حیاتی هستند.

از طریق این فرآیند، رهبران می‌توانند نیازهای استعدادی فعلی و آینده را بهتر درک کرده و تعیین کنند که چگونه به بهترین نحو سازماندهی شوند و استعدادها را ارتقا دهند.

در واقع، برنامه‌های ارتقای مهارت بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا می‌کنند، زیرا کارکنان باید مدیریت و کار با ابزارهای هوش مصنوعی را یاد بگیرند که خودشان همیشه در حال تکامل هستند.

DASANI

Trademark Regd.

آب آشامیدنی حاوی مواد معدنی
برای طعمی تازه و گوارا



شرکت تولیدی و صنعتی سآمد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمالدئید (UF)

رزین ملامین فرمالدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد: کیلومتر ۲۷ بزرگراه قوچان

صندوق پستی: ۹۱۳۷۵-۴۵۶۶

تلفن: (۰۵۱)۳۱۶۶۹ (خط ۴۰)

فکس: (۰۵۱)۳۲۴۶۳۱۴

دفتر تهران: تلفن: ۸۸۷۷۴۲۵۵ (۰۲۱)

۸۸۷۹۰۶۶۹، ۸۸۷۹۰۶۸۰

فاکس: (۰۲۱)۸۸۷۹۵۲۹۵



www.samed.ir samed@samed.ir

چسب درشید
اتصال ناگسستی در صنایع ایران